

تاریخ نامه جامعه



دوفصلنامه داخلی تاریخ نامه جامعه
سال اول • شماره اول • پاییز و زمستان ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: جامعه الزهراء ع.ج.ا.

مدیر مسئول: صدیقه شاکری حسین آباد

سرمدیر: نجمه صالحی

مدیر داخلی: لیلا همایون فرد

ویراستار: علی حائری مجد

طراحی و صفحه‌آرایی: انتشارات جامعه الزهراء ع.ج.ا.

هیأت تحریریه

- صدیقه شاکری حسین آباد، مدرس جامعه الزهراء ع.ج.ا.، گروه تاریخ

- ناهید طیبی، مدرس جامعه الزهراء ع.ج.ا.، گروه تاریخ

- رویا باقری، مدرس جامعه الزهراء ع.ج.ا.، گروه تاریخ

- فرزانه حکیم زاده، جامعه الزهراء ع.ج.ا.، مدیر پژوهش گروه تاریخ

- زهرا مهرجویی، مدرس حوزه و دانشگاه، گروه تاریخ

- صغری فهیمی، مدرس جامعه الزهراء ع.ج.ا.، گروه تاریخ

همکاران علمی و داوران این شماره

زهرا آخوندقرقی، هاجر رضایت، نجمه صالحی، صدیقه شاکری، زهرا مهرجویی، لیلا همایون فرد

اطلاعات تماس

نشانی: قم، خیابان صدوقی، بلوار بوعلی سینا، جامعه الزهراء ع.ج.ا. گروه علمی تاریخ.

صندوق پستی: ۳۴۹۳-۳۷۱۸۵

تلفن: ۰۲۵۳۲۱۱۲۲۶۷

وبگاه: www.jz.ac.ir

پست الکترونیکی: tariknamehjz@iran.ir

فهرست

راهنمای تدوین و ارسال مقاله	۳
سخن سردبیر	۷
روش تاریخ پژوهی آیت الله علی احمدی میانجی / زهرا بهجتی پور	۹
اصول و معیارهای اخلاقی در مکتب اهل بیت <small>علیهم السلام</small> / زهرا زارعی	۲۹
اشکال و گونه های عبادات جمعی امام علی <small>علیه السلام</small> / مریم محمودزاده	۵۱
رویکردهای موجود در سیره نگاری شیعیان / سیده مهین میرافضلی	۶۹
تأثیر شیوه های مقابله با جنگ روانی بر امنیت سیاسی با تکیه بر سیره پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> / نیلوفر ابراهیم آبادی	۷۹
فرایند برخورد رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> با مخالفت های مشرکان / لیلا همایون فرد	۹۵

راهنمای تدوین و ارسال مقاله

الف) نگارش مقاله

مقاله باید به زبان اصلی و رسمی نشریه (فارسی) باشد. مقاله باید پژوهشی، مستند، دارای نوآوری و حجم آن حداقل ۵۰۰۰ کلمه و حداکثر ۸۰۰۰ کلمه باشد.

عنوان

عنوان مقاله باید دقیق، علمی، متناسب با متن مقاله و با محتوایی رسا و مختصر باشد.

مشخصات نویسنده یا نویسندگان

شامل نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، مشخصات تحصیلی حوزوی و دانشگاهی به تفکیک رشته، مقطع و محل تحصیل، محل خدمت، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی باشد.

چکیده

آيينه تمام‌نما و فشرده پژوهش است که باید در بردارنده قلمرو بحث، هدف تحقیق، جامعه و نمونه مطالعه، روش تحقیق و مهم‌ترین نتایج باشد و ضمن اشاره به نتیجه‌گیری نهایی در قالب ۱۵۰ تا ۲۵۰ کلمه تنظیم گردد. در ادامه فهرستی از واژه‌های کلیدی، حداقل سه واژه و حداکثر پنج واژه ذکر شود.

مقدمه

شامل خلاصه‌ای از بیان مسأله، اهمیت و ابعاد موضوع، اهداف پژوهش، سؤال‌ها و پیشینه پژوهش باشد.

بدنه اصلی مقاله

در ساماندهی بدنه اصلی مقاله لازم است به موارد ذیل پرداخته شود:
توصیف و تحلیل ماهیت ابعاد و زوایای مسئله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور
مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده، تقسیم‌بندی مطالب در قالب محورهای مشخص.

نتیجه‌گیری

شامل یافته‌های پژوهش به شیوه‌ای دقیق و روشن، تبیین میزان ارتباط یافته‌های با
اهداف پژوهش و ارائه راهکارها و پیشنهادات.

ارجاعات

ارجاع به منابع و مآخذ در متن مقاله، به شیوه‌ی استناددهی (APA) باشد، و در
پایان نقل قول یا موضوع استفاده شده، به شکل ذیل آورده شود:
منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه)؛ مثال: (حسینی،
۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۳).

منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف)؛ مثال:
(palanting, 1998, p.71).

چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف
الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
آیات قرآن: (نام سوره: شماره آیه)؛ مثال: (بقره: ۲۵).
یادداشت‌ها و پانوشته‌ها: تمام توضیحات ضروری، در پایین هر صفحه آورده شود
(ارجاع و اسناد در یادداشت‌ها، مانند متن مقاله، به روش درون متنی (بند ۹) خواهد بود).

فهرست منابع

در پایان مقاله، فهرست منابع الفبایی به ترتیب منابع فارسی، عربی و لاتین به صورت
ذیل ارائه شود:

کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده، تاریخ چاپ (ش، ق، م)، نام کتاب، نام مترجم
یا مصحح، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر.

مثال: مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.

مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال نشر)، «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه، از صفحه تا صفحه.

مثال: فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۹۱، «طبقه‌بندی جریان‌های رازی‌شناسی در ایران و غرب»، آینه میراث، ش ۵۰، بهار و تابستان، ص ۲۵۰-۲۳۵.

۱۰.۳. مقاله مندرج در مجموعه مقالات یا دایرةالمعارف‌ها: نام خانوادگی و نام نویسنده، «عنوان مقاله»، سال نشر، نام کتاب، نام ویراستار، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر.

مثال: قربان‌نیا، ناصر، ۱۳۸۲، «زن و قانون مجازات اسلامی»، مجموعه مقالات زن و خانواده، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

نقل قول‌های مستقیم، به صورت جدا از متن، با تورفتگی (یک و نیم سانتی متر) از سمت راست درج گردد.

عنوان کتاب در متن مقاله، ایتالیک، و عنوان مقاله در «» قرار گیرد.

مقاله در الگوی ۴A با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، در محیط word، و متن مقاله با قلم IRMitra ۱۴ (لاتین TimesNewRoman) و یادداشت‌ها و کتابنامه IRMitra ۱۲ (لاتین TimesNewRoman) حروف چینی شود.

عناوین تیترها: عناوین با روش شماره‌گذاری عددی و ترتیب اعداد در عناوین فرعی، از چپ به راست تنظیم شود و در صورت طولانی شدن تیتراهای فرعی، اعداد فارسی به کار رود.

اشکال، نمودارها و جداول: اصل عکس‌ها و نمودارها، باید همراه با متن مقاله، در محل مناسب علامت‌گذاری شده و دارای زیرنویس باشد.

رعایت آخرین نسخه دستور خط فارسی، مصوّب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در نگارش مقالات الزامی است.

ب) ارسال مقاله

مقاله دستاورد پژوهش علمی شخص نگارنده باشد و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.

مقاله ارسالی در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ نشده باشد.

جهت ارسال مقاله از طریق ایمیل یا آیدی ایتا با درج نام و نام خانوادگی کامل نویسنده یا نویسندگان، رتبه دانشگاهی یا عنوان علمی، نشانی پستی، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی، فایل اثر بارگذاری و ارسال شود.

دو فصلنامه تاریخ نامه در رد، قبول، چاپ، اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است و مقالات ارسالی بازگردانده نمی شود.

نشریه هیچ گونه تعهدی در قبال پذیرش و یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت؛ کلیه مسؤولیت های ناشی از صحت علمی یا دیدگاه های نظری و ارجاعات مندرج در متن مقاله، بر عهده نویسنده یا نویسندگان آن است.

نامه پذیرش مقاله تنها پس از انجام اصلاحات مورد نظر داوران و تأیید نهایی صادر خواهد شد.

آیدی ایتا جهت ارسال مقالات: AdminSire@

رایانامه: tarikhnamejz@iran.ir

سخن سردیبر

پژوهش در تاریخ اسلام و واکاوی سبک و سیره معصومین علیهم السلام و بهره‌گیری از الگوهای زندگی این حضرات در ابعاد فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی، دینی، عبادی، تربیتی و اخلاقی، همواره به‌عنوان بهترین انگیزه حرکت شیعیان در این مسیر بوده و تحقیق در گزارش‌های تاریخی و دست‌یازیدن به شاخصه‌های مهم کاربردی، در پیش‌بری جامعه شیعی، نقشی اثربخش داشته و دارد. بر این اساس، نگارش سیره، زندگانی، مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السلام بخش مهمی از میراث تاریخی، سیره‌ای و هویتی شیعیان و بلکه سایر فرق اسلامی را تشکیل می‌دهد و نگارندگان و مؤلفان بسیاری در تاریخ اسلام با انگیزه‌های مختلف در این عرصه قلم زده‌اند.

در این راستا، گروه علمی تاریخ اسلام جامعه الزهراء علیها السلام با اهتمام ویژه به موضوع آموزش پژوهش محور و با هدف گسترش مرزهای دانش، افزایش اطلاعات و پژوهش‌های علمی و نشر نتایج تحقیقات ارزنده در کلیه حوزه‌های تاریخ اسلام، ایجاد زمینه‌ای برای رشد طلاب نو قلم و معرفی آنان به جامعه علمی و ورود به عرصه‌های پژوهش، پس از وقفه‌ای، بنا دارد با چاپ دومین شماره «دوفصلنامه داخلی تاریخ‌نامه جامعه» بار دیگر در این مسیر علمی گام بردارد.

به همین منظور، آثار طلاب پژوهشگر در مقطع سطح دو، سه و چهار دریافت شد که پس از ارزیابی و تایید نهایی، این شماره از نشریه، متشکل از شش مقاله از دانش‌آموختگان جامعه الزهراء علیها السلام با گرایش تاریخ اهل بیت علیهم السلام سامان یافت تاگامی در مسیر رشد علمی طلاب و ایجاد اعتماد به نفس لازم در این عزیزان و ارائه به سایر مراکز علمی باشد.

این مجموعه، حاصل زحمات نویسندگان مقالات و کادر علمی و اجرایی این مرکز است و به یقین، نواقصی خواهد داشت؛ لذا انتقادات و پیشنهادهای خوانندگان اندیشه‌ورز و فرهیخته، در شکوفایی و مانایی این نشریه راهگشا خواهد بود.

و من الله توفیق

روش تاریخ پژوهی آیت الله علی احمدی میانجی

زهرا بهجتی پورا

چکیده

آیت الله میرزا علی احمدی میانجی (م ۱۴۲۱ق)، از عالمان و ادیبان شیعی برجسته معاصر و یکی از اساتید حوزه قم است که تمام عمرش در تتبع و بررسی فرهنگ و علوم اهل بیت علیهم السلام سپری شد. می توان از وی به عنوان عالم دینی و محقق و پژوهشگر پرتلاش در عرصه علم و دین نام برد. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی روش تاریخ پژوهی در آثار تاریخی احمدی میانجی است. این تحقیق با رویکرد تاریخی، درصدد تبیین روش تاریخ پژوهی کتب تاریخی احمدی میانجی است که با استفاده از منابع کتابخانه ای و نرم افزاری (مجموعه آثار فقیه اخلاقی حضرت آیت الله احمدی میانجی) سامان یافته است. بر اساس یافته های این تحقیق، احمدی میانجی، شیوه و سبک ویژه ای در تدوین و نگارش کتب تاریخی داشته و دارای ساختاری یک دست و با فصل بندی منظم است. وی در استناددهی منابع، احتیاط و دقت لازم را داشته است که این امر، نشان دهنده درون مایه دینی و مقید بودن به آموزه های الهی است. واژگان کلیدی: تاریخ پژوهی، احمدی میانجی، مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله، مکاتیب الائمه علیهم السلام.

لازمه انجام پژوهش تاریخی، دارا بودن ارزش علمی و اعتباری است و محقق تاریخ برای رسیدن به این هدف، ملزم به رعایت قواعد و اصولی است که نویسندگان پیشین آنها را رعایت نمی‌کردند. این اصول و مقررات خاص را «روش تحقیق در تاریخ» یا «روش تاریخ نگاری» می‌گویند. (قائم مقامی، ۱۳۵۸، ص ۸-۹)

هدف اصلی نگارنده در این پژوهش، شناسایی روش پژوهی احمدی میانجی در کتب تاریخی است؛ اما قبل از پرداختن به این بحث، مختصری از زندگینامه وی بیان می‌شود. سپس تلاش شده به دو سؤال این پژوهش، پاسخ داده شود که عبارتند از:

۱. احمدی میانجی در نگارش کتب تاریخی، به ویژه مکاتیب الائمه علیهم السلام و مکاتیب

الرسول صلی الله علیه و آله، چه رویکرد و روشی را به کار برده است؟

۲. در نگارش این کتب تاریخی، از چه منابعی بهره جسته است؟

در راستای روش شناسی آثار تاریخی احمدی میانجی، تاکنون پژوهشی صورت نپذیرفته است؛ اگرچه پژوهشگرانی که در تاریخ این دوره تحقیق کرده‌اند، به مسئله روش شناسی اشاره‌هایی داشته‌اند. «درآمدی بر روش شناسی آثار تاریخی دکتر سید جعفر شهیدی» اثر توج زینی‌وند از آثاری است که نویسنده به صورت عام از آن بهره گرفته است. در برخی نوشته‌ها که به معرفی و بیان شرح حال احمدی میانجی پرداخته است به گونه‌ای مختصر و ایجاز، به برخی از کتب وی اشاره شده است. مقاله «نامه‌های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله» از عبدالرحیم اباذری، انتشار یافته در مجله فرهنگ کوثر، در سال ۱۳۸۸، شماره ۷۷ به اختصار چند نکته درباره نامه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله بیان کرده است. مجتبی فرجی، در کتاب «مکاتیب الائمه علیهم السلام» نیز به بیان مختصری از محتوا و اسلوب نگارش درباره محتوای کتاب پرداخته که دار الحدیث قم آن را نشر داده است. بر این اساس نگارنده، پژوهشی که به طور مستقل با این عنوان انجام شده باشد، نیافته است.

با تکیه به پیشینه این پژوهش، پرداختن به این موضوع ضرورت خواهد یافت و انجام چنین تحقیقی برای شناخت آثار و روش شناسی محققان علوم دینی، به ویژه علمای معاصر، برای پژوهشگران امروزی لازم است.

امتیاز مقاله حاضر این است که به طور مستقل و با رویکرد تاریخی، به روش پژوهی و استناددهی کتب مکاتیب الرسول ﷺ و مکاتیب الأئمه علیهم السلام پرداخته است.

زندگی و ابعاد شخصیتی آیت الله علی احمدی میانجی

۱.۱. حیات فردی

علی احمدی میانجی، مشهور به میرزا علی احمدی میانجی، یکی از علماء و نویسندگان شیعی و از اساتید علوم دینی معاصر است که برجستگی ایشان بیشتر در حوزه اخلاق می باشد. وی در چهارمین روز از ماه محرم سال ۱۳۴۵ ق برابر با ۱۳۰۵ ش در روستای پور سخلو از توابع میانه در خانواده ای اهل علم و سرشناس در منطقه، به دنیا آمد. مادر ایشان، سیده معصومه^۱ و پدرش حسینعلی از عالمان معروف همان قریه بود که در امر تبلیغ دین و ارشاد مردم فعالیت داشت. (احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۹-۱۰)

۱.۲. فعالیت ها و خدمات

۱.۲.۱. خدمات فرهنگی و اجتماعی

از جمله اقدامات فرهنگی و اجتماعی ایشان، تأسیس انجمن دین و دانش در شهر میانه و تربیت صدها جوان در این انجمن، (احمدی میانجی، ۱۳۷۹، ص ۷۹)، برگزاری کلاس های معارف اسلامی در میانه، تأسیس صندوق قرض الحسنه مهدیه برای اعطای وام به افراد مستمند و مستحق و مؤسسه دیگری به عنوان مبارزه با فقر برای رسیدگی به خانواده های ایتام و نیازمند و مؤسسه قالی بافی در این شهر است. (همان، ص ۷۹-۸۶)

وی همچنین از سال های جوانی بر برگزاری جلسات تفسیری همت گماشت. احمدی میانجی در خاطرات خود می نویسد: روزهای پنج شنبه و جمعه، تفسیر را با سوره نبأ شروع کردیم و اولین هم مباحثه ای ما در درس قوانین، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی در قم بود که هر دو به درس سید محمد محقق داماد می رفتیم. (همان، ص ۶۲)

۱. احمدی میانجی، حقوق مخاصمات مسلحانه در اسلام (ترجمه، الاسیر فی الاسلام)، ص ۱۳۸۸، ۱۶ ش.

۱.۲.۲. فعالیت‌های سیاسی

احمدی میانجی از آغاز نهضت اسلامی، همگام با امام خمینی و امت انقلابی، به فعالیت پرداخت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در حوادث مهم کشور، لحظه‌ای درنگ نوزید و همواره به وظیفه اسلامی و دینی خود عمل کرد. وی در دوران هشت سال دفاع مقدس، با حضور در جبهه‌ها، موجب تقویت روحیه رزمندگان اسلام بود و فرزند خود، شهید جعفر احمدی^۱ را برای دفاع از اسلام تقدیم کرد. این عالم وارسته و استاد اخلاق، در سال ۱۳۷۹ ش در ۷۳ سالگی چشم از جهان فرو بست و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد (همان، ص ۵۰).

۱.۳. حیات علمی

حیات علمی احمدی میانجی در دو دوره قابل بررسی است: دوره اول حیات او از زادگاهش در در روستای پورسخلو، در کنار پدر شکل گرفت. او در آنجا رشد و آموختن را آغاز کرد. وی تحصیلات مقدماتی از جمله نصاب الصبیان، گلستان (روضه الورد)، منشآت قائم مقام و تاریخ جهانگشای نادری را نزد پدرش رانزد پدرش فرا گرفت (همان، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۰). مرحله دوم حیات علمی احمدی میانجی با هجرت از زادگاه آغاز می‌شود. پدرش در سال ۱۳۵۸ ق در حدود ۱۳ سالگی، او را به میانه آورد. وی در میانه، نحو، حاشیه در منطق، معالم در الاصول، بخش‌های عمده شرح لمعه و قوانین الاصول را از محضر آیت الله میرزا ابومحمد حجتی فرا گرفت و از محضر بزرگانی همچون شیخ لطفعلی شریفی زنوزی، حاج میرزا مهدی جدیدی و میرزا لطفعلی زنوزی کسب علم نمود. (همان)

احمدی میانجی چندی بعد برای تکمیل تحصیلات علوم دینی، چنان‌که رسم علماء هر عصری است، به شهرهای مختلف سفر کرد. لذا به نظر می‌رسد مهم‌ترین انگیزه او از هجرت به تبریز، تحصیل دانش و اندوختن علوم دینی بوده است. وی پس از مدتی، در ذیقعد سال ۱۳۶۳ ق در ۱۸ سالگی رهسپار حوزه علمیه قم شد و حلقه درس اساتیدی همچون سید حسین قاضی طباطبایی، احمد کافی ملک و سید شهاب

۱. وی فرزند کوچک ایشان بود که در تاریخ ۱۰/۲/۱۳۶۵ ش برابر با نیمه شعبان ۱۴۰۶ ق در جزیره مجنون

به شهادت رسید. (خاطرات آیت الله علی احمدی میانجی، ۱۳۷۹، ص ۵۰)

الدین مرعشی نجفی حاضر شد. ایشان سپس با حضور در دروس خارج فقه، اصول و تفسیر حضرات آیات: سید حسین بروجردی، سید محمد محقق داماد، سید محمد رضا گلپایگانی، میرزا هاشم آملی و سید محمد حسین طباطبایی مدارج علمی را پیمود. هم مباحثه‌ای درسی ایشان، آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی و آیت الله سید اسماعیل موسوی زنجانی بودند. (همان)

احمدی میانجی در طول بیش از نیم قرن حضور در حوزه علمیه قم، در کنار تحصیل، به تدریس فقه، اصول و اخلاق پرداخت و در نشر علوم اهل بیت علیهم السلام سعی وافری نمود. ایشان در تربیت شاگردان خویش، مهارت کم نظیری داشت و تدریس ایشان در سطوح عالی به ویژه کتاب مکاسب، بسیار شیرین بود. درس های اخلاق وی در مدارس علمیه و محافل فرهنگی و دانشگاهی و مسجد ایشان در خیابان ارم قم، بسیار شورانگیز بود و بسا افرادی که در جلسات وی حضور داشتند، منقلب شده و اشک می ریختند. موضوع های تدریس ایشان عبارت بودند از: شرح خطبه همّام، شرح دعای مکارم الاخلاق و شرح دعای ابو حمزه ثمالی. (همان، ص ۱۱)

۱.۴. اخلاق پژوهشی

بررسی و ارزیابی های این پژوهش، گویای این مهم است که بر اساس نوشته ها و آثار مکتوب به جای مانده از احمدی میانجی، آنچه اصول اساسی و بنیادین آثار وی را تشکیل می دهد، از درون مایه ای دینی برخوردار است. با توجه به اخلاص و زهد، که نمایانگر تقوای نویسنده است و رعایت مسائل اخلاقی و دینی و همت و پشتکاری که در دقت نظر منابع معتبر شیعه و سنی در تألیفات ارزشمندی مانند: مکاتیب الرسول و مکاتیب الائمه داشته است، این اخلاق پژوهشی وی به وضوح نمایان است.

آثار و تألیفات میانجی

احمدی میانجی، از عالمان دینی شیعه معاصر است که در کنار تدریس دروس دوره سطح، درس اخلاق نیز می گفت و به تحقیق و تألیف نیز مشغول بود. میانجی، به تفسیر و مباحث دینی علاقه داشت و آثاری در این موضوعات نگاشت. بیشتر

تألیفات ایشان، به صورت ابتکاری بوده و به موضوعات روز جامعه پرداخته است که جای آنها در میان کتاب‌های شیعه خالی بود. آثار مهم وی عبارتند از: مکاتیب الرسول ﷺ، مکاتیب الائمه علیهم السلام، التبرک، السجود علی الارض، الأسیر فی الاسلام، مالکیت خصوصی در اسلام و السجود علی الارض. علاوه بر کتب، از ایشان مقالاتی نیز در موضوعات مختلف در نشریات گوناگون به چاپ رسیده است.

۲.۱. آثار غیر تاریخی

میانجی در طول حیات خود، کتاب‌های متعددی در موضوعات تاریخی و غیر تاریخی پدید آورده است که ما در اینجا، ابتدا به آثار غیر تاریخی ایشان اشاره می‌کنیم.

الف) مواقف الشیعة

کتاب مواقف الشیعه، شامل مناظرات و بحث‌های علمای برجسته شیعه با علمای اهل سنت و مشتمل بر سه جلد به زبان عربی است که در مجموع، تعداد ۹۴۶ مناظره و احتجاج تاریخی را ذکر کرده است. موضوعات این مناظره‌ها، به صورت اجمالی، عبارتند از: مباحث اعتقادی مورد اختلاف بین شیعه و سنی از جمله مسائل جبر و تفویض، امر بین الامرین و امامت و شفاعت و افضلیت امام علی ﷺ و... هدف کتاب، فقط جمع‌آوری مناظرات بوده و ترتیب و نظم الفبایی و موضوعی یا زمانی لحاظ نشده است. در نگارش مناظرات، ابتدا از مناظرات پانزده‌گانه شیخ مفید شروع کرده و با مناظرات شیخ صدوق به اتمام رسانده است. (همان، ۱۴۲۲، ص ۱۰-۱۵)

ب) التبرک

التبرک، اثری است کلامی به زبان عربی، که به بررسی موضوع تبرک جستن به قبر پیامبر اکرم ﷺ و سایر بندگان صالح و شایسته خداوند و توسل به آنها و استشفاع از آنان اختصاص یافته است (همان، ص ۲۶). نویسنده بر این باور است که تبرک به آثار انبیاء و اولیاء الهی و بندگان صالح خداوند، چه بسا جزء ضروریات اولیه اسلامی باشد که به هیچ وجه نمی‌توان در آن شک و تردید نمود. شبهاتی که درباره جواز تبرک به آثار انبیاء و اولیاء مطرح می‌کنند باعث بروز اختلاف میان مسلمانان

شیعه و اهل سنت شده است و مولف در راستای حل این اختلاف و جلوگیری از بروز و ظهور برخی مشکلاتی که به تفرقه مسلمانان منجر می‌شود به نگارش این اثر پرداخته است. (همان، ص ۲۳)

نویسنده در مقدمه کتاب، آشنایی با کتاب «تبرک الصحابه بآثار الرسول ﷺ» را انگیزه تألیف این کتاب معرفی می‌کند. وی در این اثر به بیان مواردی پرداخته که صحابه پیامبر اکرم ﷺ، چه در زمان حیات و چه بعد از رحلت ایشان، نه تنها به وجود مقدس پیامبر ﷺ، بلکه به خاندان پاک حضرت و نیز عالمان و صالحان از امت پیامبر تبرک جسته و درخواست شفا و شفاعت کرده‌اند و اوامر نبوی در زمینه جواز این امر بلکه ترغیب و تشویق مسلمانان به تبرک جستن را یادآور شده است. مولف در این اثر، اخبار و احادیثی زائد بر اخباری که در کتاب مذکور آمده، گرد آورده و به تحقیق و بررسی بیشتری درباره آنها پرداخته است (همان، ص ۲۵). این کتاب مشتمل بر دو فصل است که در فصل اول، به بررسی نصوص و روایاتی اختصاص یافته که در آنها، از تبرک صحابه پیامبر و تابعین به آثار نبوی سخن به میان آمده است. فصل دوم کتاب نیز به بررسی موضوع جواز یا عدم جواز تقبیل (بوسیدن) آثار پیامبر ﷺ از جهت شرعی پرداخته شده است.

ج) الأسیر فی الاسلام

این کتاب، در اواخر جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در زمینه فروع فقهی و حقوق انسانی مربوط به اسرای جنگی کفار و تجاوزگران، به رشته تحریر درآمده است. کتاب شامل ۲۵۸ صفحه، با دو مقدمه (ناشر و مؤلف) در سه فصل با عناوین: اسیر در اسلام و حقوق اسیر، که موضوعات مورد بحث آن در باب انواع جنگ و آثار و پیامدهای هر کدام از آنها و جنگ در تورات و انجیل، شرایط جهاد و چگونگی رفتار با اسیر در اسلام، وضعیت اسیر در دوران جاهلیت قبل از اسلام، نحوه آزادی اسیر و احکام اسرای بغاه حربی و سیره امام علی علیه السلام در جنگ‌ها است (همان، ۱۳۶۹ ش، ص ۵). این کتاب در سال ۱۳۷۰ ش به زبان عربی چاپ شد.

با توجه به مباحث مربوط به اسیر جنگی و حقوق وی به معنای اخص، که یک پنجم کتاب را تشکیل می‌دهد و نیز چهار پنجم بحث‌های مطرح شده درباره مسائل گوناگون

جهاد در اسلام، مترجم، در ترجمه فارسی، عنوان «حقوق مخاصمات مسلحانه در اسلام» را برگزیده است (همان، ۱۳۸۸، مقدمه، ص ۵). به نظر می‌رسد با توجه به محتوای مباحث تاریخی کتاب، می‌توان آن را تاریخی نیز دانست؛ هر چند مؤلف، مباحث فقهی و حقوقی انسانی را با توجه به عنوان کتاب مطرح کرده است.

د) مالکیت خصوصی در اسلام

این کتاب دارای دو بخش اصلی است. بخش اول: ادله مالکیت خصوصی به طور عموم، به زکات، خمس، انفال و فیه اشاره کرده و از این بحث می‌کند که چگونه می‌توان از آیات و روایات و سایر ادله قطعی و... مربوط به این ابواب، دلایل مالکیت خصوصی را استخراج کرد. وی به ادله قرآنی و روایی ارث، به عنوان یکی دیگر از ادله مالکیت خصوصی اشاره کرده و وجه استدلال به این آیات و روایات برای اثبات مالکیت خصوصی را بیان می‌کند.

بخش دوم: مالکیت خصوصی زمین و ادله آن با استفاده از برخی وقف‌نامه‌های پیامبر ﷺ بررسی شده است. نویسنده با مراجعه به ادله (کتاب و سنت) و نقد و بررسی گفتار فقها، درصدد ارائه این مطالب برآمده است. در فصل دیگری، به مهریه زنان و آیات و روایات مربوط به متاع آنان در هنگام طلاق و اهمیت دادن اسلام به این مسئله را از دلایل احترام گذاشتن به مالکیت خصوصی ارزیابی کرده است. در فصل بعدی، نگارنده به حرام بودن غصب اموال در اسلام اشاره کرده و آیات و روایت غصب را بررسی کرده است. همچنین قسمتی از اخبار در مورد اموالی که مورد نزاع واقع می‌شوند و نیز برخی از نامه‌های پیامبر اسلام ﷺ در این زمینه را مورد تجزیه و تحلیل فقهی قرار داده است. وی از مجموع این مباحث و آیات و روایات، دلایل مالکیت خصوصی را نتیجه می‌گیرد. مباحثی درباره غصب زمین و احکام آن و شرایط احیای زمین‌های موات و در نتیجه، مالک شدن این زمین‌ها، که از فروع و مصادیق مالکیت خصوصی است، از مباحث پایانی این کتاب می‌باشد.

بی‌گمان با چنین رویکردی به یافته‌های کتاب، هدف، بیان علم اقتصاد نبوده؛ بلکه مسلمات و ضروریاتی از کتاب و سنت و کلمات فقها را جمع‌آوری کرده تا چهارچوب‌های

اقتصاد اسلامی را روشن سازد که دیگران در تحقیقات خود، برخلاف اسلام و اصول مسلمه دین نظر ندهند و نظرات خود را با اسلام تطبیق کنند. (همان، ۱۴۲۴، ص ۲۰)

در پایان این کتاب ۳۰۰ صفحه‌ای، فهرستی از منابع و مصادر بیان شده است. همچنین در ابتدای آن، فهرستی از مندرجات و موضوعات کتاب ذکر شده است. این مطلب نشان دهنده دقت نظر نویسنده کتاب است که برخی از نویسندگان به آن توجهی نداشتند.

هـ) السجود علی الارض

در این کتاب، مسئله سجده بر زمین، به عنوان یکی از مسائل اختلافی بین اهل تسنن و اهل تشیع، بررسی شده است. این مسئله، از مسائل مورد ابتلاء و محل اختلاف است که تعصبات مرتبط با آن باعث شده که گاهی تا حد اتهام و افتراء به شیعه پیش روند (همان، بی تا، ص: ۳). مؤلف در این اثر تلاش دارد ابهامات و شبهات این موضوع را پاسخ داده و رفع کند.

۲.۲. آثار تاریخی

در میان آثار فراوان احمدی میانجی، دانش تاریخ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و شاخص‌های برجسته در آثار وی، به این دانش اختصاص می‌یابد. آثار برجسته دیگری که از وی به چاپ رسیده است بیشتر در حوزه تاریخ اسلام است. برخی از این کتب عبارتند از:

الف) مکاتیب الرسول ﷺ

مکاتیب الرسول ﷺ، نخستین نگاشته‌ای است که همه نامه‌ها و نوشته‌های پیامبر ﷺ را به صورت تحلیلی و تحقیقی در یک مجموعه گردآوری کرده است. نویسنده در مقدمه کتاب یادآور می‌شود که این کتاب، حاصل عمر من است (همان، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۶). بر اساس این رویکرد نویسنده در نگارش کتاب، اهمیت و جایگاه آن به وضوح دیده می‌شود.

مکاتیب الرسول ﷺ، کتابی با محوریت نامه‌های پیامبر ﷺ است. این کتاب در چهار

جلد انتشار یافته که جلد چهارم، اختصاص به فهرس دارد. جلد اول شامل ۹ فصل در ۶۸۹ صفحه، جلد اول تا سوم مشتمل بر پانزده فصل می باشد. جلد دوم شامل ۳ فصل و ۷۰۷ صفحه، جلد سوم ۱۵ فصل و ۷۳۹ صفحه دارد. فصول بعدی، به نامه های ایشان به پادشاهان، افراد و گروه ها با موضوع دعوت به اسلام و نیز به کارگزاران خود، نامه های موجود نزد ائمه علیهم السلام، پیمان ها و صلحنامه ها و دیگر موارد پرداخته است. مؤلف، فصلی را هم به نامه های نانوشته اختصاص داده و در خاتمه، برخی از مکاتیب ساختگی منسوب به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ذکر شده که مجموعه کاملی از نامه ها، عهدنامه ها، پیمان ها و صلحنامه های رسول خداست. کتاب با مقدمه ای کوتاه در حمد و ثنای الهی آغاز می شود. (همان، ص ۵) نویسنده در مقدمه یادآور می شود که کتب و رسائل آن حضرت، بیش از آن چیزی است که در این کتاب فراهم آمده و آنچه در اینجا گردآوری شده، مجموع آن چیزی است که از کتب مختلف انتشار یافته، فراهم آمده است (همان، ص ۶). مؤلف با استفاده از متون تاریخی، تفسیری و روایی شیعه و اهل سنت، ضمن معرفی شیوه های نگارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ضمن دسته بندی نامه های حضرت، کاتبان ایشان را معرفی کرده و نامه هایی را که از ایشان موجود است با ذکر سند، شرح و توضیح داده است.

ب) مکاتیب الائمه علیهم السلام

احمدی میانجی پس از آنکه کتاب ارزشمند مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله را نگاشت، مکاتیب الائمه علیهم السلام که در بردارنده نامه های ائمه معصومین علیهم السلام است را در ۷ جلد به ترتیب ذیل جمع آوری کرد.

۱. جلد اول و دوم، در ۷ فصل و ۳۸۵ صفحه، نامه های امام علی علیه السلام؛
۲. جلد سوم در ۲۹۴ صفحه، نامه های امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، امام سجاد علیه السلام و امام محمد باقر علیه السلام؛
۳. جلد چهارم در دو فصل و ۳۵۳ صفحه، نامه های امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام؛
۴. جلد پنجم در دو فصل و ۳۰۷ صفحه، نامه های امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام؛
۵. جلد ششم در دو فصل و ۲۵۱ صفحه، نامه های امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام؛

۶. جلد هفتم در یک فصل و ۲۱۵ صفحه، نامه‌های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه.

با مقایسه مطالب ۷ جلد کتاب مکاتیب الاثمه می‌توان گفت که ۷ فصل از دو مجلد اول، مباحث زیادی را به امام علی علیه السلام و نامه‌هایی که امام در قبل و بعد از خلافت و جنگ‌ها داشتند، می‌پردازد. در این کتاب، نامه‌های امامان معصوم علیهم السلام به صورت کامل بیان شده است.

مؤلف در این اثر تلاش کرده هر نامه‌ای که از ائمه علیهم السلام در منابع مختلف تاریخی و حدیثی وجود دارد، جمع‌آوری کند و منابع را به تفصیل در پاورقی بیاورد. وی سلسله اسناد را آن‌گونه که در منابع وجود داشته، بیان کرده است. از امتیازات کتاب، نقل روایات مختلف، شرح حال اعلام مهم و اظهار نظرهای مؤلف است؛ هر چند به نظر می‌رسد بررسی‌ها و اظهار نظرهای وی، به اندازه کتاب مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله نیست.

روش تاریخ‌پژوهی

روش تاریخ‌پژوهی به عنوان یک ابزار در پژوهش تاریخی به شدت مورد نیاز است. صرف جمع‌آوری اطلاعات از چند منبع تاریخی و تبدیل آنها به متن پژوهش، پژوهش تاریخی محسوب نمی‌شود، بلکه در هر پژوهش، به یک روش نیاز داریم که با آن روش، اطلاعات را تحلیل و سپس پیروانیم تا بتوانیم یک ادعای تاریخی را مطرح کنیم. (پاکتچی، ۱۳۹۵، ص ۲۴)

احمدی میانجی با توجه به علاقه و محبتی که به اهل بیت علیهم السلام داشته، به بررسی و جمع‌آوری نامه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام اقدام نمود. در این میان، مکاتیب الاثمه و مکاتیب الرسول، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. بر اساس یافته‌ها و فهرست کتاب مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و مکاتیب الاثمه علیهم السلام، می‌توان گفت که نگارش کتب بر اساس محتوای نامه‌ها و موضوع محور است. این مسئله، با سبک نگارش سال شمار تلفیق شده است که این موضوع، در عناوین نامه‌ها به وضوح دیده می‌شود. اتخاذ این شیوه، مرهون آشنایی عمیق نویسنده با منابع مختلف تاریخی و تفسیری اعم از منابع شیعه و سنی است.

مسئله‌شناسی

با توجه به سیر زندگی و فراز و نشیب‌هایی که میانجی به عنوان یک عالم دینی شیعه گذرانده، به نظر می‌رسد که دغدغه‌های علمی و فرهنگی جوانان، مشغله فکری ایشان بوده و همین امر، باعث روی آوردن وی به مباحث تفسیری و دینی شده است و در این موضوعات به آثاری فقهی که به موضوعات روز جامعه نیز پرداخته شده روی آورد. از جمله تشکیل جلسات فقه، تفسیر، اخلاق و دروس حوزه. در این میان، فعالیت‌های اجتماعی ایشان، شاهد این مدعا است. احمدی میانجی در تألیفات خود، ضمن توجه به چالش‌ها و نیازهای جامعه اسلامی، آن را روزه‌ای برای بیان این نیازها و چالش‌ها دانسته و همواره بر آن بوده است تا آثار خود را به سوی این نیازها رهنمون سازد.

پیشینه‌شناسی

نویسنده در مقدمه کتاب مکاتیب الرسول می‌نویسد: در جمع‌آوری نامه‌ها، با مشکلات و سختی در یافتن مصادر آنها مواجهه شدم، ولی کتاب یا رساله‌ای نیافتم که این نامه‌ها را جمع‌آوری کرده باشد. (همان، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۱)

منابع و مآخذ

مؤلف در کتاب مکاتیب الرسول، از منابع فراوانی بهره برده و پس از نقل کامل هر نامه و مکتوب، مآخذ آن را به تفصیل ذکر می‌کند. این مآخذ، شامل کتب تاریخ و سیره، حدیث و... و اعم از منابع دست اول و مطالعات جدید است. مؤلف، تنها به جمع روایات اکتفا نکرده و ضمن نقد و بررسی اقوال، آنها را مورد تحلیل عالمانه قرار داده است. علت حجیم شدن کتاب هم ذکر تفصیلی منابع و همچنین بررسی اقوال است.

در میان آثار میانجی، دانش تاریخ از جایگاه والایی برخوردار است و این مطلب در آثار تاریخی او مشهود است. تلاش‌های محقق برای گردآوری مطالب در تدوین مکاتیب الرسول و مکاتیب الائمه، قابل ستایش بوده و در نوع خود، کاری بس دشوار و ارزشمند تلقی می‌شود. همان‌طور که بیان شد، احمدی میانجی، در پرداختن به تدوین این نامه‌ها، مبنای خاصی را مد نظر قرار داده و تلاش داشته تا از آنها عدول نکنند از جمله:

۶.۱. ذکر منابع و اسانید

احمدی میانجی در مقدمه کتاب مکاتیب الرسول ﷺ، به طرق، منابع و مآخذ کتاب اشاره کرده و صحت اسنادش را به طرق عامه و خاصه منسوب می‌کند: «...فجمعت المكتوبات النبوية التي عثرت عليها في كتب الحديث والتفسير والتاريخ والأدب و...». (همان، ج ۱، ص ۵)

میانجی در مکاتیب الائمه، به ضبط دقیق نامه‌ها و گردآوری و ذکر اسناد آنها توجه ویژه‌ای داشته است. وی در گردآوری این کتاب، از منابع مورد اعتماد و معتبر بهره جسته و با بهره‌گیری از آنها و نیز آثاری که در آنها، مکاتبات ائمه علیهم‌السلام را گردآورده، تلاش کرده بر اتقان و ارزش اثر بیافزاید.

نویسنده خود یادآوری می‌کند برای هر نامه‌ای که از ائمه علیهم‌السلام در «معادن الحکمه فی مکاتیب الائمه» آمده، سعی در یافتن مدرک آن از منابع دیگر بوده که سپس به عنوان «مستدرکات الحکمه» نام گرفت. وی در راستای جمع‌آوری و تدوین دقیق نامه‌ها، نام مکاتیب ائمه را برگزید. وی سپس توضیح می‌دهد که چگونه توانسته با همکاری دوستان، با دقت نظر علمی و پشتکار و زحمت فراوان، این کتب را به چاپ برساند. (همان، ۱۳۷۹، ص ۶۷)

۶.۲. رعایت سیر منطقی مباحث

میانجی با توجه به مطالب تاریخی این دو کتاب، در تدوین نامه‌ها از پیامبر ﷺ تا امامان معصوم علیهم‌السلام، ترتیب زمانی را رعایت کرده است. پرداختن به نامه‌های ائمه علیهم‌السلام نیز بر اساس دوره‌های امامت آنها بوده است. این نظم، در هنگام تفصیل مباحث دیده می‌شود و تقدم و تأخر مباحث تاریخی نیز رعایت شده است. به عنوان نمونه، در مکاتیب الائمه، بحث از امام علی علیه‌السلام و نامه‌هایی که قبل از خلافت و بعد از آن، در دوران حکومت، جنگ صفین، نهروان و شهادت نگاشته شده، بر اساس ترتیب زمانی، چینش شده است. همچنین در تقسیم‌بندی مباحث، نامه‌های دوازده امام را به ترتیب ذکر کرده است؛ مانند: آخرین جلد مکاتیب الائمه که به نامه‌های امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه اختصاص دارد.

۳.۶. بیان و تحلیل اطلاعات تاریخی

میانجی در برخی از موارد، به هنگام بیان و تحلیل نامه‌ها، اطلاعات تاریخی خوبی به خواننده ارائه می‌دهد. به عنوان نمونه، بعد از آوردن مباحث روایی در ذیل فصل اول کتاب مکاتیب الرسول ﷺ «فی افتتاحه کتبه بالبسملة» به تحلیل روایت می‌پردازد و نظر خود مبنی بر اینکه لفظ «باسمک اللهم» تنها از حلبی صادر شده را بیان کرده و اینکه در مطالعه متون سیره، چنین مطلبی یافت نشده است: «لم أجد -إلى الآن- الكتب الأربعة التي ذكر الحلبی أن رسول الله ﷺ كتب فيها باسمک اللهم، فإنه أحالها هنا علی ما تقدم من السيرة، ونحن تصفحنا السيرة ولم نجد فيها إلا ما ذكره هنا مجملا،...» (همان، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۶۶). این رویکرد مؤلف، نشانگر دقت او در بررسی‌های جریان‌های تاریخی است که در مباحث نامه‌ها به آن می‌پردازد.

۴.۶. فهرست‌بندی و بخش‌بندی مناسب

احمدی میانجی در پایان هر سه مجلد کتاب مکاتیب الرسول، فهرستی از عناوین نامه‌ها را آورده است. وی همچنین در مقدمه، ساختار کتاب را به دو قسم بیان کرده است: بخش اول، نامه‌هایی که در علوم مختلف بوده و پیامبر ﷺ، آنها را به امام علی علیه السلام فرموده است. بخش دوم، نامه‌هایی که پیامبر ﷺ برای دعوت حکام مختلف به دین اسلام، در مراحل گوناگون فرستاده بودند و نویسنده توانسته به ۲۹۹ مورد از متن نامه‌ها دسترسی پیدا کند. (همان، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۷)

احمدی میانجی، ضمن ذکر اسامی ۲۶۳ نفر از افرادی که بیشترین مکاتبه را با پیامبر ﷺ داشته‌اند، هدف از این کار را بیان مصادر و سند‌های آنها دانسته است (همان، ص ۹-۵۰). وی این روش را در مکاتیب الاثمه نیز مراعات کرده و در پایان هر مجلد، فهرستی از مباحث کتاب آورده است. احمدی میانجی، هر جلد از مباحث مکاتیب الاثمه را به یک امام اختصاص داده و نام ۱۲ امام را به ترتیب آورده است. به نظر می‌رسد نویسنده با آوردن فهرست و بخش‌بندی مناسب، به محتوای کتاب، نظم و ترتیب داده و مخاطب را در رسیدن به فهم مطلب، رهنمون شده است.

۵. ۶. بهره‌گیری از قرآن

بررسی و ارزیابی مطالب کتب احمدی میانجی، گویای این مهم است که وی با توجه به رویکرد دینی آثار، در تحلیل مباحث و محتوای نامه‌ها، از قرآن استفاده می‌کند. چنین پیوندی، نشان‌دهنده جهت‌گیری دینی و اصول بنیادین وی است که در آثارش نمود دارد.

به عنوان نمونه، همه نامه‌های پیامبر با «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع شده است؛ زیرا خدای متعال، پیامبر خود را این‌گونه تعلیم داد و در قرآن فرموده: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ»^۱. خود پیامبر هم تأکید داشت و می‌فرمود: «هرکاری بدون نام خدا آغاز شود، به آخر نمی‌رسد و ناقص خواهد بود؛ قال سبحانه و تعالی فی أول ما أنزله علیه: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ»^۲ و قال ﷺ: «كل أمر ذي بال لا يبدأ فيه بسم الله الرحمن الرحيم فهو أبترا» و فی نسخة: أقطع بدل أبترا^۳ (همان، ص ۵۵)

در نمونه‌ای دیگر، اینکه آیا پیامبر ﷺ خودش می‌نوشت؟ بحثی را مطرح کرده و در مقام بیان دو استناد برای کسانی که قائل هستند پیامبر ﷺ نمی‌نوشت، استناد اول قوله تعالی: «وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُونَ مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ»^۴ (همان، ص ۸۸) و بعد از تحلیل مطلب، استناد دوم را می‌آورد، قوله تعالی: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ»^۵ (همان، ص ۹۰)

نویسنده، برای تحلیل گزارش‌های تاریخی، به قرآن استناد کرده است که این روش، یکی از نقاط قوت آثار او به شمار می‌آید و مطالب وی را از هرگونه نقص و عیب، مبرا می‌دارد.

۱. علق: ۱.

۲. وضح البرهان فی مشکلات القرآن، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۹۱؛ التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۷۵؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر بیضاوی)، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۵ و روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۳.

۳. عنکبوت: ۴۸، كما قال سبحانه في سورة يونس: ۱۶: «قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُمْ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ».

۴. اعراف: ۱۵۷.

۶.۶. استناد به روایات شیعه و اهل سنت

یکی دیگر از مزایای آثار احمدی میانجی اینکه وی افزون بر استناد به آیات قرآن، به تناسب، از روایات شیعه و اهل سنت بهره برده است که این مسئله، به قوت نقل‌های او کمک می‌کند؛ از جمله درباره روایات نقل شده در بحث کاتب بودن امام علی علیه السلام می‌نویسد: «أمیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیه، فإنه کان یکتب الوحي من بدء نزوله، وهو الذي كتب القرآن كله بإملاء رسول الله صلى الله عليه وسلم و خطه بيده الشريفة. و ذکر ابن‌الندیم في ذکر الجماع للقرآن على عهد النبي صلى الله عليه وسلم علي بن أبي طالب عليه السلام (همان، ص ۱۲۳). وی این مطلب را مستند به سخن ابن‌ندیم می‌نماید، وی همچنین به مصادر شیعی مانند: تفسیر قمی، بحار الانوار، و وافی و نیز از منابع اهل سنت مانند: استیعاب، اسد الغابه... استناد نموده است. این‌گونه استناد کردن حاکی از احاطه علمی ایشان به منابع و مصادر شیعه و اهل سنت است.

۶.۷. فصاحت و صراحت در بیان

با مطالعه آثار تاریخی احمدی میانجی، روشن می‌شود که توانایی و آگاهی وی، با فصاحت در بیان او، درهم آمیخته شده است که این ویژگی، مخاطب را در فهم درست مطلب رهنمون می‌سازد. به عنوان نمونه، می‌گوید: «و لو صح ما قيل أما كان في وسع سهيل بن عمرو في غزوة الحديبية حين أنكر كتابة بسم الله الرحمن الرحيم أن يقول: أكتب باسمك اللهم كما كتبت من ذي قبل، مع أن سهيلاً قال: أكتب كما يكتب أباًؤك: باسمك اللهم» (همان، ص ۶۶). همه نامه‌های پیامبر صلى الله عليه وسلم، با بسم الله الرحمن الرحيم آغاز شده است؛ زیرا خداوند، پیامبر صلى الله عليه وسلم خود را در قرآن این‌گونه تعلیم نموده است: «أقرأ باسم ربك». در زمان جاهلیت و قبل از اسلام، از لفظ «باسمك اللهم»، که روش اجدادشان بوده، استفاده می‌کردند و در جریان صلح حدیبیه (در سال ششم هجری)، پیامبر صلى الله عليه وسلم برای مصالح اسلام، به سهیل بن عمر (نماینده قریش)، اجازه داد از عبارت «باسمك اللهم» استفاده کند. نویسنده با بیان این واقعه تاریخی، با صراحت از «لوصح» استفاده می‌کند و بیانگر تردید نویسنده است. به نظر می‌رسد دو کتاب مکاتیب الرسول و مکاتیب الائمة، یکی از شاهکارهای امروزی و اثر جاودانه احمدی

میانجی به شمار می‌رود که وی آنها را با بهره‌گیری از منابع معتبر تألیف نموده و با نقل مصادر مختلف و ذکر نام آنها، کار باارزشی انجام داده است. این کتاب، منبعی معتبر برای دانشمندان و محققان علوم دینی محسوب می‌گردد.

۸.۶. روش

روشی که نویسنده کتاب مکاتیب الرسول ﷺ پیش رو داشته، به صورت تحقیقی و تحلیلی است که در نامه‌ها و نوشته‌های منسوب به پیامبر ﷺ دیده می‌شود. همچنین روشی که در مکاتیب الاثمه دیده می‌شود، با رویکرد توصیفی و اهتمام به سند راویان بوده است. با ارزیابی داده‌ها و اطلاعات این نامه‌ها، می‌توان به سبکی نسبتاً واحد و یکسان در آنها دست یافت.

۹.۶. نوآوری‌ها

شکوفایی، نوآوری و پویایی، از ویژگی‌های منحصر به فرد احمدی میانجی است که با خصوصیات اخلاقی و هدف الهی او، درهم آمیخته و استواری خاصی به آثار تاریخی وی داده است و در هر زمان، به تناسب نیاز جامعه، تحقیق و تألیفی را عرضه داشته است.

نتیجه‌گیری

احمدی میانجی، عالمی وارسته و مزین به اخلاق دینی و محقق زبردست و قابل اعتماد بود و با تبخّری عالمانه، روش کار و منابع و مصادر خود را شرح می‌دهد. برخی از اقدامات احمدی میانجی مانند: زنده نگه داشتن یاد و نام اهل بیت ﷺ در قالب منبر و سخنرانی برای مردم، به ویژه جوانان، راه اندازی و گسترش جلسات مباحث دینی و تفسیری به عنوان یک نهاد آموزش دینی، تأمین مخارج و هزینه‌های خانواده‌های نیازمند، تدوین کتب ارزشمند دینی و فقهی و تاریخی و... می‌باشد. مشهورترین آثار به جای مانده از احمدی میانجی، کتاب‌های مکاتیب الرسول ﷺ و مکاتیب الاثمه ﷺ است که به دلیل به تصویر کشیدن نامه‌ها و نوشته‌های پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ، مکاتیب نامیده شده است و بدان سبب که محتوای نامه‌ها، اخبار و

حوادث را بیان کرده، کتاب تاریخی انگاشته شده است.
بر اساس یافته‌ها می‌توان گفت: میانجی در هر بحثی، نقد و بررسی و مطالعه مدارک
و اسناد و تفکیک و دسته‌بندی منابع داشته و برای فهم و درک تاریخ مانند: آگاهی از
مجلات و روزنامه‌ها، و دانش‌های علوم اسلامی مانند: علم تفسیر قرآن، علم حدیث، علم
تاریخ، فقه و ادبیات اسلامی در محتوای کتاب به وضوح دیده می‌شود.

تاریخ نامه
جامع

سال اول
شماره اول
۱۴۰۰

فهرست منابع

قرآن

۱. احمدی میانجی، علی، ۱۳۸۱ ش، اطلاعات و تحقیقات در اسلام، تهران: نشر دادگستر.
۲. _____، ۱۴۲۶ ق، مکاتیب الأئمة عليهم السلام، قم: دار الحديث.
۳. _____، ۱۳۷۹ ش، خاطرات آیت الله علی احمدی میانجی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. _____، ۱۴۱۹ ق، مکاتیب الرسول صلى الله عليه وآله، قم: دار الحديث.
۵. _____، ۱۴۲۲ ق، التبرک، تهران: نشر مشعر.
۶. _____، بی تا، السجود علی الارض، قم: موسسه در راه حق.
۷. _____، ۱۳۶۹ ش، الاسیر فی الاسلام، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۸. _____، ۱۳۸۸ ش، حقوق مخاصمات مسلحانه در اسلام (الأسیر فی الاسلام)، ترجمه: محمد احمدی میانجی، تهران: دادگستر.
۹. آلوسی، محمود بن عبدالله، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، گردآورنده: شمس الدین سناء بزیع و شمس الدین ابراهیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بی جا: دار الکتب العلمیه.
۱۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر بیضاوی)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. پاکتچی، احمد، ۱۳۹۵ ش، روش شناسی تاریخ، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۲. فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. قائم مقامی، جهانگیر، ۱۳۸۵ ش، روش تحقیق در تاریخ نگاری، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
۱۴. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، ۱۴۱۰ ق، وضوح البرهان مشکلات القرآن، بیروت: دار القلم.

تاریخ نامہ جلد

سال اول
شماره اول
۱۴۰۰



اصول و معیارهای اخلاقی در مکتب اهل بیت علیهم السلام

زهرا زارعی^۱

چکیده

علوم و معارف دینی، به سه حوزه معرفتی: اعتقادات، اخلاقیات و احکام تقسیم می‌شود. در این میان، شناخت و آگاهی نسبت به اخلاقیات و تلاش برای تزئین به نیکی‌ها و دوری از سیئات اخلاقی، لازم و ضروری است. این نوشتار بر آن است ضمن معرفی اصول و معیارهای اخلاقی در مکتب اهل بیت علیهم السلام، آن اصول را مشخص ساخته تا بتوان به وسیله آنها، سیره اهل بیت علیهم السلام را الگو و سرمشق قرار داد و زندگی را بر اساس آنها پایه‌گذاری کرد؛ چرا که اخلاق، عمده‌ترین و اصلی‌ترین اهداف مکتب اسلام است. بدون اخلاق، زندگی فردی و اجتماعی با مشکلات متعددی روبرو می‌شود و فرد، برای آخرت نیز توشه‌ای نخواهد داشت. لذا نگارنده درصدد است این اصول اولیه، که تمام اخلاق اسلامی بر اساس آنها پایه‌گذاری شده است را مشخص و تبیین کند. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که اصول و معیارهای اخلاقی، بر اساس موازینی پایه‌ریزی شده که اگر آن موازین رعایت نشود، اخلاق اسلامی شکل نمی‌گیرد. روش مقاله، به شیوه توصیفی - تحلیلی بوده و ضمن گردآوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای، از منابع روایی و اخلاقی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: اصول، معیار، اخلاق، اهل بیت علیهم السلام، مکتب اهل بیت علیهم السلام.

۱. سطح چهار رشته تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، جامعه الزهرا اهل بیت علیهم السلام، قم.

انسان، موجودی هدفمند و برای نیل به این هدف درونی‌اش نیازمند حرکت است و حرکت نیز بدون شناخت و انگیزه، ممکن نخواهد بود. لذا برای رسیدن به حرکتی هدفمند، شناخت و آگاهی کافی از مسائل اخلاقی، ضرورت دارد. اصول، هدف‌ها و روش‌های به‌کاربرده‌شده در قرآن و مکتب ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} در مورد اخلاق اسلامی، بی‌شک با سعادت دنیوی و اخروی همراه می‌باشند و در هر زمانه می‌توان از آنها بهره‌مند شد.

اخلاق و تربیت انسان، یکی از عمده‌ترین و اصلی‌ترین اهداف مکتب اسلام است. در این مکتب، تربیت شده با میل و اختیار خود، از رهنمودهای مربی خویش، که مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است، تبعیت می‌کند و مسیری را می‌پیماید که مورد رضای الهی باشد. در سیره پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} و اهل بیت^{علیهم‌السلام}، تربیت اخلاقی به معنای مجموعه اقداماتی است که به منظور آموزش اصول و پرورش فضیلت‌های اخلاقی و فاصله‌گرفتن از رذیلت صورت می‌گیرد؛ از این رو این اقدامات، عمدتاً ماهیتی توحیدی داشته و در سامان دادن به رابطه انسان با خداوند متعال مؤثر است؛ چرا که وقتی رابطه انسان با خداوند اصلاح شود، زندگی دنیوی و اخروی انسان نیز اصلاح خواهد شد. بررسی سیره پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} و اهل بیت^{علیهم‌السلام} نشان می‌دهد که نه تنها آنان به فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی توجه کرده‌اند، بلکه پیروان خود را به فضایل، دعوت و از رذایل، باز می‌داشته‌اند. پیامبر اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۸۰). بر پایه این روایت می‌توان گفت نه تنها هدف دین، تهذیب اخلاق است، بلکه اخلاق، معادل دین است و دین، چیزی جز اخلاق نیست.

اصول و معیارهای اخلاقی را باید با سیره معصومین شناخت. زیرا معصومین^{علیهم‌السلام} تجسم ارزش‌های اخلاقی بوده‌اند و نمی‌توان بدون توجه و عمل به سیره معصومین^{علیهم‌السلام}، به ارزش‌های اخلاقی رسید. لذا در اینجا، به هفت اصل از ارکان و پایه‌های اخلاق اسلامی اشاره می‌شود که تمام اخلاق اسلامی، از این هفت اصل سرچشمه می‌گیرد. درباره سیره اخلاقی معصومین^{علیهم‌السلام} کتاب‌های فراوانی نوشته شده است؛ با این حال، بیشتر این کتاب‌ها، به موارد جزئی از اخلاق اسلامی پرداخته‌اند و لازم بود اصول اخلاقی، به صورت معیار کلی معرفی شوند.

از جمله این آثار، کتاب «بیست و پنج اصل از اصول اخلاقی» نوشته محمدتقی عبدوس و محمد محمدی اشتهاردی است که تمام ۲۵ اصل معرفی شده در کتاب، به این چند اصل پایه برمی‌گردد. کتاب «اصول ثابت سیره معصومین (علیهم‌السلام)» از محمدحسن ربانی، بیست اصل از اصول و قواعد ثابت سیره معصومان (علیهم‌السلام) را بیان می‌کند که دو اصل از آن یعنی اصل توجه به خدا و بی‌اعتنایی به دنیا (زه‌دورزی) در مقاله حاضر، ذکر شده است. کتاب «سیره اخلاقی معصومین (علیهم‌السلام)» به قلم علی اصغر الهامی نیا نیز شامل دو بخش اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی است که مطالب آن، از اصول پایه نیست و فقط یک مورد آن، یعنی زهد، با این مقاله، شبیه به هم است. بنابراین، اگر این هفت اصل رعایت شود، در واقع تمام موازین اخلاقی مورد عنایت قرار گرفته است.

مفهوم‌شناسی

۱.۱. اخلاق

اخلاق جمع «خُلُق» و «خُلُق» می‌باشد. خُلُق به معنی قوا، سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود. به گفته راغب، این دو واژه، در اصل به یک ریشه بازمی‌گردد که همان سرشت و سجایه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۹۷). در اصطلاح، اخلاق، مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است. همچنین، اخلاق، اعمال و رفتاری است که از خلیقات درونی انسان ناشی می‌شود که اولی، اخلاق صفاتی است و دومی، اخلاق رفتاری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۴). پس اخلاق، شامل بینش‌ها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، روش‌ها، کنش‌ها و گویش‌هایی است که یک مجموعه بسامان اخلاقی را شکل می‌دهد.

۱.۲. اصول

اصول جمع اصل، به معنای بیخ و بن، ریشه و اساس است (حسینی دشتی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۸۴۶). به این معنا که برای بحث درباره هر چیزی باید به ریشه و اساس واقعی آن توجه شود. در اینجا «اصل» در مقابل فرع قرار دارد. پس اصول، قاعده عامه‌ای به منزله دستورالعمل کلی است. اصول در سیره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت (علیهم‌السلام) به مثابه ابزار کار مربیان است که مربی با استفاده از آن می‌تواند به موقع و در عین

حال با روشن بینی کافی، تصمیم بگیرد. پس اصول، مبنای استخراج روش های تربیتی است.

اصل، دارای ماهیتی هنجاری بوده و ناظر به باید هاست. از این جهت، با مبنا که خود منشأ اشتقاق اصل است و ماهیتی کاملاً توصیفی داشته و ناظر به هست هاست، متفاوت است. اصل، سلسله قواعد و معیارهای کلی (بایدها) است که متناسب با ظرفیت های انسان، انتخاب و به منظور تعیین روش های تربیتی برای دستیابی به اهداف، مورد توجه قرار می گیرند. اصول، قواعد کلی مستخرج از مبانی است. به عبارت دیگر، اصول، مجموعه قواعدی است که با نظر به این قانونمندی ها (مبانی)، اعتبار می شود و راهنمای عمل، قرار می گیرد. اصل، معیار و قاعده کلی است که با در دست داشتن آن می توان در رویارویی با وضعیت پیچیده تر و تازه تر، با نظر به اقتضای معیار، به ابداع روش های تربیتی مناسب اقدام کرد. اصول، بر مبانی تکیه دارد. (باقری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۸۴)

اصول و پایه های اخلاق اسلامی

اصول و قواعد کلی برای اخلاق اسلامی بیان شده است که همین اصول کلی، سبب امتیاز و تشخیص مکاتب و جدایی آنها از یکدیگر می شود. آنچه بر آن اتفاق نظر دارند، هدف و روش های متناسب با آن است. رسیدن به مقام عبودیت و بندگی، تقوای الهی، ایمان و عمل صالح، آخرت اندیشی و پرهیز از دنیا طلبی، از جمله اهداف تربیت و اخلاق اسلامی است. بر همین اساس، مهم ترین اصولی که در این زمینه می توان از متون دینی و مکتب اهل بیت علیهم السلام استخراج کرد عبارتند از:

۲.۱. اصل خدامحوری

یکی از مهم ترین اصول و معیارهای اخلاق، اصل خدامحوری است. این اصل، جوهره اساسی رفتار یک فرد دین دار را تشکیل می دهد. مفهوم خدامحوری، عبارت است از: «انجام یا قصد انجام کلیه اعمال و رفتار انسان بر اساس ملاک و معیارهایی که خداوند برای آنها تعیین کرده است، به منظور کسب رضایت الهی» (مشایخی، ۱۳۸۱، ص ۵۰). پس به عنوان اولین اصل از اصول و معیارهای اخلاقی مکتب اهل بیت علیهم السلام می توان به اصل خدامحوری اشاره کرد که تمام اصول اخلاق اسلامی، بر محور این

اصل می‌چرخند و اساسی‌ترین مسئله در آموزه‌های دینی و اخلاقی به شمار می‌رود. مهم‌ترین و نخستین اصل در زندگی ائمه معصومین علیهم‌السلام اصل خدامحوری است و بشر برای به‌کار بستن این اصل، ابتدا باید حدود الهی را به خوبی شناخته و مطابق با آن قدم بردارد.

خدامحوری یعنی رعایت حدود و مرزهای الهی. به عبارتی دیگر، اهل بیت علیهم‌السلام خدا را به عنوان زیربنا، مبنا و محور تمام تصمیم‌گیری‌ها، اعمال و گفتار خود قرار داده بودند. ائمه علیهم‌السلام هر چیزی که با حدود، قوانین یا مرزهای الهی منافات داشت، نمی‌پذیرفتند و در این زمینه، هیچ‌گونه سازش یا نرمشی نشان نمی‌دادند. هنگامی که عده‌ای به پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیشنهاد دادند که ما حاضریم خدا را بپرستیم به شرط آنکه شما هم مدتی بت‌های ما را به رسمیت بشناسید، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: پناه بر خدا که من چیزی را همتای او قرار دهم! گفتند: لاقبل بعضی از خدایان ما را لمس کن و از آنها تبرک بجوی. سپس ما تصدیق تو می‌کنیم و خدای تو را می‌پرستیم! حضرت فرمود: من منتظر فرمان پروردگار هستم. همان زمان بود که آیه‌های سوره کافرون نازل شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۳۸۳)

اصول و مبانی حاکم بر سیره اهل بیت علیهم‌السلام، همواره واحد بوده و سیره ایشان نشانگر آن است که همه چیز باید حول محور خدا باشد؛ باید در زندگی، خدامحوری را جایگزین انسان‌محوری کرد و هر آنچه منافی آن است، اصلاح نمود. خدامحوری یعنی: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و در کنار خدا هیچ‌کسی را قرار ندادن. قرآن درباره خدامحوری می‌فرماید: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (حدید: ۳) و این بدین معناست که در هیچ زمان، مکان و یا مقامی، بزرگی و مالک بودن خدا را فراموش نکنیم.

لازمه خدامحوری، طهارت ظاهری و باطنی است. طهارت باطن، احتیاج به سعی و تلاش زیادی دارد؛ لذا باید مراقب قلب بود تا به گناه آلوده نشود. انسان خدامحور، در خلوت و جلوت، خدا را بندگی می‌کند و یاد پروردگار را محدود به سختی‌ها و گرفتاری‌ها نمی‌کند. خدامحوری، اصلی است که در تمام شئون و دوران زندگی لازم است حضوری پررنگ داشته باشد. هر مقدار این حضور، پررنگ‌تر باشد کارهای انسان بیشتر رنگ و بوی الهی به خود گرفته و ارزشمندتر می‌شود. از ویژگی‌های مکتب خدامحور، تبیین‌پذیری و مستدل بودن است. دلیل این مدعا این است که در دل این مکتب، علم کلام و الهیات

رشد کرده است که گرایش استدلالی و عقلی آن را نشان می دهد. از طرفی دیگر، تعالیم این مکتب، با هم سازگارند.

توجه به رضایتمندی الهی، رکن اساسی خدامحوری است. در مسیرهای پریپیچ و خم زندگی، تنها راه صحیحی است که انسان می تواند با پیمودنش، امید سعادت‌مندی داشته باشد. خداوند در قرآن می فرماید: «قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأُمِّرْنَا لِئَلْسَمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ «بگو در حقیقت، تنها هدایت خداست که هدایت واقعی است و دستور یافته ایم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم» (انعام: ۷۱). بنابراین، گزینش برنامه های تربیتی باید به نحوی صورت پذیرد که انگیزه رضایت خداوند در انسان، روز به روز فزونی یابد تا جایی که وی بدون کسب رضایت الهی به هیچ عملی اقدام نکند.

مصادیق نمایانگر توجه به اصل خدامحوری، گوناگون و متنوع است؛ از جمله، آیاتی که در آن از زبان پیامبر ﷺ چنین می فرماید: «من امر شده ام» یا «من نهی شده ام» و یا الفاظی شبیه به آن که نشان دهنده این است که فعالیت انجام گرفته و یا فعل انجام نگرفته به خاطر رعایت دستور الهی بوده است. تطابق فعل و ترک بر اساس امر و نهی الهی، می تواند بهترین راه شناخت وجود رنگ و بوی اصل خدامحوری در زندگی معصومین علیهم السلام باشد: «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ...» (انعام: ۱۴). شرک، ریا و تکبر، از موانع گسترش خدامحوری است که آیات و روایات زیادی، آنها را مذمت کرده اند.

پیش از هر چیز لازم است مرزهای اعتقادی را شناخته و پس از آن، راه محافظت از این مرزها را بیابیم. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در یک دسته بندی، درباره تشریحات خداوند می فرماید: خداوند اموری را بر شما واجب ساخته، پس آنها را تباہ مسازید و مرزهایی برایتان معین کرده، پس از آنها تجاوز نکنید و از چیزهایی نهی فرموده است، پس حرمت آنها را نشکنید. درباره چیزهایی نیز سکوت کرده است، آنها را البته از روی فراموشی وانهاده، پس درباره آنها خود را به زحمت نیفکنید. (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۵)

بنابراین، واجبات خدا را که انجام دادن آنها برای ما فرض و بایسته است، باید عمل کنیم و نسبت به آنها مقید باشیم؛ اعمالی همچون نماز، روزه، حج و جهاد. خداوند در قرآن کریم از سبک شمردن نماز شکوه می کند: «تَخَلَّفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ»؛ (سوره مریم، آیه ۵۹) آن گاه پس از آنان، جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباہ

ساخته و از هوس‌ها پیروی کردند» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۲). زهری می‌گوید: با حضرت زین العابدین علیه السلام، نزد عبدالملک بن مروان، خلیفه اموی رفتم. اثر سجده‌ای که در پیشانی علی بن الحسین دید، بسیار بزرگ شمرد و عرض کرد: واقعاً در راه عبادت خدا کوشش می‌کنی. خداوند به تو عنایت فراوان دارد. پاره تن پیغمبری. قرابت نزدیک و نسبت زیاد تو، مقامی ارجمند بین خانواده خود و اهل زمان داری. دارای علم و فضل و دین و ورعی هستی که احدی پیش از تو و بعد از تو دارای این مقام نبوده‌اند جز اجداد طاهرینت. و شروع کرد به تعریف و ستایش آن مولا.

علی بن الحسین فرمود: آنچه ذکر کردی، از لطف خدا و تایید و توفیقش کجا می‌توان شکر و سپاس نعمت او را نمود. آن قدر پیامبر در نماز ایستاد تا قدم هایش ورم کرد. چنان در روزه‌داری تشنه می‌شد که آب دهانش خشک می‌گردید. گفتند: یا رسول الله مگر خداوند وعده مغفرت به تو نداده است؟ می‌فرمود: بنده شکرگزار خدا نباشم؟ خدای را سپاس بر نعمت و آزمایشش و او را ستایش از ابتدا تا انتهای روزگار. به خدا سوگند اگر اعضايم قطع شوند و چشمانم بر روی سینه‌ام بیفتند، هنوز سپاس یک‌دهم از یک نعمت از نعمت‌های بی‌شمارش را نکرده‌ام. ستایش تمام ستایشگران به پایه یک نعمت او نمی‌رسد. به خدا سوگند از کوشش در شکرگزاری فروگذار نخواهم بود تا او ببیند که پیوسته در ستایش اویم در شب و روز و آشکارا و پنهان. اگر خانواده‌ام و مردم بر من حقوقی نداشتند، که به ناچار باید آن حقوق را مراعات نمود، پیوسته چشم به آسمان می‌دوختم و دل در گرو او می‌نهادم تا جان در بدن دارم. در این هنگام، اشک از دیدگان فرو ریخت و عبدالملک نیز گریه کرد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶، ص ۴۴)

بنابراین، اخلاق اسلامی یعنی اینکه تمام اعمال، رفتار و صفات، باید الهی باشد. عُجب، غرور، تکبر، منیت، نفاق، دورویی، خودبینی، خودخواهی، خودپسندی و خودمحوری نباشد. کسی که از منیت خارج شود، از خودبینی خارج شود و به ولایت وصل شود و به خداوند وصل شود، این اخلاقش اسلامی است. چون اعمال و رفتارش برگرفته از مکتب است. اما کسی که اخلاق، رفتار و صفاتش، از مکتب سرچشمه نگرفته و جِبَله وجود خودش است. تبلیغات است. دیگران گفتند: سخاوت خوب است، این هم سخاوت دارد. یا اصلاً خودش سخی متولد شده است و بذل و بخشش دارد. لذا

بسیاری از اعمال و رفتاری که ما در جامعه داریم انجام می‌دهیم. هیچ کدام بحث عبودیت در آن نیست.

۲.۲. اصل تقوای الهی (تقوا محوری)

دومین اصل و معیار اخلاقی در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، اصل تقوای الهی است. به درستی که در پیکره اخلاق اسلامی، واژه‌ای به جامعیت تقوا نداریم. تقوا در لغت به معنای حفظ و نگاه داشتن از ضرر، پوشاندن از خطر و آسیب، معنا شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۴۰۲) و در اصطلاح، به معنای ورع و پرهیز از حرام خدا و اجتناب از ارتکاب امور نهی شده‌ای است که آدمی را به عذاب خداوند می‌کشاند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۲۱). در اصطلاح متشرعان، تقوا بازداشتن نفس است از آنچه موجب گناه می‌باشد و این جز با ترک مناهی و حتی برخی از اعمال مباح صورت نمی‌پذیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۳۱). مولای متقیان حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: تقوا رئیس اخلاق است (هاشمی خویی، بی تا، ج ۲۱، ص ۴۸۹). رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در وصیت به ابوذر فرمود: بر تو باد به تقوای الهی که رأس همه امور است. (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۲۵)

بنابراین، تقوا یعنی ورع و پرهیز از حرام‌های خدا و اجتناب از ارتکاب معاصی است که در پی عمل به دستورات خدا و عبادت و بندگی او ایجاد می‌شود و امری مشکک و ذومراتب است. تقوا، سرآمد فضائل اخلاقی، سفارش خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام، بالاترین کرامت، بهترین پوشش، محکم‌ترین عزت، والاترین فضیلت و بهترین توشه برای آخرت به شمار می‌آید.

در موضوع تقوا و اهمیت آن، سخنان فراوانی از ائمه معصومین علیهم‌السلام به یادگار مانده است. مولای متقیان حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «ای بندگان خدا! شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم، که عامل کنترل و مایه استواری شماست. پس به رشته‌های تقوا چنگ زنید و به حقیقت‌های آن پناه آورید تا شما را به سرمنزل آرامش و جایگاه وسیع و پناهگاه‌های محکم و منزلگاه‌های پرعزت برساند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۵)

حضرت در جای دیگر، تقوا را عمل به اعضاء و جوارح دانسته و فرمودند: اسلام،

اقرار به زبان و ایمان، سرّ نهانی دل و قلب است و پرهیزکاری، عمل به اعضاء و جوارح است. چگونه مسلمانی هستی که مردم از تو در سلامت نیستند و چطور مومنی هستی که مردم از تو در امان نیستند و چگونه پرهیزکاری باشی که مردم از شرّ تو می‌ترسند». (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۰)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «پروردگار عالم، تمام آنچه را که سفارش‌کنندگان، از اولین تا آخرین، به یکدیگر می‌کنند را در یک ویژگی و خصلت جمع کرده و آن تقواست. و در آن، تمام عبادت نیک و شایسته جمع است و هر که به درجات والا رسید، به وسیله تقوا بوده است. و هر که زندگی پاک داشته، به وسیله تقوا و ارتباط دائم با خدا بوده است». (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۰۹)

امام رضا علیه السلام مراتب تقوا را چنین بیان می‌فرماید: «درجه ایمان، بالاتر از اسلام است و درجه تقوا، بالاتر از ایمان است و درجه یقین، بالاتر از تقوا است». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۱) در نگاه اهل بیت علیهم السلام، تقوا، بندگی خدا و حریم نگهداری برای حضرت حق است. از امام صادق علیه السلام سوال شد تقوا چیست؟ حضرت فرمود: «تقوا آن است که خداوند تو را آنجا که دستور داده، غائب ندیده و آنجا که نهی نموده، تو را آنجا حاضر نبیند» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ص ۳۰۳)؛ یعنی انجام واجبات و ترک محرمات.

از روایات رسیده از ائمه اطهار علیهم السلام، تأکید بسیاری بر تقوا شده است و وصیت و سفارش دائمی اهل بیت علیهم السلام، دعوت به تقوا و پروامداری است. ائمه علیهم السلام هیچ‌گاه از دعوت به تقوا فروگذاری نکرده و بدان دعوت کرده‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: شما را به پروای الهی، خودداری و تلاش، سفارش می‌کنم و بدان که تلاش و کوششی که پروا در آن نباشد هیچ سودی ندارد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۷)

از دیدگاه اسلام، تقوا بهترین توشه دنیا است. همچنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «پس بهترین توشه، پروا پیشگی و تقواست» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۸۰). عبارت «لا اله الا الله» به معنای وحدانیت خدا است و اینکه خدا اعمال را جز با توحید قبول نمی‌کند و همین کلمه، کلمه تقوا است که کفّه ترازوی اعمال در روز قیامت با آن سنگین می‌شود. دین و اخلاق، در سایه تقوا محفوظ می‌ماند. لذا تقوا را همانند خونی باید دید که در پیکره اخلاق اسلامی جریان داشته و در تمامی عرصه‌ها جلوه‌گری دارد. اهل بیت علیهم السلام در

همه ابعاد، تجسم تقوا بوده‌اند و لازم است که با کاوش در رفتار آنها، حوزه تقوا را شناخت چرا که ایشان، به حق، کلمه تقوا به شمار می‌روند. همچنان که امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «ماییم کلمه تقوا و دستگیره محکم الهی» (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴۱۷). آن حضرت، حَقّاً در بعد فردی، عاشق بی‌قرار حق بود. نمازی خاضعانه و خاشعانه داشت. اهل ذکر مداوم، اهل مستحبات به‌ویژه نماز شب و اهل انفاق و صدقه بود. فقیر را از خود نمی‌راند و گاه تمام زندگی خود را در راه خدا می‌بخشید. (ابن جوزی، ۱۴۱۸، ص ۱۷۹)

همچنان که در سخنان اهل بیت علیهم السلام آمده است، تمام سکنت و عملکردشان بر اساس تقوا است. همچنین به دلیل ضرورت و اهمیت تقوآمداری، سفارش بی‌شائبه و بی‌دریغ ائمه اطهار علیهم السلام بدان، در هر حال و به همه افراد بوده است. امام علی علیه السلام در کلامی خطاب به فرزندشان اباعبدالله الحسین علیه السلام چنین فرمود: هر کسی که از لباس تقوا محروم باشد، هیچ لباس دیگری او را نخواهد پوشاند. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۸۸)

۲.۳. اصل ایمان به خدا

در تعریف ایمان باید به این حقیقت توجه داشت که ایمان شامل اعتقاد قلبی، گفتار زبانی و عمل به آنها می‌باشد. دو واقع، ایمان مجموعه‌ای از اقرار زبانی، اعتقاد قلبی و اعمال بدنی است. روح ایمان، همان تسلیم در برابر خدا و خضوع در مقابل حقیقت است که بر محور توحید و خداشناسی می‌چرخد و به انسان اجازه شناخت حقایق، همان‌گونه که هست را می‌دهد. ایمان، یک اندیشه اعتقادی بی‌اثر و تنها یک امر روحانی صرف نیست؛ بلکه امری است که تمام وجود انسان را به رنگ خود می‌آورد و در منش و کنش انسان تأثیر می‌گذارد.

درباره حقیقت ایمان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصیتش به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای علی! هفت خصلت است که در هر کس باشد، حقیقت ایمان را به حد کمال رسانده و درهای بهشت برای او گشوده می‌شود: کسی که وضوی کامل بگیرد و نمازش را نیکو به جا آورد و زکات مالش را بپردازد و خشمش را نگه دارد و زبانش را زندانی کند و برای گناهش طلب آمرزش نماید و خیرخواه خاندان پیامبرش باشد». (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۹)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره رهاورد ایمان می‌فرماید: «ایمان روشن‌ترین راه‌ها و

نورانی ترین چراغ هاست. با ایمان می توان به عمل صالح راه برد و با اعمال نیکو می توان به ایمان دسترسی یافت. با ایمان، علم و دانش آباد می شود و به وسیله علم، هراس از مرگ حاصل می گردد. با مرگ، دنیا پایان می گیرد و با دنیا می توان آخرت را به دست آورد و با برپاشدن قیامت، بهشت نزدیک می شود و دوزخ برای گمراهان آشکار می گردد و مردم به جز قیامت، اقامتگاهی ندارند و به سرعت در این میدان به سوی آن سرمنزل آخرین پیش می روند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶). ذکر این عبارت پس از بیان داستان جنگ جمل و آتش افروزان آن، اشاره به این نکته باشد که اگر ایمان قوی داشتند، گرفتار آن جنگ خانمان سوز و پرمسئولیت نمی شدند. اگر ایمان سالمی داشتند آگاهی پیدا می کردند و زندگی باقی آخرت را به زندگی فانی این دنیا نمی فروختند.

امام صادق علیه السلام در توصیف ایمان می فرماید: «ایمان مانند نردبانی است که ده پله دارد و پله های آن یکی پس از دیگری پیموده می شود... و مقدار در پله هشتم قرار دارد و ابوذر در پله نهم و سلمان در پله دهم آن». (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۸۸)

بر این اساس، فردی که به خدا ایمان نداشته و کافر یا مشرک است، خدامحوری درباره او معنی ندارد و انسان هایی که ایمان دارند، در خدامحوری دارای مراتب هستند. هر قدر ایمان بیشتر باشد، محور بودن خدا در زندگی و فعالیت های زندگی فرد مؤمن نیز بیشتر بروز می کند.

۲.۴. اصل عمل صالح

عمل صالح در اصطلاح، عملی است که در شرع به عنوان واجب یا مستحب معرفی شده است. اما در اصطلاح اخلاقی و عرفانی، عمل صالح به عملی گویند که سالک با انجام آن می تواند مراتب سیر و سلوک عرفانی را طی کند و به مقام قرب نائل گردد. بنابراین، عمل صالح، هر کار شایسته ای است که وسیله تکامل نفوس، پرورش اخلاق، قرب الهی و پیشرفت جامعه انسانی در تمام زمینه ها شود و عمل صالح در قرآن، شامل تمام مسائل اخلاقی و امور عبادی می شود.

در حقیقت، عمل صالح، عملی است که برای خدا باشد. از نظر قرآن، تنها چنین عملی پذیرفته می شود: «أخلصوا أعمالكم لله فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا مَا خَلَصَ لَهُ؛ اعمال خویش را

برای خداوند از روی اخلاص انجام دهید، زیرا خدا فقط کارهایی را می‌پذیرد که از روی اخلاص برای او انجام گرفته باشد» (پاینده، بی تا، ص ۱۷۴). درباره عمل صالح باید گفت که آن شامل همه کارهای پسندیده، اعم از فرایض، نوافل، اذکار و ادعیه است که از روی اخلاص انجام می‌شود. بر این اساس، اخلاص، شرط قبولی عمل بوده و میزان و معیار صلاحیت عمل نیز مطابقت آن با شرع و وحی است.

بر کسی پوشیده نیست که اساس دین اسلام، بر عمل کردن است؛ یعنی اگر به ایمان دعوت می‌کند و اگر دستور به علم‌آموزی می‌دهد، در حقیقت، این مفاهیم را ابزاری برای درست عمل کردن قرار داده است. دین همواره بیش از آنکه وابسته به حوزه آگاهی‌های انسان باشد، ناظر بر موضع عملی وی است. اگر بر آگاهی نیز تأکید می‌شود، صرفاً به منظور انعکاس آن در حیطه اعمال و رفتار انسان است؛ بنابراین آگاهی و معرفت دینی در صورتی با شخصیت فرد عجین می‌شود و در او تأثیر می‌گذارد که با عمل وی مقرون گردد. از این رو، یک مربی موفق کسی است که همواره با توجه به ظرفیت و استعداد تربیت‌شونده، او را وادار به عمل کند. همچنان‌که مولای متقیان، امیرالمؤمنین علیه السلام درباره عمل صالح می‌فرماید: «عمل صالح، زراعت آخرت است. عمل نیک انجام دهید بدون آنکه به ریا و خودنمایی مبتلا شوید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳). حضرت تأکید دارد که محصول آخرت، عمل نیک و کارهای شایسته است.

نقش تربیتی عمل دینی، از طریق نیت و انگیزه، قابل ارزیابی است؛ بنابراین با توجه به اینکه تأثیر عمل در تربیت، منوط به کیفیت آن است و عمل، آخرین حلقه تحقق انگیزه و نیت است، نمی‌توان بین آن دو انفکاک قائل شد. نه نیت بدون عمل، نیت واقعی است و نه عمل بدون نیت، قادر به تغییر انسان است؛ لذا عمل، میزانی برای آزمایش در روند تربیت، و معیار سنجش پایداری فرد است.

تاریخ اسلام، شخصیت‌های فراوانی را معرفی می‌کند که روزی در جبهه حق پرستان و پیش‌تازان اسلام بودند، ولی دچار ارتداد و انحراف شدند و حتی گاهی با ۱۸۰ درجه تغییر جهت، به ضد اسلام تبدیل شدند. از نمونه‌های مشهور آن، می‌توان طلحه و زبیر را نام برد که از مسلمانان با سابقه بودند، ولی تا جنگ با علی علیه السلام نیز پیش رفتند. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۸۷)

امام رضا علیه السلام می فرماید: «مبادا اعمال نیک را به اتکای دوستی آل محمد علیهم السلام رها کنید. مبادا دوستی آل محمد علیهم السلام را به اتکای اعمال صالح از دست بدهید؛ زیرا هیچ کدام از این دو به تنهایی پذیرفته نمی شود». (قمی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۰)

در آموزه های قرآنی، ایمان و عمل صالح از چنان ارتباطی برخوردارند که فقدان هر یک، کارایی و تأثیرگذاری دیگری را کم اهمیت و یابی ارزش می سازد. ایمان و عمل صالح، دو بال پرواز بشر به مقام انسانیت و درک خلیفه الهی و وصول به سرمنزل مقصود است. در آموزه های قرآنی، عمل صالح بازتاب ایمان واقعی است. هرکس به ایمان واقعی دست یافته باشد، در منش و کنش خویش، نیک کردار خواهد بود.

۵.۲. اصل پرهیز از دنیاطلبی و دنیاپرستی

یکی از اصول اخلاقی که در قرآن و کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگر معصومین علیهم السلام بر آن تأکید فراوانی شده است، پرهیز از دنیاطلبی است. در اسلام، روحیه آرزوگرایی بی حد و حصر، دست نیافتنی و محصورشدن در چارچوب طرح ها و نقش های بی پایان و فراموشی خود در این میان، سرچشمه بسیاری از خطاها و گناه های انسان است. در روایتی از رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، منشأ همه خطاها و گمراهی ها، نیزنگ دنیا و دل باختگی به آن دانسته شده است: «علاقه به دنیا، منشأ هر اشتباه و خطایی است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۲۳۹). امام علی علیه السلام می فرماید: «دنیا پرستی، سرآغاز فتنه ها و ریشه همه محنت ها و رنج هاست». (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۱)

هشدارها و تأکیدات فراوان اسلام بر فناپذیری انسان در دنیا و پایان یافتن دوران زندگی و انتقال از موقعیتی به موقعیت دیگر، جزء مهمی از مجموعه پند و اندرزهای دینی است. این امر، در تفکر مربوط به اخلاق اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است؛ به طوری که بر تعیین نوع حرکت اخلاقی و جهت دهی به آن، تأثیر انکارناپذیری دارد. در کلام امام علی علیه السلام مشاهده می شود که حضرت، دنیا را به عنوان عالم غرور و مغرورکننده معرفی کرده است: «این زندگی پست و زود گذر دنیا، فریبتان ندهد؛ چنان که گذشتگان را مغرور کرد. پس از دنیا بر حذر باشید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰). ایشان همچنین می فرماید: «دنیا گذرگاه است نه قرارگاه. و مردم در این معبر و گذرگاه، دو دسته اند: برخی خود

را می فروشند و برده می سازند و خویشتن را تباه می کنند و برخی برعکس، خویشتن را می خردند و آزاد می سازند» (همان، حکمت ۱۳۳). آن حضرت در بیان دیگری به صراحت می فرماید: «به حق می گویم که دنیا تو را نفریفته، بلکه تو فریب خورده ای» (همان، خطبه ۲۲۳). دنیا هر دو روی سکه را نشان می دهد و علاقه دارد انسان، فریب نخورده و به راه بیاید. دنیا خانه خوب و عالم نیکویی است برای کسی که هر دو بعد آن را ببیند. حضرت در ادامه می فرماید: «دنیا خوب سرایی است برای کسی که به آن دل نبسته و خوب جایی است برای کسی که آن را وطن و محل اقامت همیشگی خود قرار نداده است». (همان) نتیجه سخن آن است که دنیا فریبکار نیست و اگر نیرنگی در کار است، عامل آن، خود انسان است. وسوسه های شیطانی به وسیله نفس هوس باز، انسان را تحریک می کند. بعد اندوهبار دنیا را نمی نگرد و تنها چهره نشاط آورش را می بیند و فریب می خورد. از آثار برجسته دلبستگی به دنیا، تن دادن به زندگی پست و ذلیلانه است. کسی که دلباخته دنیا است، از مرگ می هراسد و حاضر است برای زندگی بیشتر، تن به هر ذلتی دهد. یکی از ذلت های کوفیان، ذلت پیمان شکنی و بی وفایی است. امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به آنان فرمود: «وای بر شما ای کوفیان! زشت باد کارتان! ما را به یاری فراخواندید، چون نزد شما آمدیم و ندایتان را پاسخ گفتیم» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۱۰). از نگاه امام حسین علیه السلام زندگی ذلیلانه، مساوی با مرگ، و مرگ در راه عزت، همان حیات جاودانه است.

۲.۶. اصل آخرت گرایی

جهت گیری زندگی بر مبنای آخرت گرایی، تحولی اساسی در رفتار و سلوک انسان ایجاد می کند. تربیت دینی، مسئولیت ویژه ای در باروری عقل دینی از رهگذر القای ذهنیت آخرت اندیش دارد. از این رو، مفاهیم دینی، مشحون از یادآوری سرای جاوید و ایجاد تنبّه در انسان نسبت به آن است: «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا...» (بقره: ۴۸). بیشترین عاملی که موجب می شود نوع انسان ها حداقل در ابتدا متوجه خدا بشوند، بازگشت به جهان دیگر است. شاید به همین خاطر باشد که اعتقاد به معاد، بیشترین آیات قرآن را به خود اختصاص داده است. توجه به اینکه بعد از مرگ، جایگاهی است که انسان در آن جایگاه بر اساس کارهایی که در دنیا انجام

داده است اجر و پاداش خواهد دید، خود به خود انسان را به سوی انجام اعمال بر اساس رضایت الهی سوق می‌دهد. خداوند در مورد آنان که معاد را انکار می‌کنند به عنوان توبیخ می‌پرسد آیا انسان گمان می‌کند استخوان‌هایش را نمی‌توانیم جمع کنیم؟ (قیامت: ۳-۵)

باید توجه داشت که توجه به آخرت را نباید بهانه‌ای برای گوشه‌گیری، انزوا و تعطیل کردن تمام فعالیت‌های مرتبط با دنیای مادی ساخت، بلکه باید از برکات و نعمت‌های دنیوی نیز استفاده کرد و با توجه به موازین شرعی، به فعالیت‌های روزمره و معمول ادامه داده و در همان حال، خدا را از یاد نبرد. پس مسلمان واقعی کسی است که توجه به آخرت داشته باشد؛ زیرا توجه به آخرت باعث می‌شود انسان از نزدیک شدن به گناه بپرهیزد و تمام تلاشش این است که تمام اعمال و سکناش بر اساس خدامحوری بوده و خدا را در همه زمینه‌ها در نظر و به یاد داشته باشد. همچنان‌که در سیره اهل بیت علیهم‌السلام می‌بینیم که امام صادق علیه‌السلام فرمود: پدرم از پدر خود روایت نقل کرد که حضرت امام حسن علیه‌السلام در زمان خود، از همه مردمان، عبادت و زهدش بیشتر بود و افضل مردم بود. و هرگاه سفر حج می‌کرد، پیاده می‌رفت و گاهی با پای برهنه راه می‌پیمود. و هرگاه به یاد مرگ، قبر، بعثت، نشور و گذشتن بر صراط می‌افتاد، گریه می‌کرد. و چون یاد می‌کرد عرض اعمال را بر حق تعالی، نعره می‌کشید و مدهوش می‌گشت. و چون به نماز می‌ایستاد، بندهای بدنش می‌لرزید به جهت آنکه خود را در مقابل پروردگار خویش می‌دید. و چون یاد می‌کرد بهشت و دوزخ را، اضطراب می‌نمود مانند اضطراب کسی که او را مار یا عقرب گزیده باشد، و از خدامسئلت می‌کرد بهشت را و استعاده می‌کرد از آتش جهنم. و هرگاه در قرآن تلاوت می‌کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، می‌گفت: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ. و در هیچ حالی کسی او را ملاقات نکرد مگر آنکه می‌دید که مشغول به ذکر خداوند است. و زبانش از تمام مردم راستگوتر و بیانش از همه کس فصیح‌تر بود. (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۱۷۸-۱۷۹)

در جای دیگری آمده که امام باقر علیه‌السلام فرمود: علی بن الحسین علیه‌السلام در هر شبانه‌روز، هزار رکعت نماز می‌خواند. پانصد درخت خرما داشت که کنار هر کدام، دو رکعت نماز می‌خواند. وقتی به نماز می‌ایستاد، رنگش تغییر می‌کرد همچون بنده‌ای ذلیل در مقابل فرمانروایی عظیم. وقتی به نماز می‌ایستاد، هیچ چیز، او را جز نماز، به خود مشغول نمی‌کرد

و صدایی را نمی شنید از شدت توجهی که به نماز داشت. یکی از فرزندان از بلندی پرت شد و دستش شکست. فریاد اهل خانه بلند شد. همسایه ها آمدند و شکسته بند آوردند. بچه از درد فریاد می زد. هیچ کدام از اینها را حضرت زین العابدین علیه السلام متوجه نشد. فردا صبح دید دست بچه به گردش بسته است. پرسید: چه شده است؟ جریان را خدمتش عرض کردند. (همان)

روزی آتش سوزی اتفاق افتاد در همان خانه ای که امام در سجده بود. فریاد می زدند: آقا! یا ابن رسول الله! آتش، آتش. سر از سجده برنداشت تا بالاخره آتش را خاموش کردند. عرض کردند: آقا چرا توجه به آتش افروخته نداشتید. فرمود: متوجه آتش بزرگ (قیامت) بودم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶، ص ۴۴)

۲.۷. اصل زهد و دنیاگریزی

یکی از اصول اخلاقی، دنیاگریزی است. دنیاگریزی در اسلام، غیر از رهبانیت است. در دنیاگریزی اسلام به بی بهره ماندن از مواهب توصیه نمی شود، بلکه آنچه در آن نهی می شود، علقه به امور مادی و دنیوی است. دنیاگریزی، برای آخرت گزایی و توجه به آخرت، لازم است. انسانی که روح خود را وابسته و متعلق به امور دنیوی نماید، دیگر جان و قلبش برای توجه به آخرت، فارغ و آماده نمی شود. بر همین اساس، یکی از اساسی ترین اصول اخلاقی در اسلام، اصل آخرت گزایی و دنیاگریزی است. توجه به این اصل در تمام مراحل و دوران زندگی، لازم و ضروری است.

آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که انسان را به بهره مندی از مواهب و نعمت های الهی ترغیب و تشویق نموده و حداقل در حدّ یک مسئله مباح به آن تأکید می کند. دقت در همین آیات، خود روشنگری خوبی نسبت به مفهوم دنیاگریزی ارائه می دهد.

اولین برخورد خدا با انسان ها در مواجهه با نعمت هایش، تشویق به بهره بری است. انسان باید بداند بهره مندی از مواهب الهی، مانعی در سیر تکاملی او نیست و این امر مهمی است تا انسان ها بدانند منافاتی بین بهره مندی از مواهب و داده های الهی و توجه به خدا وجود ندارد.

اهمیت این مسئله آن گاه روشن می شود که در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله از مسلمان ها کسانی

بودند که دوری از مواهب الهی را به عنوان راهی برای رسیدن به خدا پنداشته و به کلی از جامعه و زندگی بریده بودند. یکی از اصحاب پیامبر ﷺ به نام عثمان بن مظعون، کار عبادت را به جایی رسانید که همه روزها روزه می‌گرفت و همه شب‌ها تا صبح را به نماز می‌پرداخت. همسروی جریان را به اطلاع پیامبر رسانید. حضرت رسول ﷺ درحالی که آثار خشم از چهره‌اش هویدا بود از جا حرکت کرد و پیش عثمان بن مظعون رفت و به او فرمود: «ای عثمان! بدان که خدا مرا برای رهبانیت نفرستاده است. شریعت من شریعت فطری آسانی است. من شخصاً نماز می‌خوانم و روزه می‌گیرم. هر کسی می‌خواهد از دین من پیروی کند باید سنت مرا بپذیرد». (همان، ج ۲۰، ص ۳۰۲)

در قرآن کریم آمده است: ﴿وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ﴾ (مائده: ۸۸). این آیه مؤمنان را ترغیب و تشویق به بهره‌برداری از نعمت‌ها کرده و آنها را به رعایت تقوا توصیه می‌کند. شاید یکی از دلایل توجه دادن به رعایت تقوا بعد از تشویق به بهره‌مندی از مواهب، احتمال غفلت از خدایی است که توجه پیش از اندازه به نعمت‌ها، موجب غفلت از آن می‌شود.

منظور از دنیا‌گریزی، بی‌بهره‌ماندن از مواهب خدادادی نیست، بلکه عدم بهره‌برداری از حلال خدا، توییح حضرت حق را نیز به دنبال دارد. مقصود از دنیا‌گریزی این است که دنیا برای انسان اصل نباشد و توجه داشته باشد که دنیا جای گذار است. در این صورت است که برخورد و چگونگی تعامل انسان با دنیا متفاوت شده و به دنیا، نگاه ابزاری می‌کند و در این صورت است که توجه به آخرت و آخرت‌گرایی برای او امکان پیدا می‌کند.

مولای متقیان امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «نشانه کسی که تمایل به پاداش اخروی دارد، زهد در تمتعات زودگذر و دنیایی است. آگاه باشید! زهد زاهد در این دنیا از آنچه قسمت روزی اوست، کم نمی‌کند و حرص حریص نیز روزی او را از تمتعات دنیایی بیشتر نمی‌کند. بنابراین، زیانکار کسی است که از بهره آخرتش محروم باشد». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۱۲)

آخرت‌گرایی و دنیا‌گریزی، لازم و ملزوم هم و نیاز انسان بوده و تمتعات و زینت‌های دنیایی، زودگذر است. از دیگر آثار دنیا‌گریزی و زهد، همدردی با دیگران است. انسان

دنیاگریز و زاهد چنان‌که در شروط زهد بیان شد مسئولیت‌مدار و متعهد است. او نمی‌تواند خود را از درد و رنج دیگران آسوده کرده و توجهی به آنها نداشته باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «همانا دنیا نهایت دیدگاه کسی است که دیده‌اش کور است و فراتر از آن را نمی‌بیند؛ اما آنکه بیناست نگاهش از دنیا بگذرد و از پس آن، خانه آخرت را نگرد. پس بینا از دنیا دل برکند و نابینا به آن روی آورد. بینا از دنیا توشه گیرد و نابینا برای دنیا توشه فراهم آورد». (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳ و تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۳۲). از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود: «کسی که در دنیا، زهد را پیشه خود سازد، خدا حکمت را در دل او جایگزین کرده و زبانش را به حکمت می‌گشاید و نسبت به عیوب دنیا و بیماری و درمان آن، به او بینایی می‌بخشد و از دنیا به سلامت به جایگاه سلامت رهنمونش می‌کند». (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۱۶۷)

با توجه به آیات و روایات، چنین برمی‌آید که ارتباط آخرت‌گرایی با دنیاگریزی و زهد در دنیا روشن است و هر جا سخنی از زهد و دنیاگریزی هست، توجه به آخرت نیز در آن به نوعی بیان شده است؛ چرا که فرار از دلبستگی به دنیا، برای رسیدن به آخرت و خدا است. پس اصل دنیاگریزی و آخرت‌گرایی، زیربنای اخلاق است و باید به آن توجه کافی کرد.

نتیجه‌گیری

ایمان به خدا و خدامحوری، تمامی اخلاق اسلامی را به صورت خلاصه و فشرده در خود جای داده است. بر این اساس، روح توحید، در همه آموزه‌های اخلاقی اسلام، جریان داشته و روح اخلاق، در تمام اعمال دینی حضور دارد. از سوی دیگر، ایمان اسلامی، ضامن اجرای قواعد اخلاقی است و اگر اعتقاد به معاد در کار نباشد، هیچ عاملی نمی‌تواند انسان را از پیروی هوا و هوس‌های خود باز دارد.

در پیشگاه الهی، تنها اعمالی ارزش دارند که با اخلاص و رضایت خداوند همراه باشد؛ از این رو، در قرآن کریم، تمام اعمال به نوعی مقید به اخلاص و قصد قربت شده‌اند. از آن سو، ما که می‌خواهیم پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را الگو و به‌عنوان اسوه قرار دهیم، باید تمام کارهای مان بر محور رضای الهی باشد. اخلاق اسلامی در سیره

پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ پیوندی محکم با دین اسلام دارد و اخلاق، بخشی از دین اسلام است؛ زیرا اسلام، افزون بر بعد اخلاقی، دارای بعد اعتقادی، سیاسی و فقهی نیز است. با توجه به سخنان اهل بیت ﷺ متوجه می‌شویم که اخلاق اسلامی بر اساس خدامحوری است و تمام راه‌های به دست آوردن اخلاق اسلامی و تزکیه نفس، از خدامحوری نشأت می‌گیرد و کل نظام هستی از یک هستی محض و یکتا منشعب شده که ضرورت وجود آن از ناحیه خود اوست. اگر مبنای زندگی فردی و اجتماعی بر اساس توحیدباوری و تقوای پیشگی باشد، بسیاری از مشکلات اجتماعی و خانوادگی از میان برمی‌خیزد؛ به این ترتیب که زندگی فرد، تحت مدیریت و اراده خدا قرار می‌گیرد. در نتیجه تمسک به آن در حوزه فردی، خودفراموشی و خودخواهی از میان می‌رود و خوف از خدا، آرامش درونی، پایداری در مقابل گناه و فهم دین و بینش شریعت، جای آن را می‌گیرد. پس دنیا برای خدامحوران، تنها وسیله‌ای برای دستیابی به هدف‌های معنوی و رضای الهی است و کسانی که این اصول و معیارهای اخلاقی را رعایت کنند در زندگی دنیا و آخرت، سربلند و پیروزند.

تایخ نامه جامعه

سال اول
شماره اول
۱۴۰۰

اصول و معیارهای اخلاقی در مکتب اهل بیت ﷺ

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۶ ق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
۲. _____، ۱۳۶۲ ش، الخصال، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. _____، ۱۳۷۶ ش، الأمالی، تهران: کتابچی.
۴. _____، ۱۴۱۳ ق، من لایحضره الفقیه، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. ابن جوزی، ۱۴۱۸ ق، تذکرة الخواص، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ ق/۱۳۶۳ ش، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۷ ق، عدة الداعی و نجاح الساعی، تحقیق و تصحیح: احمد موحدی قمی، قم: دار الکتب الإسلامی.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۹. اصفهانی، راغب، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، محقق: صفوان عدنان داودی، دمشق - بیروت: دار القلم - دار الشامیه.
۱۰. باقری، خسرو، ۱۳۷۹ ش، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.
۱۱. پاینده، ابوالقاسم، بی تا، نهج الفصاحة، تهران: دنیای دانش.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ ق، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق و تصحیح: سید مهدی رجایی، قم: دار الکتب الإسلامی.
۱۳. _____، ۱۳۶۶ ش، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق و تصحیح: مصطفی داریتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. حسینی دشتی، سید مصطفی، ۱۳۹۲ ش، معارف و معاریف: دایرة المعارف اسلامی، تهران: سپید موی اندیشه.

تاریخ نامه
جامعه

سال اول
شماره اول
۱۴۰۰

۱۵. حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۶. دلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ق، ارشاد القلوب إلى الصواب، قم: دار الشریف الرضی.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲ق/۱۳۷۰ش، مکارم الأخلاق، قم: دار الشریف الرضی.
۱۹. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ۱۴۱۵ق، تفسیر صافی، تحقیق و تصحیح: حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، تفسیر قمی، تحقیق و تصحیح: طیب موسوی جزائری، قم: دار الکتب.
۲۱. قمی، عباس، ۱۴۱۴ق، سفینه البحار، قم: اسوه.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۳. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق و تصحیح: حسین حسنی بیرجندی، قم: دار الحدیث.
۲۴. ابن شهر آشوب مازندارانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ش، مناقب آل ابی طالب، تهران: علامه.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، تحقیق و تصحیح: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. _____، ۱۴۰۴ق، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تحقیق و تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۷. مفید، محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق، الجمل و النصره السید العتره فی حرب البصره، قم: کنگره هزاره شیخ مفید.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. _____، ۱۳۷۷ش، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
۳۰. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، بی تا، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، تحقیق و تصحیح: ابراهیم میانجی، ترجمه: حسن حسن زاده و محمدباقر کمره ای، تهران: مکتبه الاسلامیه.

تاریخ نامہ جلد

سال اول
شماره اول
۱۴۰۰

اشکال و گونه‌های عبادات جمعی امام علی علیه السلام

مریم محمودزاده^۱

چکیده

در نظام فکری و فقهی شیعه، سیره معصومین علیهم السلام، از همان جایگاهی برخوردار است که قرآن و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله در آن جایگاه قرار دارند. از اینرو شناخت سیره عبادی ائمه، کاربردی وسیع دارد و هیچ عالم دینی و فقیه شیعی نمی‌تواند از دانستن آن بی‌نیاز باشد. یکی از مهم‌ترین سیره‌های عبادی که مورد توجه دیگر ائمه علیهم السلام نیز بوده، سیره عبادی امام علی علیه السلام است که در امتداد سیره عبادی رسول خدا صلی الله علیه و آله به شمار می‌رود. عبادات جمعی، گونه‌های متفاوتی دارد و شامل مسائلی چون نماز جماعت و جمعه، حج و مسائل مالی مانند خمس و زکات، که فواید مادی دارد، می‌شود. هدف این پژوهش، که به روش کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی - توصیفی، انجام شده است، شناخت سیره و گونه‌های مختلف عبادات جمعی امام علی علیه السلام است تا با الگوگیری از آن، زندگی خود را مطابق با سیره آن حضرت قرار دهیم. با مطالعه سیره عبادات جمعی امیرالمؤمنین علیه السلام، دریافت شد که نظام عبادی توصیه‌شده، نظامی جامع، متناسب با حیات مادی و معنوی انسان‌ها است که تضمین‌کننده نیازها و بسترهای رشد و کمال دنیا و آخرت می‌شود.

واژگان کلیدی: گونه‌های عبادت، عبادات جمعی، امام علی علیه السلام، سیره عبادی، نظام عبادی.

۱. دانش پژوه سطح چهار حوزه علمیه جامعه الزهراء علیها السلام، رشته تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، قم.

عبادت و پرستش، از شناخت بر می خیزد و شناخت حق تعالی در پرستش و بندگی، نقشی اصلی و اساسی دارد. در این میان، هرکس در مسیر شناخت، گام‌های بزرگتر و سریع‌تری برداشته باشد، در مقام بندگی او، تقرب بیشتری حاصل کرده است. زندگی امام علی علیه السلام و سیره عبادی جمعی آن حضرت، چنان پرفروغ و خیره‌کننده است که قلم از بیان و توصیف آن ناتوان است و هر اندازه به تبیین و کندوکاو در این مقوله پردازد، نخواهد توانست حق مطلب را ادا و حتی اندکی از بسیار را بنگارد. سیره عبادی جمعی امیرالمؤمنین علیه السلام به دلیل جایگاه معنوی و به دلیل تنوع شرایط پیرامونی و اجتماعی آن حضرت، دارای یافته‌هایی کم‌نظیر است.

در بسیاری از آثار مربوط به تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، می‌توان مطالبی را به‌طور پراکنده در سیره عبادی جمعی امیرمؤمنان علیه السلام پیدا کرد. از جمله تألیفاتی که می‌توان در این باره به آن‌ها اشاره کرد: کتاب «شبی در پایتخت بهشت؛ سیره عبادی امیرالمؤمنین علیه السلام»، تألیف بیژن شهرامی؛ مقاله «سیره امام علی علیه السلام»، نوشته علی رفیعی علامرودشتی در دانشنامه امام علی علیه السلام و مقاله «سیره عبادی امیرالمؤمنین علیه السلام»، نوشته مریم معین‌الاسلام در مجله نامه جامعه از جمله این آثار است که در آنها، اشکال و گونه‌های عبادات امیرالمؤمنین علیه السلام به صورت پراکنده آمده است.

در این نوشتار، سعی می‌شود با تکیه بر احادیث و گزارش‌های تاریخی، رفتار امام علی علیه السلام به عنوان سیره و سبک زندگی، ارائه شود. آن حضرت، که بسیاری از فضایل و نیک‌ها را در خود جمع داشت، برای آنان که به دنبال کمال جویی و کسب فضیلت و نیز شناخت و آشنایی بیشتر با معارف و اندیشه‌های دینی‌اند بهترین الگو به شمار خواهد رفت و سیره عبادی آن حضرت می‌تواند به عنوان ملاک، ضابطه و سنجه عبادت پیروان مذهب اهل بیت علیهم السلام قرار بگیرد. با این حال، جایگاه ویژه امام علی علیه السلام در تعریف و نشر مبانی و آموزه‌های اسلامی و اثرگذاری در تاریخ اسلام، موجب شده است که نه تنها شیعیان، بلکه دیگر فرقه‌های اسلامی، به تاریخ و زندگی آن حضرت، البته نه به صورت سیره، بلکه بیشتر به صورت سیر تاریخی توجه کنند. بر این اساس، در این نوشتار، مسئله اصلی این است که اشکال و گونه‌های عبادات جمعی امام علی علیه السلام چگونه بوده است؟

در این نوشتار، در پاسخ‌گویی به پرسش یادشده، در ابتدا ضمن بیان سیره آن حضرت در نمازهای جماعت و جمعه، به ذکر سیره ایشان در حج می‌پردازد و در نهایت، به عبادت‌های اقتصادی امیرمؤمنان علیه السلام شامل انفاق، احسان و ایثار پرداخته می‌شود.

نماز جماعت و جمعه در سیره امام علی علیه السلام

۱.۱. نماز جماعت

نماز، ستون دین، نماد اسلام، مرز میان ایمان و کفر، نمایش عبودیت و بهترین و کامل‌ترین شیوه پرستش و نیایش خداوند است. ویژگی اجتماعی آموزه‌های اسلامی، مقتضی آن است تا عبادات اسلامی، رنگ و بویی دیگر به خود گیرد و همین بهترین و کامل‌ترین شیوه پرستش، به بهترین و کامل‌ترین شیوه وحدت اجتماعی تبدیل گردد و در برخی از اشکال خود مثل نماز جماعت و جمعه، به عنوان مهم‌ترین عامل وحدت‌آفرین میان امت و امام و دولت و ملت تبدیل شود. وجود این عبادت‌ها و نیایش‌های گروهی، با ترکیبی خاص و آدابی ویژه و نیز توجه به اهداف و ظرافت‌های تشریح این عبادت‌ها می‌تواند در تقویت صمیمیت‌ها و افزایش پیوندهای اجتماعی تأثیری تعیین‌کننده و انکارناپذیر داشته باشد. نماز را می‌توان به تنهایی به جا آورد، ولی بهتر است آن را به جماعت برپا داشت؛ زیرا برگزاری نماز جماعت، به معنای نمایش قدرت و وحدت میان مسلمانان و حمایت قاطع از نظام سیاسی اسلام است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام به نماز جماعت اهمیت بسیار می‌داد و همواره در گفتار و رفتار خود، پیروان خویش و عموم مسلمانان را به این نماز که علاوه بر آثار عبادی و اخلاقی، فواید سیاسی و اجتماعی بسیاری دارد، دعوت می‌کرد.

امیرمؤمنان می‌فرمود: «مَنْ سَمِعَ الْبِدَاءَ فَلَمْ يُجِبْهُ مِنْ غَيْرِ عَلَّةٍ فَلَا صَلَاةَ؛ هرکس ندا (اذان) را بشنود ولی بدون عذر پاسخ ندهد (در نماز جماعت حاضر نشود) برای او نمازی نیست» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۱). آن حضرت در این کلام گهربار خود تأکید می‌کند که اگر کسی بدون عذر، نماز جماعت را ترک کند، به نماز واقعی یعنی نماز کامل دست نمی‌یابد.

امام علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر، در ادامه مسئولیت‌هایی که برای زمامداران امت اسلامی برمی‌شمارد، به نماز جماعت توجه می‌دهد و می‌فرماید: «از جمله اموری

که باید آن را به جهت خلوص دینت برای خدا انجام دهی، اقامه فرائضی است که مخصوص ذات پاک اوست. بنابراین نیروی بدنی خود را در شب و روز در اختیار فرمان خدا بگذار و آنچه را موجب تقرب تو به خداوند می شود به طور کامل و بی نقص به انجام رسان، هرچند موجب خستگی فراوان جسمی تو شود. و هنگامی که به نماز جماعت برای مردم می ایستی باید نمازت نه چندان طولانی باشد که مردم ملول گردند و نه (چنان سریع که) ارکان نماز بشکند؛ زیرا در میان مردمی که با تو به نماز می ایستند، افراد بیماری هستند یا کسانی که حاجات فوری دارند. (دستی، ۱۳۸۸، نامه ۵۳، ص ۴۱۶)

بدیهی است که منظور از این روایات این نیست که واجبات نماز رعایت نگردد، بلکه اهمیت فوق العاده این عبادت بزرگ و بی نظیر نشان می دهد که نماز جماعت چه نقش مهمی در تربیت انسان و رساندن او به جوار قرب خدا در سیر و سلوک معنوی و عرفانی دارد.

نکته تاریخی جالب توجه در این است که آن هنگام که پیامبر اکرم ﷺ و علی ؑ و حضرت خدیجه ؓ تنها مسلمانان روی زمین بودند، نماز را به جماعت می خواندند. یحیی بن عقیف کندی می گوید: «برای حج به مکه آمدم و میهمان عباس بودم (خانه عباس، عموی پیامبر، مشرف به خانه خدا بود). در اواسط روز دیدم مردی آمد و به آسمان نگاه می کرد (پیامبر اکرم ﷺ می خواست زوال شمس را ببیند). مقابل خانه خدا ایستاد. دست راستش جوانی خردسال و پشت سرش زنی بود. او خم شد، آنها نیز خم شدند، او به زمین افتاد، آنها نیز به زمین افتادند. تعجب کردم. وقتی که عباس آمد، ماجرا را برای او نقل کردم، گفت: «دانستی آنها که بودند؟» گفتم: نه. گفت: «آن که جلو بود، پسر برادرم محمد بن عبدالله ﷺ است. او می گوید: از آسمان به او وحی می شود؛ آنکه در جانب راستش ایستاده بود، علی بود و آن که پشت سرش بود، خدیجه، زوجه پسر برادرم، محمد، است. من در روی زمین کسی را غیر از این سه نفر بر این دین نمی دانم»، (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۱۲ و ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۱۴)

نماز جماعت افزون بر کارکردهای وحدت آفرین در جامعه، مهم ترین ابزار تمرین اطاعت از امام است. چنان که تنظیم کننده اوقات و زمان برای مردم و جمع کننده صفوف مختلف ایشان از همه اقشار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن است.

۱.۲. نماز جمعه

نماز جمعه نیز یکی از فریضه‌های عبادی - سیاسی و از موهبت‌های ویژه حق تعالی به امت اسلامی است که در آغاز تشکیل اولین دولت اسلامی، یعنی حکومت پیامبر اسلام ﷺ در مدینه تشریح شده است. درباره اهمیت این نماز و جنبه‌های مختلف عبادی، فرهنگی و سیاسی آن، مطالب فراوانی از ائمه معصومین علیهم‌السلام و به ویژه امام علی علیه‌السلام بیان شده است. نماز جمعه به عنوان بیعت هفتگی میان امت و امام تلقی می‌شود و از این نظر، از جهات اجتماعی و سیاسی، رنگ و بوی بیشتری از نماز جماعت دارد.

امام علی علیه‌السلام درباره اهمیت روز جمعه و نماز آن می‌فرماید: «جمعه روزی است که خداوند آن را برای شما عید قرار داده است. جمعه سرور روزها و برترین عیدهاست. خدا شما را امر کرده که در آن روز به سوی ذکرش بشتابید (جمعه: ۹). پس باید رغبت شما به عبادت و نماز جمعه به حدی باشد که نیت شما خالص گردد. در این روز، بسیار زاری و نیایش کنید، نیازهای خود را از خداوند خواسته و طلب رحمت و آمرزش کنید. زیرا خداوند دعای هر کس که او را به حقیقت بخواند، اجابت کرده و هر کس را که از بندگی و فرمانش امتناع کند، وارد دوزخ می‌کند. نماز جمعه بر هر مومنی به جز کودک، بیمار، دیوانه، پیر و ناتوان، نابینا، مسافر، زن، بنده مملوک و کسی که در فاصله دو فرسخی باشد (هر فرسخ حدود ۴ کیلومتر است)، واجب است». (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۰۴)

سخنی زیبا در کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام وجود دارد که ارزش قصدکننده به نماز جمعه را نشان می‌دهد، ایشان می‌فرمود: «من برای شش نفر نزد خداوند ضمانت بهشت می‌کنم و یکی از آنان، کسی است که به سوی نماز جمعه برود و در راه بمیرد، آن‌گاه بهشت برای اوست» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۱). همچنین فرمود: «نباید کسی از شما در روز پنج‌شنبه دارو مصرف کند. وقتی از علت سوال شد، پاسخ داد: برای آنکه از شرکت در نماز جمعه ناتوان نگردد». (همان، ص ۴۷)

بدیهی است نمازهای جمعه‌ای که در آن عصر برپا می‌شود، از سوی مخالفان آن حضرت سامان می‌یافت، با این حال ایشان به یاران و دوستان سفارش می‌کرد از کارها و اموری که به ناتوان شدن آنان از شرکت در نماز جمعه می‌انجامد، پرهیزند. از سوی دیگر

نمی‌توان پذیرفت که حضرت، یارانش را به حضور در نماز جمعه تشویق کند، اما خود در آن شرکت نجوید؛ زیرا امام به آنچه دستوری داد، خود بیش از دیگران به آن پایبندی نشان می‌داد. بنابراین با بهره‌گیری از این حدیث می‌توان گفت آن حضرت در نمازهای جمعه شرکت می‌جسته است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ أَصْحَابَ النَّبِيِّ ص كَانُوا يَتَجَهَّرُونَ لِلْجُمُعَةِ يَوْمَ الْخُمَيْسِ؛ به خدا سوگند به من گزارش رسیده است که یاران رسول خدا، روز پنج‌شنبه خود را برای نماز جمعه آماده می‌ساختند». (همان، ص ۴۶)

از آنجاکه امام علی علیه السلام در جمع صحابیان، بیشترین اهتمام و دلبستگی را به احکام و دستوره‌های اسلامی و سنت‌های به‌جای مانده از پیامبر داشت، بدیهی است نسبت به آمادگی پیشین و فراهم‌سازی مقدمات و پیش‌نیازهای شرکت در نماز جمعه، جدیت بیشتر و پایبندی افزون‌تری را نشان دهد. از این‌رو از آن حضرت باید به‌عنوان عینی‌ترین و گویاترین مصداق این حدیث یاد کرد. سیره حضرت در نکوداشت نماز جمعه چنان بود که با پای برهنه درحالی‌که نعلین خود را در دست چپ داشت، به سوی نماز می‌شتافت و مصلّی را موطن خدا می‌شمرد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۲۵۵)

سیره امام علی علیه السلام در امر خطبه‌خوانی این‌گونه بود که ایشان تمام آنچه به‌عنوان شعائر امر در دوره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله انجام می‌شد را رعایت می‌کرد. ایشان در ایام خلافت خود، در غالب خطبه‌هایی که طبعاً، برخی از آنها در خطبه‌های نماز جمعه و به ندرت در عید فطر و قربان ایراد شده، ضمن آگاهی‌دادن مسلمانان به وظایف سنگین خود و ایفای نقش تربیتی در تهذیب نفوس مستعده و تربیت مردان الهی، به توطئه‌های دشمنان اسلام و مخالفین و پیمان‌شکنانی که خطرشان به مراتب بالاتر از کفار بود، توجه می‌داد.

از سوی دیگر، حضرت بنا به اقتضائات زمان و مکان به‌عنوان خلیفه مسلمین، اقدامات مهمی در زمینه انجام و اجرای هرچه باشکوه‌تر این امر انجام می‌داد که به‌عنوان سیره آن امام در برپایی نماز جمعه به حساب می‌آید. در ادامه به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱. مشارکت زندانیان در نماز جمعه: در این باره روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده

است که: «امام علی علیه السلام کسانی را که به واسطه بدهکاری و ... در زندان بوده‌اند،

آزاد می‌کرد تا در نماز جمعه حضور پیدا کنند و سپس بعد از نماز، آنها به زندان برگردانده می‌شدند». (نوری، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۲۷)

۲. نهی مسافرت در روز جمعه: از آنجا که نماز جمعه به عنوان یک امر سیاسی و اعتقادی، اهمیت بسیار زیادی در جامعه دارد، امام علی علیه السلام به دوستان و اصحاب خود می‌فرمود تا جایی که امکان دارد، در روز جمعه مسافرت نکنند تا بتوانند در این اجتماع بزرگ شرکت نمایند. روایت است که حضرت در نامه‌ای به حارث حمدانی می‌فرماید: «...وَلَا تُسَافِرْ فِي يَوْمِ جُمُعَةٍ حَتَّى تَشْهَدَ الصَّلَاةَ إِلَّا فَاصِلًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ فِي أَمْرٍ تُعَدُّ بِهِ؛ در روز جمعه، پیش از نماز مسافرت نکن، جز برای جهاد در راه خدا و یا کاری که از انجام آن ناچاری». (فیض الاسلام، ۱۳۷۶، ج ۵، نامه ۶۹، ص ۱۰۷۱)

۳. خواندن سوره در پایان خطبه: بر طبق نقل شیخ طوسی در کتاب مصباح المجتهد، حضرت در پایان خطبه اول، سوره توحید یا سوره الکافرون و یا سوره والعصر را تلاوت می‌کرد. (شیخ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۶۰۳)

از نمونه‌های یادشده و جز آن، به روشنی می‌توان اهتمام امام را در برپایی فرائض پیش‌گفته باز شناخت. این حضور در نماز جمعه و جماعات، به انگیزه حفظ وحدت و همگرایی اسلامی، که امام علی علیه السلام بانی و پایه‌گذار آن به شمار می‌رفت، پس از ایشان، از سوی دیگر امامان علیهم السلام نیز دنبال شد و استمرار یافت.

بنابراین امیرالمؤمنین، با توجه جدی و اصلی به روح این عبادات بزرگ یعنی نماز جماعت و جمعه، که شامل تقوای فردی و رشد آن در آحاد مسلمین، اتحاد و وحدت کلمه و پرهیز از تشتت که موجب رخنه دشمنان اسلام خواهد شد، توجه ما را به مهم‌ترین آموزه‌های نماز جماعت و جمعه رهنمون می‌سازد.

حج در سیره امام علی علیه السلام

یکی از راه‌های تقویت دین، اجتماع عظیم مسلمانان در ایام حج است. حج، کنگره جهانی اسلام است و هر ساله میلیون‌ها مسلمان از سراسر دنیا، در زمانی مشخص، در سرزمین وحی اجتماع می‌کنند. مسلمانان با این گردهمایی بزرگ، عظمت اسلام را به رخ جهانیان می‌کشند.

یکی از کامل‌ترین مصادیق بندگی پروردگار، حج است. از آنجاکه درک فلسفه بسیاری از اعمال حج برای بشر دشوار یا غیر ممکن است و حج‌گزار تنها براساس تعبد، آنها را انجام می‌دهد، عبودیت و تسلیم در این عمل، بسیار پررنگ است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «همانا بهترین چیزی که به وسیله آن، توسل جویان به خداوند سبحان به آن متوسل می‌شوند، حج و عمره خانه خداست». (شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۴۷ و دشتی، ۱۳۸۸، خطبه ۱۱۰ (با اندکی تفاوت)، ص ۱۴۸)

حج، تصویری از اسلام است که همه اعمال عبادی در آن ترسیم شده است. همان‌طورکه پرچم هر کشور دارای اجزاء مختلف است و هر جزء آن بیان‌کننده غرضی خاص است، حج هم به عنوان پرچم اسلام معرفی شده است که هریک از اجزاء آن، بیانگر بخشی از معارف اسلام است. امام علی علیه السلام فرمود: «وَجَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِيْلَاسْلَامٍ عِلْمًا وَ لِيُعَايِدِينَ حَرَمًا؛ و خداوند سبحان حج را نشانه اسلام، و حرمی برای پناه جویان قرار داد». (صالح، ۱۴۱۴، خطبه ۱، ص ۴۵)

در میان اعمال عبادی، تنها حج است که ترک آن موجب می‌شود که مهلت از انسان گرفته شود و مورد عذاب قرار گیرد. امام علی علیه السلام فرمود: «خدا را خدا را درباره خانه پروردگارتان! تا زنده‌اید آن را خالی نگذارید. هر آینه اگر آن را ترک کنید، مهلت داده نمی‌شوید». (همان، نامه ۴۷، ص ۴۲۲)

کسانی که از فیض بزرگ جهاد محروم می‌شوند، با به جا آوردن حج می‌توانند آنچه را از دست داده‌اند، جبران کنند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «وَالْحُجُّ جِهَادٌ كُلِّ ضَعِيفٍ؛ و حج جهاد ضعیفان قرار داده شد» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۳۳۲). احتمال دیگر در این سخن امیرالمومنین این است که اگر مردم، در زمان جهاد، در جبهه حضور یافتند و نتوانستند به حج بروند، جهاد ناتوانان این است که به حج بروند و نگذارند حج و خانه خدا خالی بماند.

حضرت در فرازی دیگر از سخنان خود می‌افزاید: «حج خانه‌اش را بر شما واجب نمود... و از میان خلقتش، شنوایانی را برگزید که دعوت پروردگار را اجابت، و کلام پروردگار را تصدیق کردند و برای آنان دعوتنامه فرستاد و آنان را به میهمانی خود فراخواند و به ابراهیم خلیل و اسماعیل فرمان داد تا خانه را برای میهمانان آماده کنند» (همان).

امیرالمؤمنین در دوران مختلف زندگی خود بارها به زیارت خانه خدا رفت. درباره حج‌ها و عمره‌های آن حضرت بعد از هجرت به مدینه، اخبار و گزارش‌هایی وجود دارد. در سال نهم هجرت، آیات برائت بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و از طرف خدا موظف شد که آیات اول سوره توبه را در ایام حج بر مردم تلاوت کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله برای اجرای این فرمان، ابوبکر را فراخواند و آیات برائت را به او داد و او را مأمور ابلاغ کرد. پس از خروج ابوبکر از مدینه، جبرئیل نازل شد و گفت که خداوند می‌فرماید: «لَنْ يُوَدِّيَ عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ؛ این آیات را کسی از جانب تو ابلاغ نکند، مگر خود تو یا مردی که از تو باشد» (حلی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۳۸؛ امین، ۱۳۰۴، ج ۲، ص ۲۷ و امینی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۴۰). در پی این فرمان، رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام را فراخواند و به او مأموریت داد تا خود را به ابوبکر برساند و آیات برائت را از او بگیرد و در مراسم حج، آن‌ها را ابلاغ کند. آن حضرت در این سفر، اولین حج خود را انجام داد و با حاجیان در مشاعر مشرفه حضور یافت و در فرصت‌های مختلف، پیام برائت را برای مردم تلاوت کرد. ایشان با رسول خدا صلی الله علیه و آله، در حجه الوداع نیز حضور یافت.

یکی دیگر از حج‌های امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان خلیفه دوم بود. در این سفر، حوادثی نقل شده است؛ از جمله اینکه روایت شده است در اولین حجی که عمر بن خطاب، بعد از خلافت خود انجام داد، عده‌ای از مهاجر و انصار با او همراه بودند. در این سفر، امام علی علیه السلام حضور داشت و امام حسن و امام حسین علیهما السلام (و عبدالله بن جعفر، حضرت را همراهی می‌کردند. حاجیان در میقات محرم شدند. لباس احرام عبدالله بن جعفر حوله‌ای نقش دار بود که با گل، سرخ شده بود. عمر بن خطاب گفت: «این چه بدعتی است که در حرم گذاشته‌اید (چرا لباس رنگی پوشیده‌ای؟)». امام علی علیه السلام فرمود: «ای عمر! برای هیچ‌کس شایسته نیست که به ما سنت پیامبر را آموزش دهد؛ [چراکه ما معدن علم و اهل بیت وحی هستیم]». عمر بن خطاب گفت: «یا اباالحسن، راست می‌گویی. به خدا قسم نمی‌دانستم که شما از آنان هستی». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲۱؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۶۷؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۱۵ و سیدهاشم بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۹) درباره تعداد عمره‌های امیرالمؤمنین علیه السلام اطلاع دقیقی در دست نیست. بر اساس شواهد و قرائن می‌توان گفت در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله، بر اساس دیدگاه شیعه، در

دومورد، امیرالمومنین علیه السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله در عمره همراه بود. منابع شیعه و سنی متفق اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از هجرت به مدینه، سه عمره انجام داد. عمره حدیبیه که ناتمام ماند؛ عمره القضا که سال بعد از صلح حدیبیه انجام گرفت و عمره بعد از غزوه حنین و احرام رسول خدا صلی الله علیه و آله از جعرانه. البته در دو مورد اول، امیرمومنان علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بود، ولی در مورد عمره از جعرانه، دلیلی بر حضور حضرت یافت نشده است.

امیرمومنان علیه السلام با انجام عبادت‌ها و نیایش‌های گروهی همچون حج و توصیه آن عبادات به اصحاب خود و عموم مردم، بر این نکته تأکید می‌فرمود که این عبادت‌ها می‌تواند در افزایش پیوندهای اجتماعی، تأثیری تعیین‌کننده داشته باشد؛ به ویژه آنکه حج، ابعاد و سویه‌های جهانی داشته و در آفاقی وسیع، مسلمانان را به حضور در نقطه‌ای واحد فرا می‌خواند و آداب همزیستی و مشارکت جمعی را به آن‌ها می‌آموزد.

عبادت‌های اقتصادی (انفاق، ایثار و احسان) در سیره امام علی علیه السلام

امام علی علیه السلام که پیشوای صدقه‌دهندگان و انفاق‌کنندگان بود، همواره با گفتار و رفتار، اصحاب خویش و عموم مردم را به این سنت حسنه توصیه و تشویق می‌فرمود. در سیره ایشان موارد بسیاری از انفاق، ایثار و احسان آن حضرت وجود دارد که نشان‌دهنده اهمیت آن در زندگی انسان می‌باشد و آثار دنیوی و اخروی بسیاری دارد. این موارد تحت عنوان عبادت‌های اقتصادی حضرت نامیده می‌شود نشانگر آن است که حضرت در تمام مراحل زندگی پربار خویش مشغول عبادت معشوق حقیقی بوده و همواره رضایت پرورگار را در نظر داشته است.

در اندیشه امام علی علیه السلام درباره عبادت‌های اقتصادی - اجتماعی آمده است: «... إِذَا أُسْدِيَتْ إِلَيْكَ يَدُ فَكَافِئْهَا بِمَا يُرِي عَلَيْهَا ...؛ چون به تو احسان کردند، بیشتر از آن ببخش.» (صالح، ۱۴۱۴، حکمت ۶۲، ص ۴۷۹)

آن حضرت در توصیه خود به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: «اجْمَلْ نَفْسَكَ مِنْ أَخِيكَ ... عِنْدَ جُمُودِهِ عَلَى الْبَدْلِ؛ در مقابل برادرت چنان باش که اگر ... بخل ورزد تو بخشنده باش» (دستی، ۱۳۸۸، نامه ۳۱، ص ۵۳۵). ایشان در سخن حکمت‌آمیز دیگری فرمود: «الْأَكْرَمُ أَعْطَفُ مِنَ الرَّحِمِ؛ بخشش، بیش از خویشاوندی، محبت آورد.» (صالح، ۱۴۱۴، حکمت ۲۴۷، ص ۵۱۱)

حضرت، از محروم کردن نیازمندان به هر اندازه که ممکن باشد نهی می‌کند و می‌فرماید: «لَا تَسْتَحِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ - فَإِنَّ الْحِرْمَانَ أَقَلُّ مِنْهُ؛ از بخشش کم حیا مکن، زیرا محروم کردن، از آن هم کمتر است». (فیض الاسلام، ۱۳۷۶، ج ۶، حکمت ۶۴، ص ۱۱۱۶)

یکی از اموری که در سیره امام علی علیه السلام بسیار می‌درخشد و در کنار توحید، نماز و سایر برنامه‌های نخستین ایشان قرار دارد، انفاق با مال است؛ تا آنجا که انفاق حضرت در بسیاری از موارد، به ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خود، می‌رسید.

آن حضرت می‌فرمود: «مرا با پیامبر خدا می‌دیدید که از گرسنگی، سنگ بر شکم می‌بستم و امروز، صدقه‌های [واجب] من، چهل هزار سکه است». (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۹۷، ح ۳۷۸۹ و ذهبی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۶۳۶)

امام باقر علیه السلام در مورد انفاق‌های امیرالمؤمنین این‌گونه می‌فرمود: «عمر، ناحیه یبوع را به اقطاع علی علیه السلام درآورد و ایشان در کنار اقطاع عمر، زمین‌های دیگری خرید و در میان آنها چشمه‌ای کند. کارگران در آن مشغول کار بودند که ناگاه همچون جوشش خون از گردن شتر نحرشده، آب از آن چشمه می‌جوشید. نزد علی علیه السلام آمدند و بشارت دادند. فرمود: «خوشا به حال وارث! آن‌گاه چشمه را برای مستمندان و بینوایان و در راه خدا، برای در راه ماندگان، از خویشاوندان و غیر خویشاوندان، در دوران صلح و یا جنگ، وقف کرد تا ذخیره‌ای باشد برای روزی که در آن، چهره‌هایی درخشان و چهره‌هایی سیاه می‌گردند، بلکه خداوند، مرا از آتش، و آتش را از من باز دارد». (نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۰؛ طبری، ۱۳۵۶، ص ۱۸۳ و طبری، ۱۲۲۴، ج ۳، ص ۲۰۹)

امیرالمؤمنین، با دستانش کار می‌کرد، زمین را شخم می‌زد، آب می‌کشید، نخل می‌کاشت و همه این کارها را خود انجام می‌داد و چیزی از دستاوردش را، کم و یا زیاد، برای خودش و یا بازماندگانش نگذاشت؛ بلکه همه آنها وقف شد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۱۴۷). به یقین، بذل و بخشش و انفاقی که امام علی علیه السلام آن قدر بدان اهتمام داشت، هم سبب آبرو و شخصیت در جامعه انسانی در دنیا می‌شود، و هم از اسباب مهم سرفرازی در آخرت خواهد بود.

در مورد بخشیدن غذای مورد احتیاج خود به فقیر، در سیره امام علی علیه السلام، ماجرای معروفی وجود دارد که آیات قرآنی نیز در شأن آن نازل شد. نذر سه روز روزه گرفتن امام

علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و فضه برای شفای بیماری امام حسن و امام حسین علیهم السلام است. آنها سه روز روزه گرفتند. در آن وقت امام علی علیه السلام که در شدت تهی دستی به سر می برد، سه من جو قرض کرد. حضرت فاطمه علیها السلام آن را آورد نموده و از آن، نان پخت. شب اول هنگام افطار، مسکین به در خانه علی علیه السلام آمد و غذا طلبید و آنها غذای خود را به او دادند و گرسنه ماندند. روز دوم هنگام افطار، یتیمی آمد و تقاضای غذا کرد، آنها غذای خود را به او دادند و گرسنه ماندند. روز سوم نیز هنگام افطار، اسیری گرسنه آمد، آنها غذای خود را به او دادند و آن شب را نیز با گرسنگی شدید به سر آوردند. صبح امام علی علیه السلام دست حسنین علیهم السلام را گرفت و نزد پیامبر آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله دید آنها از شدت گرسنگی می لرزیدند. به خانه فاطمه علیها السلام رفت و ایشان را در محراب عبادت دید. در این هنگام سوره دهر نازل شد که آیات پنجم تا یازدهم این سوره در ستایش انفاق و ایثار خاندان امام علی علیه السلام و این فداکاری های خالصانه است. در این آیات می خوانیم: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»؛ «اینها غذای خود را با اینکه به آن غذا علاقه و نیاز دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می دهند» (دهر: ۸). (واحدی نیشابوری، ۱۳۸۳، ص ۳۳۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۶۹ و فخر رازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۴۳)

آن حضرت، هم در گفتار و هم در متن زندگی و رفتار خود، به سخاوت و بذل و بخشش در راه حق، اهمیت بسیار می داد. آن والا همان مقدار که به تأمین زندگی خانواده خود می اندیشید، برای رفع نیاز نیازمندان و سیرکردن گرسنگان نیز تلاش می کرد و در کنار خود کفایی و فراهم آوردن وسایل رفاهی برای زن و فرزندان خویش، شب و روز برای رفع نیازمندی های تهی دستان جامعه به کار و تولید می اندیشید.

امیرمومنان با کار و تلاش شبانه روزی، باغ های زیادی به وجود می آورد. سپس آنها را می فروخت و پول آن را بین مستمندان تقسیم می کرد. شعبی می گوید: روزی که امام یکی از باغ ها را فروخت و طلا و نقره را روی هم انباشت، مستمندان زیادی را دیدم که اجتماع کرده و حضرت همه طلا و نقره ها را به آنها بخشید و خود دست خالی به منزل بازگشت. البته این نکته را هم باید توجه داشت که امام ضمن بخشش به مستمندان، زندگی زنان و فرزندان خود را نیز تأمین می فرمود. ایشان باغ های منطقه «ینبع» را وقف اهل و عیال خود کرد و به کسی نبخشید تا آنها کاملاً تأمین شده و سر بار جامعه نباشند. (دستی، ۱۳۸۸، نامه ۲۴، ص ۳۵۸)

آن حضرت باغ‌ها و مزارع متعددی را که حاصل دسترنج ایشان بود، وقف کرد. امامان دیگر نیز از این موقوفات سرپرستی نموده و پول به دست آمده از محصول آنها را در راه خدا انفاق می‌کردند. امیرالمؤمنین، باغ‌ها و مزرعه‌هایی به نام‌های: ابی‌نیزر، بُغْبِغَه، اُرَینه، رَعْد، رزین، ریاح و... و چاه‌های قنات آب برای کشاورزی در راه مکه و کوفه و در سرزمین مسجد فتح در مدینه و در نزدیک مرقد حضرت حمزه و در میقات و در بصره و آبادان و... حفر نمود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۴۳)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «امیرالمؤمنین زمین‌ها را آماده کشاورزی می‌کرد و مزرعه‌هایی احداث کرد و از دسترنج خود، هزار برده خرید و آزاد نمود». (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۵۱۴)

امام علی علیه السلام از بیت‌المال مصرف نمی‌کرد، تا آنجا که برای تأمین مخارج مورد نیاز زندگی‌اش، شمشیر و نیز پیراهنش را فروخت؛ به گونه‌ای که تنها یک پیراهن داشت و هنگام غسل، جز همان یک پیراهن را نداشت و صبر می‌کرد تا خشک شود و سپس آن را بپوشد. (حر عاملی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۹)

پس باید به این نکته توجه کرد که انفاق‌های مختلف و کلان امام علی علیه السلام، از بیت‌المال نبود، بلکه بیشتر از اموال خالص خود و از موقوفاتی بود که خود وقف کرده و خود متولی آن بود. بخشی نیز از هدایای دوستان حضرت بود.

یکی از انفاق‌های معروف امام علی علیه السلام، بخشیدن انگشتر در حال رکوع به مستمند است. شیخ صدوق نقل می‌کند: «عده‌ای از مسیحیان خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند. یهودیان حاضر در جلسه پرسیدند: هر پیامبری وصی و جانشینی دارد. اگر شما پیامبر خدایید، وصی و جانشین شما چه کسی است؟ جبرئیل آمد و این آیه را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرد: «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛ کسی که در حال رکوع، صدقه می‌دهد» (مأده: ۵۵). مطلب برای حاضران روشن نبود. از این رو همراه پیامبر برخاستند و وارد مسجد شدند. فقیری را دیدند که از مسجد خارج می‌شود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی به تو کمک نکرد؟ گفت: چرا آن مرد که نماز می‌خواند، وقتی صدای مرا شنید که از مردم کمک می‌خواهم اشاره کرد. به سوی او رفتم و درحالی که در رکوع بود، انگشتری را به من بخشید. رسول خدا صلی الله علیه و آله با شگفتی تکبیر گفت و اصحاب هم تکبیر گفتند. پیامبر صلی الله علیه و آله رو به مسیحیان

و یهودیان کرد و فرمود: «علی علیه السلام که در حال رکوع صدقه می دهد، وصی و جانشین من است». (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۱۴۹)

در مورد کمال از خودگذشتگی امیرالمؤمنین علیه السلام که برگرفته از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، امام صادق علیه السلام می فرماید: «علی علیه السلام از نظر خوراک و روش زندگی، شبیه ترین مردم به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود. خود، نان و روغن می خورد و نان و گوشت را به مردم می خوراند». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۶۵؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۹ و ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۰) درباره علی علیه السلام روایت شده که با داستان خود نخل های طایفه ای از یهودیان مدینه را آب می داد، به گونه ای که دست هایش تاول می زد و مزد آن را صدقه می داد و خود بر شکمش سنگ می بست تا گرسنگی را بیشتر تحمل کند». (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۲ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۱۴۴)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام که پیشوای عدالت پیشگان و احسان کنندگان است، می فرماید: «الْعَدْلُ الْإِنصَافُ، وَالْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ؛ عدالت آن است که بر اساس انصاف، حق مردم به آنها داده شود، ولی احسان آن است که علاوه بر ادای حقوق، بر آنها نیکی کنی» (دشتی، ۱۳۸۸، حکمت ۲۳۱، ص ۴۸۲). آن حضرت علاوه بر اجرای دقیق عدالت، تا آخرین توان خود، در حد ایثار و فداکاری بی نظیر، به نیازمندان و مردم، احسان و مهربانی می ورزید و آسایش خود را فدای سامان دادن به امور مستضعفین و بینویان می کرد.

ابوالطفیل می گوید: «علی علیه السلام را دیدم که با کمال مهربانی، یتیمان را فرامی خواند و نوازش می کرد و به آنها غسل می داد و آنها می خوردند. مصاحبت آن حضرت با آنها به قدری مهربانگیز بود که یکی از حاضران گفت: دوست داشتم من هم یتیم بودم و این گونه مشمول نوازش امام علی علیه السلام قرار می گرفتم». (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۳ - ۷۵)

روزی امیرالمؤمنین علیه السلام از بازار خرمافروشان عبور می کرد. کنیزی را دید که گریه می کند. حضرت از او علت را پرسید و او عرض کرد: مولای من برای خرید خرما مبلغی پول به من داد. به اینجا آمدم و خرما خریدم و نزد مولایم بردم. آن را نپسندید و گفت نامرغوب است، ببر و پس بده. اینک نزد فروشنده آمده ام ولی او حاضر به پس گرفتن نیست. حضرت نزد فروشنده آمد و به او فرمود: «ای بنده خدا! این بانو، کنیز و خدمتکار است و از خود اختیاری ندارد، پولش را بده و خرما را از او بستان». خرمافروش

که آن حضرت را نمی شناخت، دست رد بر سینه حضرت زد. مردمی که در آنجا بودند و حضرت را می شناختند، به فروشنده خرما گفتند: این آقا، علی بن ابی طالب (ع) است. آن مرد با شنیدن این سخن، رنگش پرید و بی درنگ پول کنیز را به او داد و خرمای خود را پس گرفت. سپس دست به دامن حضرت شد و عرض کرد: ای امیرمومنان! از من راضی شو. حضرت فرمود: رضایت من از تو به این است که امور خود را اصلاح کنی و با مردم خوش رفتاری نمایی. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۱۱۲)

از احسان امام علی (ع) به قاتلش، ابن ملجم، اینکه حضرت به فرزندش امام حسن (ع) فرمود: «نسبت به ابن ملجم مهربان باش. او اسیر تو است. به او رحم و احسان کن... ما خاندانی هستیم که روش ما آمیخته با کرم، عفو، مهربانی و شفقت است، سوگند به حقی که برگردنت دارم، از آنچه می خورید و می آشامید، به او نیز بدهید، دست و پایش را زنجیر نکن، اگر از دنیا رفته او را با یک ضربت که به من زده، قصاص کن. او را مثله نکن (اعضای بدنش را جدا نکن) زیرا رسول خدا (ص) فرمود: از مثله پرهیزید حتی نسبت به سگ گزنده. و اگر زنده ماندم، خودم می دانم با او چه کنم. ما از خاندانی هستیم که نسبت به گنهکار، با عفو و گذشت و کرم برخورد می کنیم». (همان، ج ۴۲، ص ۲۸۷)

اینها نمونه هایی از بزرگواری، بزرگ منشی و احسان سرشار امیرمومنان علی (ع) است که قلم و بیان، از توصیف عظمت احسان و ضعیف نوازی و همدردی آن حضرت با دردمندان و بینوایان، عاجز است و عدالت و احسان آن والا، همواره سرمشق و الگوی ما شیفتگان و شیعیان آن حضرت می باشد.

نتیجه گیری

امام علی (ع) پس از پیامبر (ص)، مصداق کامل اسوه حسنه است و پیروی از آن حضرت، موجب هدایت و کمال امت اسلامی و بلکه انسانی است و شیوه آن بنده راستین خداوند، سبب ترقی، رشد و تکامل بشر خواهد بود و به همان نسبت، سرپیچی از روش او، گمراهی و نابودی همیشگی را در پی خواهد داشت. با مطالعه سیره عبادی امیرالمؤمنین (ع) می توان به این نتیجه رسید که نظام عبادی توصیه شده از نظر اهل بیت (ع)، نظامی جامع و متناسب با حیات مادی و معنوی انسان ها است که

تضمین‌کننده نیازها و بسترهای رشد و کمال دنیا و آخرت انسان خواهد بود. در این نظام عبادی، به روابط فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز توجه شده است.

عبادات در سبک زندگی امام علی علیه السلام، به عنوان محدوده‌ای زمانی برای تمرین و تبیین تربیت دینی و دنیایی، بازخوانی مسئولیت‌های فردی و اجتماعی مومنان، توجه به همه ابعاد کمال مادی و معنوی، توجه به پیش‌نیازهای مادی برای حیات معنوی و توجه به پیش‌نیازهای معنوی برای سعادت در حیات مادی است. در سیره عبادی آن حضرت، در کنار توجه به ضرورت‌های تأمین همه نیازهای مادی و معنوی، از هرگونه افراط، تفریط، یک‌جانبه‌گرایی و محدودشدن حیات اجتماعی به واسطه انجام عبادات، پرهیز شده است.

امام علی علیه السلام، تجسم ارزش‌های دینی و اسلامی است. آن حضرت که در اوج عرفان و عبادت و سلوک بود، دغدغه سیاست و اهل زمین را نیز داشت و در کشاکش عرصه‌های سیاسی، ارزش‌های دینی و عبادات را فرو ننهاد. امیرمومنان علیه السلام با انجام عبادت‌ها و نیایش‌های گروهی همچون نمازهای جماعت و جمعه و حج و انفاق به دیگر مسلمانان و توصیه آن عبادات به اصحاب خود و عموم مردم، بر این نکته تأکید می‌فرمود که این عبادت‌ها می‌تواند در تقویت صمیمیت‌ها و افزایش پیوندهای اجتماعی، تأثیری تعیین‌کننده و انکارناپذیر داشته باشد؛ به‌ویژه آنکه برخی از آنها همچون حج، ابعاد و سویه‌های جهانی داشته و در آفاقی وسیع، مسلمانان را به حضور در نقطه‌ای واحد فرا می‌خواند و آداب همزیستی و مشارکت جمعی را به آن‌ها می‌آموزد.

فهرست منابع

قرآن مجید

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۴۰۴ ق، شرح نهج البلاغه، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، ۱۴۰۹ ق، أسد الغابه، بیروت: دار الفکر.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد، ۱۳۷۶، الأمالی، تهران: کتابچی.
۴. _____، ۱۳۸۵، علل الشرایع، قم: کتاب فروشی داوری.
۵. _____، ۱۴۱۳ ق، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، مناقب آل ابی طالب، قم: علامه.
۷. امین، سید محسن، ۱۴۰۳ ق، اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف.
۸. امینی، عبدالحسین، ۱۴۱۲ ق، الغدير، بیروت: دار الكتاب العربی.
۹. بحرانی، سید هاشم، ۱۳۷۴، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه بعثه.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۱. _____، ۱۳۷۶ ش، فصول المهمه، تحقیق: محمد قائینی، قم: معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.
۱۲. حلی، علی بن طاووس، ۱۴۰۰ ق، الطرائف فی معرفه مذاهب الوائف، تصحیح: علی عاشور، قم: خیام.
۱۳. دشتی، محمد، ۱۳۸۸، نهج البلاغه، قم: رسالت یعقوبی.
۱۴. ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۰۹ ق، تاریخ الاسلام، بیروت: دار الكتاب العربی.
۱۵. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، الکشاف، بیروت: دار الكتاب العربی.
۱۶. صالح، صبحی، ۱۴۱۴ ق، نهج البلاغه، قم: هجرت.
۱۷. طبری، محب الدین، ۱۳۵۶ ق، ذخائر العقبی، قاهره: مکتبه القدسی.
۱۸. _____، ۱۴۲۴ ق، الرياض النضره فی مناقب العشره، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۹. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ ق، تاریخ الامم و الملوک، بیروت: دار التراث.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ ق، تهذیب الاحکام، تصحیح: حسن موسوی خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

تاریخ نامه
جامعه

سال اول
شماره اول
۱۴۰۰

اشکال و گونه‌های عبادات جمعی امام علی علیه السلام

۲۱. _____، ۱۴۱۱ ق، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بیروت: فقه الشیعه.
۲۲. فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۳۷۱ ش، التفسیر الکبیر، تهران: اساطیر.
۲۳. فیض الاسلام، علینقی، ۱۳۷۶ ش، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: موسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. نمیری، ابن شبّه، ۱۴۱۰ ق، تاریخ المدینه المنوره، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، قم: دار الفکر.
۲۷. نوری طبرسی، حسین، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۲۸. واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی، ۱۳۸۳ ش، اسباب النزول القرآن، ترجمه: علیرضا ذکاوتی، تهران: نشر نی.

رویکردهای موجود در سیره‌نگاری شیعیان

سیده مهین میرافضلی^۱

چکیده

اهتمام شیعیان در ثبت و ضبط سیره پیامبر ﷺ به عنوان الگو و اهل بیت ، در کنار انگیزه‌های دیگر، سیره‌نگاری را درون جامعه شیعی شکل داد. این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که چه رویکردهایی در سیره‌نگاری شیعیان وجود دارد؟ به نظر می‌رسد زاویه دید هر سیره‌نگار به گزارش‌های مربوط به سیره با توجه به اهداف سیره‌نگاران، رویکردهایی همچون حدیثی، کلامی، تفسیری، فقهی و اخلاقی را به وجود آورد. این پژوهش با مطالعه‌ی تعریف هر علم و تمایز علوم از یکدیگر تعاریف درخور تأمل از رویکردهای موجود در سیره‌نگاری ارائه داده است. نکته قابل توجه در بررسی این رویکردها اینکه بین اهداف و انگیزه‌های سیره‌نگار و رویکردهای به‌وجودآمده، رابطه نزدیکی وجود دارد.

واژگان کلیدی: سیره‌نگاری، سیره‌نگاری شیعیان، رویکرد حدیثی، رویکرد کلامی

۱. دانش‌پژوه سطح چهاررشته تاریخ اهل بیت  جامعه الزهراء  قم.

لزوم شناخت سنت و سیره پیامبر ﷺ به عنوان رهبر دینی، اسوه حسنه و الگوی کامل، بررسی تحولات سیاسی - اجتماعی، فرهنگی - دینی و وقایع تاریخی صدر اسلام و توجه به سیره اهل بیت ﷺ سیره این بزرگواران را مورد توجه عموم مسلمانان به ویژه شیعیان قرار داد. انگیزه‌های دیگری چون جلوگیری از تحریف سیره نبوی، ذکر فضائل اهل بیت ﷺ، اثبات امامت، بیان دیدگاه ائمه در منازعات فقهی - کلامی، توجه به تفسیر آیات قرآن و نیز توجه به آراء اهل بیت ﷺ در احکام فقهی و غیر آن، توجه به سیره‌نگاری و ورود به تدوین آن را در میان شیعیان پررنگ کرد. نکته قابل ملاحظه در مورد تدوین سیره و به وجود آمدن آثار مربوط به سیره، حاکی از این امر می‌باشد که رویکردهای متفاوتی در سیره‌نگاری به وجود آمده است. به این منظور که همه سیره‌نگاران با نگاه واحدی به سیره ننگریسته‌اند، بلکه عده‌ای با نگاه فقه، عده‌ای دیگر از منظر کلام و تعدادی با نگاه حدیثی، گزارشات سیره را مورد توجه قرار دادند و همین امر، رویکردهای متفاوتی را پدیدار نمود. به عنوان نمونه، فقیه و محدث بودن سیره‌نگار، در تدوین نوع سیره‌نگاری او مؤثر بوده و اهداف سیره‌نگار در انتخاب آنچه که باید در راستای مطلوب ذکر کند، رویکرد او را به سیره‌نگاری شکل داده است. به نظر می‌رسد در این موارد، سیره به عنوان ابزاری در دست محدثان، فقیهان، مفسران و علمای علم اخلاق و در خدمت اهداف آنها قرار گرفت. در تحقیق فرارو، تلاش شده است با توجه به تعریف هر علم و ارتباط آن علم با سیره، تعریفی از این رویکردهای متفاوت بر اساس هدف هر علم ارائه شود. پس از تتبع در آثار، اعم از کتب و مقالات، اثر مستقلی در این باره یافت نشد تا به عنوان پیشینه اثر قلمداد گردد. اما می‌توان به دو اثر به عنوان مباحث سیره‌نگاری که به این بحث ارتباط دارد، اشاره کرد. کتاب «تاریخ‌نگاران امامیه و روش‌ها و گونه‌های تاریخی‌نگاری آنها از قرن اول تا هفتم» تألیف منصوره بخشی، که در سه فصل تدوین شده و تاریخ‌نگاران امامیه را مورد بررسی قرار داده است. فصل سوم کتاب، به روش‌ها و گونه‌های تاریخی امامیه اشاره کرده، ولی درباره رویکردها، مطلبی ارائه نداده است. البته برخی مباحث آن همچون آشنایی با سیره‌نگاران، مورد استفاده قرار گرفت.

«تطورشناسی سیره‌نگاری با تکیه بر نقش اصحاب امامان (علیهم‌السلام)» عنوان کتابی است که توسط حسین حسینیان مقدم در سه فصل به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در لابه‌لای مباحث خویش، در مواردی که به معرفی اصحاب سیره‌نگار می‌پردازد، به رویکردهای آنها اشاره می‌کند، اما به نظر می‌رسد بیان این رویکردها بر مبنای واحدی صورت نگرفته است. به عنوان مثال، پژوهنده درباره ابان بن تغلب پس از ذکر روایات: دعوت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از قبائل عرب در منطقه منا به همراه امام علی (علیه‌السلام) و ابوبکر، پیمان برادری رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با امام علی (علیه‌السلام)، شخصیت‌شناسی سلمان فارسی، اعزام امام علی (علیه‌السلام) به سوی قبیله بنی‌سلیم پس از شکست ابوبکر، عمر و عمروعاص، سیره آن حضرت به هنگام خطبه خواندن، ساخت منبر ایشان و ناله درخت خرما، ملقب شدن امام علی (علیه‌السلام) به عنوان امیرالمؤمنین، سفارش پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) درباره امام علی (علیه‌السلام) پس از حجه‌الوداع و وصیت‌های نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به امام در آخرین لحظات عمر، می‌نویسد: به نظر می‌رسد تحریف در سیره نبوی با محوریت حذف فضائل امام علی (علیه‌السلام) در دوران مروانی سبب شد تا ابان، نخستین شیعی صحابی باشد که اقدام به تحریف‌زدایی از سیره را نیاز جامعه شمرد و پیش‌تاز تدوین سیره نبوی بر اساس فضائل امام علی (علیه‌السلام) با رویکرد فقهی حدیثی باشد. (حسینیان مقدم، ۱۳۹۵ص ۵۹)

اگر همان‌طور که نگارنده بیان داشت، هدف آن و اساس تدوین سیره‌نگاری، بیان فضائل امام علی (علیه‌السلام) باشد، همان‌گونه که غالب روایات بیان شده، ذکر فضائل بود، پس رویکرد ابان، کلامی است و نه حدیثی. بله روش ارائه احادیث، اگر بر مبنای ذکر سلسله روایان باشد روش کار، حدیثی است؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود احادیث مربوط به احکام و مسائل فقهی جز در موارد اندک نیست، پس چگونه می‌توان گفت که رویکرد ابان، طبق روایات مطرح شده، فقهی است؟ درست است که از ابان به عنوان فقیهی بزرگ یاد می‌شود، اما هدف از سیره‌نگاری، شاید مهم‌ترین عنصر در شکل‌دهی رویکرد باشد. در بخش دیگر درباره محمدبن ابی‌عمیر می‌نویسد: از اخباری که گذشت نوع نگاه ابن ابی‌عمیر به مسائل و حوادث تاریخی و همچنین شیوه تاریخ‌نگاری او حتی در سیره نبوی مشخص می‌شود. در واقع او تاریخ‌نگاری را مقدمه‌ای برای ورود به مسائل کلامی و فقهی و بیان فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام) قرار داده است و از این رو طبیعی خواهد بود که اهداف

و نوع نگاه وی با مورخان متفاوت باشد. (همان، ص ۹۷)
به نظر می‌رسد نویسنده کتاب در برخی موارد، رویکرد را مساوی با روش و در اینجا با نوع نگاه سیره‌نگار قرار داده که موافق با نظر این مقاله است.
در اینجا ذکر نکته‌ای لازم می‌آید و آن، تفاوت بین رویکرد و روش است. رویکرد به معنای دیدگاه، عقیده و طرز فکر است. به نظر می‌رسد انواع متفاوتی از رویکردها در هر رشته‌ای وجود دارد که ارتباط مستقیم با نوع نگاه و زاویه دید نویسنده دارد. اهداف، انگیزه‌ها و زمینه‌های فکری هر شخص، نوع نگاه او را به مسائل شکل می‌دهد، اما روش، به معنای شیوه و نوع چینش برنامه برای رسیدن به اهداف است.

تمایز علوم

امروزه علوم و دانش‌های فراوانی وجود دارد که هر یک با نام و نشان و مباحث خاصی مطرح است. در اینجا سؤالی مطرح است و آن اینکه تمایز علوم به چیست؟ و چه عواملی باعث می‌شود که حیطة هر علمی از علم دیگر جدا شود و هر کدام به عنوان علم مستقلی مطرح شود؟ برای پاسخ به این سؤالات، پنج احتمال مطرح شده است:

۱. تمایز علوم به موضوعات آنهاست؛ مانند علم پزشکی که موضوع آن بدن انسان است و علم کلام که موضوع آن عقاید انسان است و هر کدام از دیگری جداست.
۲. تمایز علوم به اغراض و اهداف است و چون هر علمی، هدفی را دنبال می‌کند از علم دیگر متمایز می‌گردد.
۳. تمایز علوم به موضوعات مسائل است. به عنوان مثال، موضوع مسائل نحوی، فاعل و مفعول و موضوع مسائل فقهی، نماز و روزه است.
۴. تمایز علوم به محمولات مسائل است. مانند محمولات مسائل نحوی، که مرفوع و منصوب و محمولات مسائل فقه، که واجب و حرام است.
۵. تمایز علوم به مسائل علوم است، یعنی مجموع موضوعات و محمولات است. دانشمندان منطق بر این عقیده هستند که تمایز علوم از یکدیگر، به موضوعات است، ولی آخوند خراسانی و جمعی دیگر بر آن هستند که تمایز علوم، به اهداف آن

است. در میان معاصران، ربانی گلپایگانی بر این عقیده است که تعریف علوم، بر اساس اهداف است.^۱ نکته درخور تأمل این است که هر علمی، موضوع و اهداف و مسائل خاص خود را دارد، اما در تحقیق فرارو، اهداف هر علم، مورد توجه قرار گرفته است.

رویکرد حدیثی

حدیث در لغت به معنای جدید و تازه و مطلق کلام و خبر انسان است، خواه کم یا زیاد باشد. علم حدیث علمی است که توسط آن، اقوال، افعال، احوال و یا تقریر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام شناخته می شود و چون احادیث رسیده از ایشان، شامل گفته های آنها و وسائلی می شود که کلام مزبور را روایت کرده اند، می توان گفت: حدیث، علم به قوانینی است که به وسیله احوال آن، سند و متن حدیث شناخته می شود.^۲ در آغاز، هدف از تدوین حدیث، انگیزه هایی چون استفاده از آن در منازعات عقیدتی - سیاسی بود تا در آن، تاییدی برای عقاید و آرای خود بیابند و یا اینکه پیروی از حدیث در مقابله با حوادث مختلف، و یا صرف اطلاع از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در گردآوری حدیث نقش داشت (سجادی و عالم زاده، ۱۳۷۵، ص ۴۵). اما به نظر می رسد با شکل گیری مشکلاتی همچون جعل احادیث و گسترش احادیث نامعتبر، علم حدیث شکل گرفت تا با بررسی متن، سند و احوالات آن، معتبر از نامعتبر شناخته شود.

در ابتدا، نگارش سیره نبوی با تدوین حدیث پیوند خورد. سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام آن چنان با احادیث و روایات در هم تنیده است که گاهی خواننده، کتاب های حدیثی را منبع سیره نگاری تلقی می کند؛ چنان چه سیره نگاران نخستین، سیره را از منبع حدیثی اخذ کرده اند. تأثیر دیگر حدیث بر شیوه و نحوه نگارش گزارشات مربوط به سیره بر اساس روش روایی است که مخصوص حدیث می باشد. به تدریج، سیره و حدیث از هم جدا شده و از سیره عملی تعبیر به عنوان «سیره» و از سیره گفتاری تعبیر به عنوان «حدیث» شد. (حسینیان مقدم، ۱۳۹۵، ص ۴۸)

بنابر آنچه که پیش تر درباره رویکردها و تمایز علوم از یکدیگر ذکر شد و تعریفی که

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: شرح کفایة الاصول، علی محمدی خراسانی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۶.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: کاظم شانچه چی، درایه الحدیث، ۱۳۸۴.

از علم حدیث بیان گردید شاید بتوان در رویکرد حدیثی به سیره‌نگاری گفت: رویکردی که در آن، از گزارش‌های تاریخی مربوط به سیره برای تحقق هدف علم حدیث استفاده می‌شود. به این منظور که محدث، نگاه حدیثی به گزاره‌های تاریخی دارد و در تدوین سیره، از گزارش‌هایی که مبنا و ملاک در سنجش حدیث معتبر از غیر معتبر و هر آنچه مربوط به آن است، بهره می‌برد.

البته لازم به ذکر است که روشی به‌عنوان روش روایی در تاریخ‌نگاری وجود دارد که در آن، حوادث و اخبار تاریخی با درج سلسله اسناد به‌طور کامل و ناقص آن ذکر می‌شود (عالم‌زاده و نوری، ۱۳۷۵، ص ۵۱)، این روش با رویکرد حدیثی متفاوت است؛ چون ممکن است سیره با رویکرد کلامی تدوین شود ولی روش ارائه احادیث و اخبار روایی و با محوریت ذکر اسناد باشد. بنابراین، رویکرد حدیثی با تعریفی که بیان شد غیر از روش روایی است و روش روایی ممکن است در تمام رویکردها استفاده شود.

اگر تعریفی که از رویکرد حدیثی بیان شد درست باشد، رویکرد حدیثی، بعد از شکل‌گیری علم حدیث به وجود آمد.

رویکرد کلامی

علم کلام به‌عنوان دفاع از عقاید دین‌پیزی شد. علم کلام علمی است که ضمن تبیین عقاید دین، با استفاده از روش‌های مختلف، آنها را اثبات کرده و با پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، ایرادها و شبهات، از آنها دفاع می‌کند. موضوع علم کلام اسلامی، عقاید اسلامی است و هدف آن، اثبات و دفاع از آن عقاید است. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۷)

بعد از رحلت پیامبر ﷺ و ایجاد فضایی که از سوی مخالفان، سعی بر حذف فضائل امام علی علیه السلام، تحریف و جعل احادیث و فضائل‌نگاری برای عده‌ای از صحابیان می‌شد، اصحاب ائمه با هدف مبارزه با تحریفی که سیره پیامبر ﷺ را تهدید می‌کرد، وارد مبحث سیره‌نگاری شدند. مطالعه اخبار امام سجاد علیه السلام نشان می‌دهد که امام برای مبارزه با تحریف در سیره نبوی، در دفاع از هویت خاندان خود مطالبی را بیان فرمود. همچنین عده‌ای از اصحاب ائمه علیهم السلام برای جلوگیری از این تحریف، به فضائل‌نگاری روی آورده

و به ذکر نقش امام علی علیه السلام در سیره نبوی، نقل فضائل آن امام به منظور اثبات امامت حضرت، بیان دیدگاه اهل بیت علیهم السلام در برابر دیدگاه عمومی مسلمانان و پاسخ‌گویی به شبهات و تعارضات فکری و منازعات کلامی - اعتقادی پرداختند.

منازعات کلامی - مذهبی سبب رونق فضائل‌نگاری شد و رویکرد کلامی به سیره‌نگاری را پررنگ‌تر ساخت. بنابراین آنچه بیان شد می‌توان گفت رویکرد کلامی به سیره‌نگاری، رویکردی است که در آن، گزارش‌های سیره برای اثبات عقاید دینی، که هدف علم کلام است، استفاده می‌شود. به تعبیر دیگر، نگاه به گزارش‌های تاریخی از زاویه نگاه علم کلام است.

رویکرد تفسیری

تفسیر، از باب تفعیل، به معنای بیان و کشف است (سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۵۲). در اصطلاح محققان و مفسران، تعاریف متفاوتی برای علم تفسیر شده است. علامه طباطبایی در تعریف علم تفسیر می‌فرماید: تفسیر، بیان معانی آیات قرآن و کشف مقصود و مدلول آیات است (طباطبایی، بی تا، ج ۱، ص ۲). به نظر می‌رسد که علم تفسیر از دو طریق، با سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام ارتباط داشته باشد: یکی از جهت شأن نزول آیات و مواردی که معصومین علیهم السلام، آیات را تفسیر نموده‌اند (عظیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۰) از این جهت که ایشان بزرگ‌ترین و بهترین مفسران قرآن بوده و دیگر از این جهت که زندگی و سیره عملی آنها، تفسیر عملی آیات قرآن بوده است. یکی از مهم‌ترین گرایش‌ها در تفسیر، تفسیر قرآن به سنت است. از تفسیر قرآن به روایت و سنت معصومین علیهم السلام به تفسیر روایی یاد می‌شود چرا که بر اساس روایت متواتر ثقلین، عترت طاهریں علیهم السلام همتای قرآن هستند.

بنابراین آنچه از علم تفسیر بیان شد، رویکرد تفسیری به سیره‌نگاری، رویکردی است که در آن، سیره‌نگاری با هدف علم تفسیر باشد؛ به گونه‌ای که گزارش‌هایی مورد توجه قرار گیرند که بتوان از آنها در راستای تفسیر آیات قرآن استفاده کرد. شاید بتوان در فرق بین تفسیر روایی و رویکرد تفسیری در سیره‌نگاری گفت در تفسیر روایی، موضوع علم تفسیر، آیات قرآن است که در آن از گزارشات تاریخی برای تفسیر آیات استفاده می‌شود

اما در رویکرد تفسیری، موضوع علم، بیان گزارش‌های سیره در جهت تحقق اهداف علم تفسیر است.

رویکرد اخلاقی

اخلاق جمع خُلُق و خُلُق است که به معنی سرشت، عادت، طبیعت و... به کار می‌رود (عظیمی، ۱۳۸۹، ص ۵۶). علم اخلاق، علمی است که با آموزش صفات و ملکات پسندیده و طریقه کسب آنها و نیز بیان راه بد و راه و روش اجتناب از آن‌ها، راه رسیدن به منش خوب را به ما نشان می‌دهد و نیز شیوه صحیح رفتار ما را در ارتباط با خود، دیگران و خداوند، به منظور نیل به سعادت و کمال معرفی می‌کند. (خواص و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۸)

اخلاق، سرگذشتی همچون عبادات، واجبات و محرمات شرعی دارد و همان‌طور که واجبات وضع شده‌اند تا انسان را به کمال برساند، گزاره‌های اخلاقی نیز وضع شده‌اند تا انسان به کمال برسد (مظاهری، ۱۳۹۱، ص ۹۲). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدف از بعثت خویش را کامل شدن مکارم اخلاق بیان فرمود. بنابراین، زندگی آن حضرت و ائمه، نمونه عملی اخلاق اسلامی بوده و به همین خاطر، توجه به الگوبودن این بزرگواران، سیره را در نظر مسلمانان، بسیار برجسته‌تر کرد و این چنین است که بین علم اخلاق و سیره، رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد. الگوبودن سیره معصومین علیهم السلام در کنار توجه به آیات قرآن، منبع اصلی متخلق شدن به اخلاق نیک در راستای رسیدن به کمال انسان است.

علمای اخلاق همواره برای عملیاتی‌شدن هدف علم اخلاق، سیره را مورد توجه قرار داده‌اند. پس اگر اثری تدوین شود که هدف آن همسو با هدف علم اخلاق باشد و نگاهی اخلاقی به سیره لحاظ گردد، رویکرد اخلاقی شکل گرفته است.

رویکرد فقهی

علم فقه یکی از مقدس‌ترین علوم ارزنده اسلامی است که نمایانگر دید وسیع و همه‌جانبه اسلام است. علم فقه، علم به احکام فرعی شریعت از روی منابع و دلایل تفصیلی آن است. هدف علم فقه، استخراج احکام فقهی است که نواحی مختلف زندگی انسان را در بر می‌گیرد. علم فقه، ارتباطی تنگاتنگ با سیره دارد، چرا که یکی

از مصادر آن، سنت و سیره معصومین علیهم‌السلام می‌باشد. فقیهان برای بررسی احکام فقهی، به سیره توجه خاصی داشته و برای رسیدن به احکام شرعی و تدوین این احکام، سیره آن بزرگواران را مورد مطالعه قرار می‌دهند. بنابراین اگر سیره‌نویسی با نگاه فقهی، گزارشات سیره را مورد بررسی قرار دهد، مسلماً به گزارش‌هایی بیشتر توجه می‌کند که بیشتر صبغه فقهی دارد و این نگاه، همان رویکرد فقهی به سیره‌نویسی را شکل می‌دهد. می‌توان گفت رویکرد فقهی به سیره، رویکردی است که در آن، از گزارش‌های سیره برای تحقق علم فقه استفاده می‌شود.

نتیجه‌گیری

علوم بر اساس موضوعات یا اهداف، از همدیگر متمایز می‌گردند و هر کدام، حیطة مخصوص به خود را ساماندهی می‌کند. اما گاهی یک علم، در تحقق اهداف علم دیگر به خدمت گرفته می‌شود. تمرکز بر سیره‌نگاری به عنوان بخشی از علم تاریخ، در راستای تحقق اهداف علوم دیگر و انگیزه و نیات نویسنده قرار گرفته و رویکردهای متفاوتی در سیره‌نگاری به وجود آورده است. اگر سیره‌نگاری با رویکرد فقهی باشد، انتظار می‌رود گزارش‌هایی از سیره مورد توجه قرار گیرد که رنگ و بوی فقهی داشته و درصدد تأمین بیان احکام فقهی باشد. همچنین اگر کلامی باشد، گزارش‌هایی برای تدوین لحاظ می‌گردند که غالباً صبغه کلامی و درصدد تشبیت و اثبات عقاید اسلامی است. رویکردهای دیگر نیز به همین منوال به وجود می‌آیند.

فهرست منابع

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ۱۳۸۹ ش، کفایة الاصول، ترجمه و شرح: علی محمدی خراسانی، قم
۲. ابن منظور، محمد، ۱۴۱۶ ق، لسان العرب، بیروت: دار الاحیاء التراث.
۳. بخشی، منصوره، ۱۳۹۳ ش، تاریخ نگاران امامیه و روش ها و گونه های تاریخی نگاری آنها از قرن اول تا هفتم، قم: جامعه الزهرا (س).
۴. حسینیان مقدم، حسین، ۱۳۹۵، تطورشناسی سیره نگاری با تکیه بر نقش اصحاب امامان علیهم السلام، قم: حوزه و دانشگاه.
۵. _____، ۱۳۹۵، «نقش امام سجاد علیه السلام در تحریف زدایی از سیره نبوی»، پژوهش های تاریخی، ش ۲۹، ص ۵۷-۷۲.
۶. سیوطی جلال الدین، بی تا، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی،
۷. شانه چی، کاظم، ۱۳۸۴ ش، درایه الحدیث، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. صادق سجادی و هادی عالم زاده، ۱۳۷۵ تاریخ نگاری در اسلام، تهران: سمت.
۹. ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۸۶ ش، درآمدی بر کلام جدید، قم: هاجر.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین، بی تا، المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۱۱. عظیمی، امین، ۱۳۸۹ ش، روش ها و گرایش های تفسیری قرآن کریم، قم: انتشارات ذوی القربی.
۱۲. خواص، امیر و دیگران، ۱۳۸۸ ش، فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی، قم: دفتر نشر معارف.
۱۳. مظاهری، حسین، ۱۳۹۱ ش، دانش اخلاق اسلامی، ترجمه: مجید هادی زاده، اصفهان: دفتر تبلیغات اسلامی

تأثیر شیوه‌های مقابله با جنگ روانی بر

امنیت سیاسی با تکیه بر سیره پیامبر ﷺ

نیلوفر ابراهیم‌آبادی^۱

چکیده

در جنگ روانی، شیوه‌های مختلفی برای مقابله با دشمن به کار می‌رود که هر کدام به نوعی، بر امنیت سیاسی تأثیر می‌گذارد. عملیات‌های روانی، اغلب با تحریف حقایق، فکر و روان انسان‌ها را مورد هدف قرار می‌دهد تا بر آنها مسلط شوند. تأثیر این نوع جنگ، در همه مواقع، به صورت عینی قابل مشاهده نیست، اما مهم‌ترین آثار آن را می‌توان بر کاهش عزت نفس، سستی عزم و اراده، فروکاستن مقاومت و دفاع مردم از آرمان‌های ملی و در نهایت، فروپاشی نظام سیاسی - امنیتی یک کشور مشاهده کرد. این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی، به دنبال کشف تأثیر جنگ روانی بر امنیت سیاسی در سیره نبی اعظم ﷺ است. یافته‌ها حاکی است: با توجه به اهمیت بعد روحی انسان در شریعت اسلامی، جنگ روانی، در چهارچوب ارزش‌ها و کرامات انسانی، مشروع است و پیامبر ﷺ برای مقابله با جنگ روانی و ایجاد امنیت سیاسی، از شیوه‌های مختلف گفتاری و عملیاتی استفاده می‌کردند. عملیات روشنگرانه، استفاده از ظرفیت‌های گروه مرجع و امر به معروف و نهی از منکر، از جمله شیوه‌های گفتاری حضرت است. همچنین اعتمادسازی در بین مردم، گسترش عدل در جامعه و جلوگیری از حضور عناصر سست در میان مسلمانان نیز از روش‌های عملیاتی حضرت برای ایجاد امنیت سیاسی است. واژگان کلیدی: شیوه، مقابله، جنگ روانی، پیامبر ﷺ، امنیت سیاسی.

۱. طلبه سطح سه رشته تاریخ اسلام، مؤسسه عالی ریحانة النبى ﷺ، اراک.

تاریخ نامہ جلد

سال اول
شماره اول
۱۴۰۰



مقدمه

جنگ روانی، مبارزه با افکار، عقاید و باورهای افراد جامعه به طور غیر مستقیم است که در مقابل جنگ سخت قرار دارد. از صدر اسلام تا کنون، دشمنان اسلام، اقدامات آشکار و پنهانی را برای ازمیان برداشتن حکومت اسلامی و القای فرهنگ خود انجام داده‌اند تا بدین وسیله، ارزش‌های دینی، شهامت، دین‌خواهی و امنیت جامعه اسلامی را به نابودی کشانند. امنیت، یکی از مهم‌ترین و بدیهی‌ترین نیازهای بشر است که وجود آن برای حکومت‌های مستقل، ضروری است. امنیت دارای انواع مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، فردی و سیاسی است که در میان آنها، امنیت سیاسی از اهمیت خاصی برخوردار است، به طوری که هرگاه در جامعه‌ای، امنیت سیاسی وجود داشته باشد، در آن صورت، هرگونه فعالیت فردی و اجتماعی انجام خواهد گرفت و تعالی در آن جامعه نمایان می‌شود. در جنگ‌های روانی، نتیجه کار، به شیوه‌های مبارزه در آنها بستگی دارد. حال این سوال پیش می‌آید که پیامبر ﷺ برای ایجاد امنیت سیاسی در جامعه، چگونه با جنگ روانی دشمن مقابله می‌کردند؟ جنگ روانی، یکی از پرکاربردترین ابزار دشمن علیه اسلام است. شناخت عوامل و ابزارهای این جنگ، به مسلمانان کمک می‌کند تا در راستای اهداف دشمن قدم برندارند. با توجه با الگو قرار گرفتن پیامبر ﷺ از جانب خداوند متعال برای زندگی بشر، آگاهی یافتن از شیوه‌های رفتاری حضرت در عرصه‌های مختلف زندگی از جمله سیاسی، به رشد و سعادت انسان کمک می‌کند و سبب حفظ هرچه بهتر و بیشتر امنیت سیاسی در جوامع اسلامی و آماده‌سازی آن برای ظهور منجی عالم، حضرت مهدی ﷺ می‌شود و بی‌توجهی به اقدامات دشمن و ناآشنا بودن با شیوه‌های مقابله با آنان، راه را برای ناامن شدن جامعه، هموار خواهد کرد.

در این نوشتار، جنگ روانی و شیوه‌های مبارزه با آن، در تاریخ اسلام و سیره نبوی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ بدین صورت که پس از بیان موضوع جنگ روانی در اسلام، روش‌های گفتاری و عملیاتی مبارزه با جنگ روانی، با تکیه بر سیره پیامبر ﷺ بیان می‌شود.

تاریخچه جنگ روانی را می‌توان به سال‌ها پیش و تمدن‌های اولیه انسان بازگرداند. زمانی که در جنگ‌ها و مبارزه قبایل و افراد با یکدیگر، علاوه بر مقابله فیزیکی و بدنی، از

حرکات و نمودهای خاصی نیز برای ترساندن حریف استفاده می‌کردند. در واقع می‌توان گفت کمتر جنگی است که در آن، از عملیات روانی استفاده نشده باشد. عملیات روانی در صدر اسلام، ابتدا از سوی دشمنان پیامبر ﷺ و قرآن، در ابعاد گوناگون به ویژه در طول سیزده سال حضور آن حضرت در مکه و در پوشش تهاجمی همه جانبه برای نفی دعوت پیامبر ﷺ و خاموش کردن ندای حق طلبی و عدالت خواهی ایشان به کار گرفته شد. در مقابل این حملات و برای خنثی سازی اقدامات آنان، پیامبر ﷺ نیز شیوه‌هایی را به کار گرفتند.

در آثاری همچون مقاله «بازشناسی الگوهای جنگ روانی در نبردهای پیامبر اسلام» نوشته عبدالله متولی و محسن بهرام‌نژاد؛ مقاله «جنگ روانی یهود علیه پیامبر ﷺ» نگارش مریم آقایی بجستانی و نعیمه موحدی و نیز مقاله «شیوه پیامبر ﷺ در مدیریت روانی جامعه اسلامی» به قلم سید حسین علیانسیب، به بیان شیوه‌های مقابله با جنگ روانی در سیره پیامبر ﷺ پرداخته شده است؛ ولی در پژوهش حاضر، تأثیر این شیوه‌ها بر ایجاد امنیت سیاسی تحلیل شده است.

مفهوم شناسی

۱.۱. امنیت سیاسی در اسلام

امنیت از منظر قرآن مفهوم گسترده‌ای دارد و تمام ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فردی و جمعی زندگی انسان را در بر می‌گیرد. امنیت را می‌توان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انبیای الهی دانست. پیامبر اکرم ﷺ امنیت سیاسی را یکی از ملزومات حکومت اسلامی دانسته و همواره برای آن تلاش می‌کردند. امنیت سیاسی افراد، ارتباط وثیقی با امنیت روانی دارد؛ بدین صورت که اگر عوامل عزت‌آفرین، روحیه بخش و افزایش تقوا در جامعه شناخته شود و افراد جامعه با عمل به آنها، به کمالی دست یابند که انجام گناه را حتی در خلوت خود ترک کنند، در این صورت این افراد دیگر نمی‌توانند عامل تهدیدکننده‌ای برای امنیت سیاسی جامعه باشند و به هنجارها احترام می‌گذارند و ارزش مدار زندگی می‌کنند. (شمولی،

۱۳۹۴، ص ۱۶۱)

جنگ روانی در اسلام

تشخیص حق از باطل، کار دشواری است و نیاز به بصیرت و فهم عمیق دارد؛ زیرا در هر زمان، افرادی وجود دارند که برای رسیدن به اهداف باطل خود بدعت‌هایی را پایه‌گذاری می‌کنند که شبیه حق است (شهریاری، ۱۳۹۳، ص ۱۷۷). عملیات‌های روانی، بیشتر اوقات با تحریف حقایق و جابجا کردن هنجارها، روح و روان انسان‌ها را مورد هدف قرار می‌دهند تا در نهایت، بر دیگران تأثیر بگذارند و مسلط شوند. این مسئله، تنها به زمان جنگ اختصاص ندارد و شامل زمان صلح هم می‌شود (جمشیدی، ۱۳۸۳، ص ۴ - ۷). با توجه به اهمیت بعد روحی انسان در شریعت اسلامی، جنگ روانی در اسلام، در چهارچوب ارزش‌ها و کرامات انسانی، مشروع است و جنگ روانی در اسلام با آنچه نزد کفار است، به دلیل مسائل اعتقادی، تفاوت جوهری دارد. در آیات متعددی از قرآن کریم، به جنگ روانی اشاره و در برخی از آنها، به روحیه‌دهی مسلمانان و برخی دیگر به تحت تأثیر قراردادن روحیه دشمن پرداخته شده است (نوروزی، ۱۳۷۲، ص ۵۹ - ۶۲). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول دوران دعوت خود همواره معارض خستگی‌ناپذیر فرهنگ شرک و خنثی‌گر تبلیغات سوء دشمنان بود که گاه این تعارض‌ها به شکل جنگ روانی صورت می‌گرفت و سیاست‌های خاصی را با توجه به شرایط موجود به کار می‌بستند. بنیان اصلی سیاست‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، قرآن کریم است. (راهبریان یزدی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۷)

۲.۱. ابزارهای جنگ روانی

انتخاب ابزار مناسب برای هر مسئله، از مهم‌ترین مباحثی است که به عوامل متعدد و ارتباط آنها با یکدیگر بستگی دارد. از جمله مواردی که در انتخاب ابزار باید مد نظر باشد عبارتند از:

۱. توانایی شنونده برای دریافت و درک مطالب
۲. ذوق‌ها، عادات و رسوم جوامع مخاطب
۳. فرصت تعیین شده برای به انجام رساندن وظیفه
۴. تسهیلات ضروری. (نصر، ۱۳۸۰، ص ۲۵۲)

دشمن، در جنگ روانی تلاش می‌کند تا بر روی افکار، احساسات و عقاید افراد جامعه به ویژه افراد بی طرف تأثیر بگذارد؛ بنابراین کارشناسانی را در این زمینه به کار می‌گیرد تا عقاید، سلیقه‌ها، شرایط ذهنی و فکری حاکم بر مخاطبان و واکنش‌های احتمالی آنان را مورد مطالعه دقیق قرار دهد. بدین صورت، روش مناسب برای تأثیرگذاری، شناسایی می‌شود. پیروزی و شکست در این جنگ روانی، به نوع ابزار انتخابی، بستگی دارد. (نوروزی، ۱۳۷۲، ص ۶۴)

در جنگ روانی، متناسب با امکانات و وسایل متعارف آن زمان، از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند (بیزدانی، ۱۳۸۱، ص ۳۷). از جمله پرکاربردترین ابزارهای جنگ روانی می‌توان از انتشار شایعه، رجزخوانی، تظاهر به قدرت، نامه پراکنی، مبارزطلبی، (آل سیدغفور، ۱۳۹۹، ص ۴۴-۴۵) تشجیع، روشننگری، ارباب، سکوت و تحریک (بیزدانی، ۱۳۸۱، ص ۳۷) نام برد.

۲.۲. پیامدهای جنگ روانی در جامعه اسلامی

با توجه به اقتضائات زمانه و افزایش آگاهی مردم، دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که از طریق جنگ سخت نمی‌توان موفقیت‌های مورد نظر را کسب کرد. بنابراین سعی می‌کنند با تمرکز بر مسائل فکری، عقیدتی، فرهنگی و سیاسی و در واقع، با گشودن جبهه جنگ روانی، به اهداف خود دست یابند.

جنگ روانی، مؤثرترین، کم هزینه‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین نوع جنگ علیه اقتصاد، فرهنگ، سیاست و امنیت یک کشور است. در جنگ روانی، کشورهای مستکبر برای جذب، تأثیرگذاری و تبعیت دیگر کشورها، اقداماتی انجام می‌دهند. در حقیقت، مقدمه‌ای برای فروپاشی نظام سیاسی - امنیتی و ساختارهای آن کشور فراهم می‌کنند تا به مقاصد سیاست جهانی نائل شوند. تأثیرات این نوع جنگ، در همه مواقع به صورت عینی قابل مشاهده نیست اما مهم‌ترین آثار آن را می‌توان بر عزت نفس، عزم، اراده، مقاومت و دفاع مردم از آرمان‌های ملی در یک کشور مشاهده کرد. (شمولی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۱)

شیوه‌های گفتاری مقابله با جنگ روانی در ایجاد امنیت سیاسی باتکیه بر سیره پیامبر ﷺ

با توجه به حائز اهمیت بودن حفظ حکومت نوپای اسلامی، پیامبر اکرم ﷺ برای مقابله با جنگ‌های روانی زمان خود، در موقعیت‌های مختلف، مؤثرترین شیوه را به

کار می‌گرفتند که شیوه‌های گفتاری، از جمله آنهاست. سیره پیامبر ﷺ در انتخاب شیوه گفتاری به‌گونه‌ای بوده که بیشترین تأثیر در حفظ امنیت سیاسی حکومت اسلامی را داشته باشد. از جمله مهم‌ترین این شیوه‌ها، می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱.۳. عملیات روشنگرانه

حکومت‌های باطل، اهداف خود را بر پایه جهل و ضعف فکری مردم برنامه‌ریزی می‌کنند و ناآگاهان، بهترین وسیله برای رسیدن به اهدافشان هستند. آنها با القای شبهه علیه باورها و ارزش‌های جامعه، اقدام به فروپاشی حکومت‌های اسلامی می‌کنند. (علیانسب، ۱۳۹۴، ص ۶۶)

یکی از تکنیک‌های گفتاری مقابله با جنگ روانی، روشنگری است. در این تکنیک، وظیفه اصلی، شناساندن حقایق و اهداف به مخاطب است. هنگامی که آگاهی و بینش مخاطب افزایش یابد، تهاجمات و شایعات را تشخیص می‌دهد (خاکپور، ۱۳۹۵، ص ۳۲). در واقع، نقشه‌های دشمن برای او روشن می‌شود و در برابر تهدیدات خارجی و داخلی، آگاهانه رفتار می‌کند. بدین صورت، لطمه‌ای به امنیت سیاسی کشور وارد نمی‌شود.

قرآن کریم در آیه ۵۳ سوره توبه، در راستای آگاهی و روشنگری، به افرادی اشاره می‌کند که با انفاق اموال خود به جبهه‌ها، در جنگ‌ها حضور نیافتند و آنها را فاسق می‌خواند. قرآن به آنان آگاهی می‌بخشد که انفاقشان پذیرفته نیست و به وظیفه خود عمل نکرده‌اند. (علیانسب، ۱۳۹۴، ص ۶۶)

سیره سیاسی پیامبر ﷺ نشان می‌دهد که حکومت اسلامی، بر اصول و قواعد اسلامی مبتنی است و به دنبال اهداف شخصی حاکمان نیست. به همین منظور، با تبیین واقعیت‌های پشت پرده، از هرگونه تردیدی جلوگیری می‌کند و آگاهی و بینش مردم را افزایش می‌دهد؛ زیرا پشتوانه مردم، از سرمایه‌های مهم حکومت اسلامی است. پیامبر اکرم ﷺ در مواقعی که بی‌اطلاعی مردم موجب تردید و دل‌سردی آنها می‌شد، بی‌توجه نمی‌ماندند و واقعیت‌های پنهان را برای مردم، بیان و روشنگری می‌کردند. (همان، ص ۶۷) غزوه حنین در ماه شوال سال هشتم هجری اتفاق افتاد و در جریان آن، مسلمانان، غنایم زیادی به دست آوردند که به دستور پیامبر ﷺ آنها را میان قریش و قبایل اعراب

تقسیم کردند و همین امر موجب اعتراض برخی از انصار گردید. سعد بن عباد، دلخوری انصار را برای پیامبر ﷺ نقل کرد. حضرت دستور دادند تا قبيله خود را جمع کند و سپس حضرت در میان مردم فرمودند: مگر شما گمراه نبودید که خداوند به واسطه من، شما را هدایت کرد و مگر شما با خود دشمن نبودید که خدا به واسطه من، در میان شما محبت سرازیر کرد. اکنون در دل‌های خود نسبت به من شک و تردیدی احساس نموده‌اید که به عده‌ای، مال پست دنیا را به سبب دلجویی و الفت قلب‌های آنان به اسلام بخشیده‌ام تا شاید مسلمان شوند، ولی شما را بی‌نیاز از آن اموال دانستم و به شما ایمان و خود را عطا کردم. آیا شما راضی نیستید که مردم، گوسفند و شتر ببرند و شما با پیغمبر خود به شهر و دیار خود بازگردید؟ بعد از سخنان حضرت، انصار گریستند و گفتند: ما راضی هستیم که پیامبر خدا ﷺ نصیب ما باشد. (جزی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۶۲ - ۳۶۴)

۳.۲. استفاده از ظرفیت گروه‌های مرجع

گروه مرجع، گروهی است که شخص، آن را معیار مقایسه، داوری و تصمیم‌گیری برای رفتار و عقاید خود قرار می‌دهد. انسان‌ها، تصمیمات سرنوشت‌ساز خود را با ارزش‌ها و شاخص‌های گروه‌های مرجع هماهنگ می‌کنند. افکار نخبگان و گروه‌های مرجع، سریع‌تر از افکار عمومی جامعه شکل می‌گیرد و همین امر موجب می‌شود که نهادهای سیاسی، بیش از هر چیزی، به شکل‌گیری افکار این گروه‌ها اهمیت بدهند (میرسندسی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۵). بدین صورت، دولت‌ها ارزش‌های خود را از طریق گروه‌های مرجع به مردم القا می‌کنند، آنها را با اهداف خود هماهنگ می‌سازند و طی یک جنگ روانی، امنیت سیاسی یک کشور را تضعیف می‌نمایند. پیامبر اکرم ﷺ در راستای وظایف الهی خود، پیوسته از ظرفیت گروه‌های مرجع بهره می‌بردند و تا آنجاکه امکان داشت از تحریک و مقابله با آنها پرهیز می‌کردند. از مهم‌ترین گروه‌های مرجع صدر اسلام، رؤسای قبایل بودند که جایگاه ویژه‌ای در میان قبيله خود داشتند (علیانسب، ۱۳۹۴، ص ۶۸) و بر قبيله خود تأثیرگذار بودند.

در سال هشتم هجری، پیامبر اکرم ﷺ، در جریان فتح مکه، از این شیوه برای جذب مردم به اسلام، بدون جنگ و درگیری استفاده کردند. پس از آنکه ابوسفیان مسلمان شد،

پیامبر ﷺ دستور دادند به اهالی مکه و قریش بگویند هرکس می‌خواهد از مسلمانان در امان بماند، به مسجد الحرام یا خانه ابوسفیان وارد شود و یا در خانه خود بماند. بدین‌گونه عده‌ای از مردم به خانه ابوسفیان پناه بردند (حمیری معافری، ج ۲، ص ۴۰۴). با توجه به جایگاهی که ابوسفیان در میان مشرکین داشت، مسلمان شدن و همراهی او با پیامبر ﷺ تأثیر بسزایی در تصمیمات مردم مکه و در نهایت، حفظ امنیت سیاسی مسلمانان و فتح مکه داشت.

تاریخ نامه
جامعه

سال اول
شماره اول
۱۴۰۰

امنیت سیاسی با تکیه بر سیره پیامبر ﷺ

۳.۳. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، برای از بین بردن طغیانگری، تشریح شده است. جامعه‌ای که به سنت امر به معروف و نهی از منکر عمل نماید، جامعه ظلم‌ستیز و امن خواهد بود. از آن سو، جامعه‌ای که در برابر افراد و گروه‌های خویش احساس مسئولیت نکند، آرام آرام به سوی ناامنی به پیش خواهد رفت (صداقت، ۱۳۸۵، ص ۱۰). امر به معروف و نهی از منکر، از جمله آموزه‌های دینی و اعتقادی مسلمانان است که بیشترین ارتباط را با رفتار سیاسی برقرار می‌کند. این دو اصل، چه در قالب مبارزاتی، مبارزه منفی یا مبارزه مثبت با مظاهر فساد و منکر، با سیاست و رفتار سیاسی پیوند برقرار می‌کند. این دو اصل، توانایی پرورش اندیشه اصلاحی و اسباب ظهور مسلمان اجتماعی را در جوامع مسلمان دارا است و می‌تواند حضور مستمر و کنش سیاسی مداوم فعالان سیاسی مسلمان را تضمین کند و در واقع، ابزاری در دست مردم برای اصلاح حاکمان و ابزاری در حاکمان برای هدایت جامعه است. (خرمشاد، بی‌تا، ص ۳۳)

سیره پیامبر ﷺ در اجرای امر به معروف و نهی از منکر به‌گونه‌ای بوده است که بتواند به‌عنوان حاکم دولت اسلامی و پیامبر، بر همگان رحمت باشد و از هرج و مرج‌ها جلوگیری کند. این وظیفه مهم به صورت کامل، آن‌گاه میسر است که مراحل اجرای آن رعایت شود. در این صورت است که امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند در مقابل بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی بایستد و امنیت را در جامعه ایجاد کند.

یک بار، مردی صحرانشین از پیامبر ﷺ تقاضای کمک کرد و چون کمک پیامبر ﷺ

در نظر آن مرد، ناچیز و اندک جلوه کرده بود، به حضرت، اهانت کرد. در پی این ماجرا، اصحاب به خشم آمدند و نزدیک بود به او آسیبی برسانند. ولی رسول اکرم ﷺ آن مرد را به خانه برد و بار دیگر به او کمک کرد. همچنین این کار را کرد تا مرد صحرانشین، وضع زندگی آن حضرت را از نزدیک ببیند. وی پس از آنکه وضع پیامبر ﷺ را تماشا کرد و دانست که به شاهان شباهت ندارد و سیم و زری نیندوخته است، به دلیل اهانتش، از پیامبر ﷺ عذرخواهی کرد؛ ولی پیامبر ﷺ به او امر فرمود تا عذرخواهی را در حضور اصحاب تکرار کند تا کینه‌ای که اصحابش نسبت به او داشتند برطرف شود. پیامبر ﷺ با این کار، او را رام و وادار به عذرخواهی کرد و با ایجاد محبت در دلش، وی را از جمله مشتاقان دین ساخت. همچنین به اصحابش فهماند که همواره مدارا و بردباری، بیش از خشونت، کاربرد تربیتی دارد؛ چنان‌که درباره همان شخص به اصحابش خطاب فرمود: داستان این مرد، شبیه داستان مردی است که شترش رمیده بود و مردم به قصد کمک، به دنبال شتر می‌دویدند و شتر، بیشتر می‌رمید. صاحب شتر به مردم گفت: به شترم کاری نداشته باشید من می‌دانم چگونه رامش کنم. آنگاه مقداری علف به دست گرفت و آرام به طرف شتر رفت و او را نوازش کرد و مهارش را گرفت و با خود آورد. پیامبر ﷺ فرمود: اگر من نیز شما را در برابر اهانت و گفته آن مرد رها می‌کردم، او را می‌کشتید و با این حال، داخل در آتش می‌شد. اما با او مدارا کردم و از آتش نجات یافت و به دین گروید و عاقبت نیکو یافت و در نهایت، از تربیت شدگان مکتب حیات بخش به حساب آمد. (صداقت، ۱۳۸۵، ص ۲۲)

شیوه‌های عملیاتی مقابله با جنگ روانی در ایجاد امنیت سیاسی با تکیه بر

سیره پیامبر ﷺ

در مدیریت جنگ روانی، علاوه بر شیوه‌های گفتاری، شیوه‌های عملیاتی نیز کاربرد دارد. پیامبر ﷺ همزمان با بهره‌گیری از روش‌های نرم و گفتاری، به انگیزه‌پویایی بیشتر در سپاهیان خودی، شیوه‌های عملیاتی نیز به کار می‌بردند که مکمل بر شیوه‌های گفتاری بود (متولی، ۱۳۹۳، ص ۹۹). مهم‌ترین شیوه‌های گفتاری عبارتند از:

۴.۱. اعتمادسازی در بین مردم جامعه

اساس حکومت‌های فاسد و غیر مردمی را بدبینی، بی‌اعتمادی و سوءظن تشکیل می‌دهد. حاکم و زمامداران در چنین نظام‌هایی، خود را تافته جدا بافته از مردم می‌دانند. متقابلاً نیز مردم هیچ اعتمادی به اعمال دولتمردان ندارند و هریک مسیر جداگانه‌ای طی می‌کنند. در مقابل، حکومت‌های اسلامی، بر پایه حسن ظن و اعتماد متقابل بین مردم و حاکمان، پی‌ریزی می‌شود. حاکم، مردم را دوست و همکار خود دانسته و قدرت خود را از مردم می‌داند. همچنین مردم، حاکمان را امین و خدمتگزار خود می‌دانند. (هاشمیان فرد، ۱۳۹۳، ص ۷۲)

بی‌تردید رسول اکرم ﷺ از مراتب اعتماد بالایی در بین مردم برخوردار بود و در سیره حکومتی خویش، شیوه‌ها و روش‌های مختلفی برای اعتمادسازی در پیش می‌گرفت (نکونام، ۱۳۹۰، ص ۷۴). از جمله مهم‌ترین روش حضرت، مشورت بود، زیرا «هیچ پشتیبانی، استوارتر از مشورت نیست». (نهج البلاغه، حکمت ۱۳)

جنگ احد، یک سال پس از جنگ بدر، در روز هفتم شوال سال سوم هجری به وقوع پیوست. قریش، سپاه بزرگی متشکل از سه هزار مرد جنگی تدارک دید و به سوی مکه حرکت کرد. عباس، عموی پیامبر ﷺ، این خبر را قبلاً به اطلاع آن حضرت رساند و عده‌ای از مسلمانان از شنیدن آن نگران شدند. پیامبر ﷺ در انجمن بزرگی که دلیرمردان ارتش اسلام حضور داشتند، بانداى «اشيروا علی» از یاران خود نظرخواهی کرد. عبدالله بن ابی، که سرکرده منافقان بود، نظریه دفاع در شهر مدینه را پیشنهاد داد. وی در تبیین نظریه خود بیان داشت: از این شیوه استفاده می‌کردیم. زن‌ها از بالای پشت بام به ما کمک می‌کردند و مردان، رو در رو می‌جنگیدند. به همین لحاظ، شهر «یثرب» تاکنون محفوظ مانده و دشمن بر آن مسلط نشده است. سالخوردگان، از مهاجر و انصار نیز این نظریه را تأیید کردند. البته بنا بر برخی نقل‌های تاریخی، نظر پیامبر اعظم ﷺ نیز با آنان موافق بود؛ زیرا ایشان رؤیایی را در خواب دیده بودند که از مدینه خارج نشوند؛ اما پیروزی مسلمانان در جنگ بدر باعث غرور آنها شد و جوانان، که در جنگ بدر حضور نداشتند، می‌خواستند در این جنگ، توان خود را به نمایش بگذارند. از این رو، با این پیشنهاد، به شدت مخالفت کردند و گفتند: «این‌گونه دفاع، باعث جرأت دشمن می‌شود و افتخار بزرگی که در جنگ

بدر نصیب مسلمانان شد، از دست می‌رود». پیامبر اعظم ﷺ به رغم میل باطنی و اعتقاد به صحت تاکتیک دفاعی در مدینه، رأی آنان را پذیرفت. (رک: یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۴۰۶)

۴.۲. گسترش عدل در بستر جامعه

در حوزه سیاست و مباحث مرتبط با امنیت، نمی‌توان از تعامل موضوع عدالت با امنیت غافل شد و این نکته، در بیان بسیاری از ائمه معصومین علیهم‌السلام آمده است. پس اگر زمامداران، عادل باشند، قلب‌ها به سوی آنان جذب می‌گردد و این خود، تضمین‌کننده استحکام ارکان دولت و پیوند آن با ملت است. عدل محوری نظام سیاسی باعث می‌شود که مردم برای رسیدن به آرمان‌ها و خواست‌های خود، راه‌های منطقی را انتخاب و طی کنند و در غیر این صورت، یأس از عدالت، انسان‌ها را به نیرنگ، سوء استفاده، خلافکاری و ازهم‌پاشیدگی اجتماعی می‌کشاند که خواه ناخواه نتیجه آن، تزلزل در امنیت و ثبات سیاسی نظام حاکم و دولت خواهد بود. اما مهم‌ترین و فراگیرترین اثر عدالت، سازندگی و اصلاح جامعه است؛ چرا که مخالفت‌ها را از بین می‌برد و اجرای عدالت، سبب انتظام امور مردم و جامعه می‌شود و دوستی و محبت ایجاد می‌کند. در روایات، استبداد، تغلب و خودکامگی، منشأ ناامنی، بروز اغتشاشات، بی‌ثباتی سیاسی اجتماعی و ازهم‌پاشیدن حکومت به شمار آمده است.

بر این اساس، در روایات، نسبت به استبداد و رزی، نهی شدید و همچنین در مورد رعایت عدالت در حقوق متقابل مردم و حکومت، تأکید فراوانی شده است. اگر عدالت، متعامل با امنیت است، بدیهی است که ظلم نیز مقارن با ناامنی و بی‌ثباتی است.

در سراسر زندگانی سیاسی - اجتماعی پیامبر ﷺ، مقوله عدالت، به عنوان بزرگ‌ترین مصلحت اجتماعی مد نظر بود و آن حضرت، همه افراد بشر، از هر گروه و نژادی را به دید انسان می‌نگریست. در منطق پیامبر ﷺ، ظلم و بی‌عدالتی نسبت به هر کسی، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، مذموم بود. برای اولین بار، شعار مساوات و برابری همه انسان‌ها، توسط آن حضرت مطرح شد. این شعار، در محیطی سر داده شد که سردمداران آن همچون ابوسفیان، ابوجهل و... خود را تافته‌ای جدا بافته می‌دانسته و برای خود شأنی

فراتر از دیگران قائل بودند. (اخوان کاظمی، بی تا، ص ۵۰)

هدف پیامبر از ایجاد عقد اخوت دینی میان مسلمانان، توسعه بینش برادری و برابری اسلامی بود؛ به ویژه که سعی کرد در اخوت، حریم های برتری طلبی و اشرافیت خواهی را بشکند. از این رو، میان برده و اسیر و سیاه حبشی و سید قریشی رابطه اخوت برقرار نمود؛ چنان که میان زید بن حارثه و حمزه بن ابی طالب ایجاد کرد. عظمت اسلام از همین جا آغاز می شود که در مدت کوتاهی پس از بعثت پیامبر ﷺ، تعلیمات ایشان چنان بر قلوب اشراف عرب وحشت انداخت که راهی جز مبارزه و براندازی آن ندیدند. تعالیمی که ابو عبیده جراح را با سالم مولی ابی حذیفه در یک ردیف قرار داد و نیز عبیده بن حارث و بلال حبشی را در یک ردیف. این نشانه ای آشکار بود از فروریختن دیوارهای بلند عجب و غرور و هموار و یکسان شدن آنها و نویدی بود بر ایجاد جامعه ای واحد و عدالت جو. اشرافیت مکه بیش از هر چیز، از این مسئله وحشت داشت و به آن اعتراض می کرد، ولی جامعه اسلامی و رهبر الهی اش، (پیامبر) به آن مباهات می کرد. (بهرامی، بی تا، ص ۲۷)

۴.۳. جلوگیری از حضور سست عنصران در صف مسلمانان

یکی از عوامل شکست جبهه توحید در شرایط سخت، وجود عناصر سست است که با انگیزه ها و اغراض مادی و سطحی، در صف مسلمانان قرار می گیرند. این افراد، که بیشترشان ایمانی ضعیف دارند، در برابر مشکلات، مقاومت روحی بالایی ندارند و تحت تأثیر تبلیغات و جنگ روانی دشمن قرار می گیرند؛ به همین دلیل، رهبران الهی پیوسته می کوشیدند سپاه خود را از چنین عناصری پالایش کنند (علیانسب، ۱۳۹۴، ص ۷۳). نمونه قرآنی این سیاست، رفتار طالوت است در هنگامی که او (به فرماندهی لشکر بنی اسرائیل منصوب شد و) سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت: «خداوند، شما را به وسیله یک نهر آب، آزمایش می کند. کسانی که (به هنگام تشنگی) از آن بنوشند، از من نیستند و آنها که جز یک پیمانه با دست خود، بیشتر از آن نخورند، از من هستند». در این میان، جز عده کمی، همگی از آن آب نوشیدند. سپس هنگامی که او و افرادی که با او ایمان آورده بودند (و از بوته آزمایش، سالم به درآمدند)، از آن نهر گذشتند، (از کمی نفرت خود، ناراحت شدند

و عده‌ای) گفتند: «امروز، ما توانایی مقابله با (جالوت) و سپاهیان او را نداریم». اما آنها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز رستاخیز، ایمان داشتند)، گفتند: «چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان است» (بقره: ۲۴۹). پیامبر ﷺ در موارد متعددی، اصحاب خود را آزمایش و از افراد سست اعتقاد پالایش می‌کرد. آن حضرت هنگام عزیمت برای جنگ بدر، کمک خیب بن یساف را که می‌خواست با مردم قبیله اش، خزرج همراه شود تا غنیمتی به دست آورد، پذیرفت و فرمود: «کسی که بر دین ما نیست، نباید با ما همراه شود». (رک: بلاذری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۴۵)

نتیجه‌گیری

حاصل بحث این است که:

۱. دولت‌ها همواره شیوه‌های متفاوتی را برای تسلط بر دشمنان خود به کار می‌گیرند که یکی از مهم‌ترین این روش‌ها، جنگ نرم است. جنگ نرم با ابزارهای گوناگونی انجام می‌شود و انتخاب این نوع ابزار، تأثیر بسزایی در نتیجه جنگ دارد.
۲. یکی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ روانی، از بین بردن امنیت سیاسی یک کشور است.
۳. پیامبر اکرم ﷺ برای مقابله با جنگ‌های روانی، از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کردند که در یک دسته‌بندی می‌توان آنها را به شیوه‌های گفتاری و عملیاتی تقسیم کرد.
۴. سیره سیاسی پیامبر ﷺ نشان می‌دهد که حکومت اسلامی، مبتنی بر اصول و قواعد اسلامی است و به دنبال اهداف شخصی حاکمان نیست. به همین منظور، با تبیین واقعیت‌های پشت پرده، از هرگونه تردیدی جلوگیری می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ در مواقعی که بی‌اطلاعی مردم موجب تردید و دل‌سردی آنها می‌شد بی‌توجه نمی‌ماندند و واقعیت‌های پنهان را برای مردم بیان و نسبت به آن موضوع، روشن‌گری می‌کردند.
۵. پیامبر اکرم ﷺ در راستای وظایف الهی خود، پیوسته از ظرفیت گروه‌های مرجع بهره می‌بردند و تا حد امکان، از تحریک و مقابله با آنها پرهیز می‌کردند.

۶. سیره پیامبر ﷺ در اجرای امر به معروف و نهی از منکر به گونه‌ای بوده است که بتواند به عنوان حاکم دولت اسلامی و پیامبر، بر همگان رحمت باشد و از هرج و مرج‌ها جلوگیری کند. همچنین در مقابل نابسامانی‌های اجتماعی، موضع‌گیری کرده و امنیت را در جامعه ایجاد کند.

۷. حکومت‌های اسلامی بر پایه حسن ظن و اعتماد متقابل بین مردم و حاکمان پی‌ریزی می‌شود. حاکم، مردم را دوست و همکار خود دانسته و قدرت خود را از مردم می‌داند. مردم نیز حاکمان را امین و خدمتگزار خود به شمار می‌آورند. رسول اکرم ﷺ در همین راستا، از مراتب اعتماد بالایی در میان مردم برخوردار بود و در سیره حکومتی خویش، شیوه‌ها و روش‌های مختلفی را برای اعتمادسازی در پیش می‌گرفت.

۸. نمی‌توان از تعامل موضوع عدالت با امنیت غافل شد و این نکته، در بیان بسیاری از ائمه معصومین ﷺ آمده است. پس اگر زمامداران، عادل باشند، قلب‌ها به سوی آنان جذب می‌گردد و این خود، تضمین‌کننده استحکام ارکان دولت و پیوند آن با ملت است. در سراسر زندگانی سیاسی - اجتماعی پیامبر ﷺ، به مقوله عدالت به عنوان بزرگ‌ترین مصلحت اجتماعی نگاه می‌شد و ایشان همه افراد بشر، از هرگروه و نژادی را به دید انسان می‌نگریست.

۹. عناصر سست، با انگیزه‌ها و اغراض مادی و سطحی در صف مسلمانان قرار می‌گیرند. این افراد، مقاومت روحی بالایی نداشته و تحت تأثیر تبلیغات و جنگ روانی دشمن قرار می‌گیرند. از این رو، رهبران الهی از جمله پیامبر ﷺ پیوسته می‌کوشیدند سپاه خود را از چنین عناصری پالایش کنند.

تایخ نامه جامعه

سال اول
شماره اول
۱۴۰۰

امنیت سیاسی، با تکیه بر سیره پیامبر ﷺ

فهرست منابع

الف) کتاب

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۳۸۵ ش، انساب الاشراف، تحقیق و تعلیق: محمد باقر محمودی، اصفهان: انتشارات مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).
 ۲. جزری، ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، الكامل فی التاريخ، بیروت: انتشارات دار الصادر.
 ۳. حمیری معافری، ابن هشام، بی تا، السیره النبویه، بیروت: انتشارات دار المعرفه.
 ۴. نصر، صلاح، ۱۳۸۰ ش، جنگ روانی (کلامی)، ترجمه: محمود حقیقت کاشانی، تهران: انتشارات سروش و مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
 ۵. یعقوبی، احمد بن اسحاق، بی تا، تاریخ یعقوبی، ترجمه: ابراهیم آیتی، بی جا: انتشارات علمی و فرهنگی.

ب) مقاله

۶. اخوان کاظمی، بهرام، بی تا، «امنیت، ابعاد و سازوکارهای تامین آن در روایات»، نشریه حکومت اسلامی، ش ۲، ص ۵۰
۷. آل سید غفور، سید سجاد، ۱۳۹۹ ش، «گزاره‌های قرآنی مرجع امنیت سیاسی افراد»، علمی-پژوهشی، سیاست متعالیه، تابستان، ش ۲۹، ص ۴۵-۴۴
۸. جمشیدی، محمد حسین، ۱۳۸۳ ش، «عملیات روانی در صدر اسلام، عملیات روانی مشرکان علیه پیامبر ﷺ و قرآن»، نشریه مطالعات عملیات روانی، پاییز، ش ۶، ص ۷-۴
۹. خاکپور، حسین؛ حسومی، ولی الله و خزاعی، محبوبه، ۱۳۹۵ ش، «شیوه‌های مقابله با جنگ روانی در سیره حضرت زهرا (ع)»، مطالعات راهبردی زنان، زمستان، ش ۷۴، ص ۳۲
۱۰. راهبریان یزدی، امیر، ۱۳۷۲ ش، «جستاری در استراتژی جنگ روانی پیامبر اسلام ﷺ»، مصباح، زمستان، ش ۸، ص ۱۱۷
۱۱. هاشمیان فرد، زاهد و بزرگ‌لداری، شیرزاد، ۱۳۹۳ ش، «اصول و کارکردهای امنیت در اسلام»، نشریه امنیت ملی، سال سوم، تابستان، ش ۱۲، ص ۷۲

۱۲. شمولی، همت‌الله؛ رشید حفظ‌آباد، موسی و یعقوبی، حسین، ۱۳۹۴، «بصیرت‌گرایی و بصیرت‌افزایی، راهبردی اساسی در مقابله با جنگ نرم»، نشریه بصیرت و تربیت اسلامی، زمستان، ش ۳۵، ص ۱۶۱

۱۳. شهریاری، روح‌الله، ۱۳۹۳، «جنگ روانی در عصر علوی علیه السلام»، ماهنامه مبلغان، اردیبهشت و خرداد، ش ۱۷۷، ص ۱۷۷

۱۴. صداقت، محمدعارف، ۱۳۸۵، «کارکرد تربیتی امر به معروف و نهی از منکر در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله»، مجله پژوهش، آذر - اسفند، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۱۰ و ۲۲ (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، hawzah.net)

۱۵. علیاناسب، سیدحسین، ۱۳۹۴، «شیوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدیریت روانی جامعه اسلامی»، نشریه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، بهار و تابستان، ص ۶۶ و ۶۸ و ۷۳

۱۶. متولی، عبدالله و بهرام‌نژاد، محسن، ۱۳۹۳، «بازشناسی الگوهای جنگ روانی در نبردهای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، بهار، ش ۱۳، ص ۹۹

۱۷. میرسندهی، سیدمحسن و احمدزاده، سیدمصطفی، ۱۳۹۳، «درآمدی بر مصادیق و شاخص‌های گروه‌های مرجع در قرآن کریم»، نشریه علوم و حدیث، بهار و تابستان، ش ۹۲، ص ۱۰۵

۱۸. نکونام، علی، ۱۳۹۰، «روش‌های اعتمادسازی در نظام حکومتی حضرت محمد صلی الله علیه و آله»، فصلنامه آفاق دین، ش ۲۷، ص ۷۴

۱۹. نوروزی، محمدجواد، ۱۳۷۲، «پژوهشی در خصوص جایگاه جنگ روانی در اسلام»، پاییز، ش ۶، ۶۲ - ۵۹

۲۰. یزدانی، فضل‌الله، ۱۳۸۱، «استراتژی‌های جنگ روانی از دیدگاه حضرت علی علیه السلام»، بصیرت دانشگاه آزاد، بهار، ش ۲۸ - ۲۹، ص ۳۷

فرایند برخورد رسول خدا ﷺ با مخالفت‌های مشرکان

لیلا همایون فردا

تاریخ نامه
جامعه

سال اول
شماره اول
۱۴۰۰

چکیده

یکی از موضوعات قابل توجه در سیره رسول خدا ﷺ، چگونگی تعامل آن حضرت با مخالفان است. واکاوی رفتار پیامبر ﷺ با مخالفت مشرکان، به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های مخالفت‌کننده با آموزه‌های نبوی، موضوعی است که در این نوشتار به آن پرداخته شده است. این مقاله با هدف کشف و توصیف فرایند برخورد نبی اعظم ﷺ با انواع مخالفت‌های مشرکان، با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

یافته‌ها حاکی است که مشرکان، با مخالفت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، درصدد ضربه زدن به مسلمانان و شخص پیامبر اکرم ﷺ بوده و در این راستا، از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. پیامبر اعظم ﷺ در برخورد با این مخالفان، هرگز از اصل هدایت‌گری عدول نکرده و همانند پادشاهان، به عناد و انتقام‌جویی نپرداختند. فرایند این برخورد را می‌توان در مدارا، مجادله، عدم سازش و مدهانه، اعراض از مشرکان و به‌انزواکشاندن ایشان، برخورد نظامی، صلح و انعقاد پیمان‌نامه، گذشت و پرهیز از انتقام‌جویی مطرح کرد.

واژگان کلیدی: برخورد، پیامبر ﷺ، مخالفت، مشرکان.

۱. دانش‌پژوه سطح چهار رشته تاریخ و سیره اهل بیت؟ عهم؟، جامعه الزهراء ﷺ، قم.

مقدمه

پس از جریان بعثت و علنی شدن دعوت پیامبر ﷺ به اسلام، مخالفت‌های زیادی از جانب سران قریش و مشرکان با نبی اعظم ﷺ صورت گرفت. مخالفان با مانع‌تراشی‌های گوناگون، از هر شیوه‌ای برای بی‌ثمرساختن دعوت حضرت استفاده می‌کردند. تکذیب رسالت، اتهام جنون، ساحر و شاعر بودن پیامبر ﷺ، تبعید و کشتار مسلمانان و به‌راه‌انداختن جنگ با آنان، گام‌های گوناگونی بود که مشرکان در برابر ابلاغ توحید برداشتند. در واقع، مشرکان اولین کسانی بودند که این مخالفت‌ها را ابراز کردند. این روند تا بدان‌جا ادامه یافت که در سال‌های بعد، یورش‌های گسترده مشرکان بر ضد مسلمانان و دولت نبوی، به یکی از اصلی‌ترین مشکلات حکومت اسلامی تبدیل شد. این نوشتار درصدد است ماهیت مخالفت‌های مشرکان را تبیین کرده و پس از آن، فرایند برخورد نبی اعظم ﷺ با این مخالفت‌ها را بیان سازد. درباره سیره نبی اعظم ﷺ و واکاوی زوایای گوناگون زندگانی ایشان تألیف‌های متعددی در قالب مقاله، پایان‌نامه و کتاب منتشر شده است که در اغلب این آثار، به مخالفت‌های مشرکان و اذیت و آزارهای آنها نسبت به مسلمانان و جنگ‌های آنان اشاره و به آن پرداخته‌اند شده است. از جمله:

- کتاب «سیره پیامبر ﷺ در برخورد با مخالفان از زبان قرآن» نگارش علی محمد یزدی، از انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، بر اساس آیات قرآن، کنش‌ها و واکنش‌های پیامبر ﷺ در مواجهه با مخالفان درونی و بیرونی را بیان کرده است.
- پایان‌نامه «شیوه برخورد پیامبر ﷺ با مشرکان از منظر قرآن» نوشته لیلا ملکی از دانشگاه معارف، بیشتر به شیوه تبلیغی پیامبر ﷺ در مقابل مشرکان پرداخته است.
- مقاله «شیوه برخورد با مخالفان و منتقدان در دولت نبوی»، به قلم علی خالقی، انتشار یافته در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نیز با نگاه کلی به مخالفان و عدم تفکیک مخالفت‌ها و.. به تحلیل کلی در این باره پرداخته است.
- همچنین کتاب مدیریت تنش‌های مدینه از حسین قاضی خانی و کتاب سیره سیاسی پیامبر ﷺ نوشته جمعی از محققان نیز به برخی از نمونه‌های رفتاری پیامبر ﷺ در این زمینه اشاره کرده است.

تاریخ‌نامه
جمله

سال اول
شماره اول
۱۴۰۴

فرایند برخورد رسول خدا ﷺ با مخالفت‌های مشرکان

وجه تمایز نوشتار حاضر با آثار قبلی، در این است که در کنار جنبه قرآنی، به جنبه تاریخی موضوع نیز اشاره شده است. همچنین ساختار مقاله، کاملاً با نگاه‌هاست‌های پیشین تفاوت داشته و توجه به کشف فرایند برخورد نبی اعظم ﷺ با مخالفت‌های مشرکان، از نوآوری‌های آن به شمار می‌رود. در این مقاله، پس از مفهوم‌شناسی عناوین اصلی، به گونه‌شناسی مخالفت‌های مشرکان اشاره شده و سپس فرایند برخورد پیامبر با مشرکان، بیان گردیده است.

مفهوم‌شناسی

فرایند

مجموعه عملیات و مراحل لازم برای رسیدن به یک هدف مشخص را فرایند گویند. (فرهنگ معین، ۱۳۸۶، ص ۲۸۰۹)

مشرکان

در اصطلاح قرآن، مشرک کسی است که در مقام عبادت و پرستش، بتان را مورد عبادت قرار دهد. ایشان، اولین کسانی بودند که با آشکارشدن دعوت رسول خدا ﷺ، دشمنی خود را ابراز کردند. این گروه، از همان سال‌های اولیه بعثت، حرکت‌های ایدایی خود را آغاز نمودند و تهدید امنیت مدینه و در نهایت، هجوم گسترده به دولت نبوی و براندازی آن، در رأس برنامه‌های آنها بود. (خالقی، ۱۳۸۶، ص ۴۶۹)

گونه‌شناسی مخالفت مشرکان

۲.۱. مخالفت‌های سیاسی

یکی از گونه‌های مخالفت مشرکان با نبی اعظم ﷺ، برخوردهای سیاسی است. تشکیل جلسات متعدد سران قریش با محوریت بررسی برخورد با اقدامات رسول اکرم ﷺ، نمونه بارز این مخالفت‌هاست (یعقوبی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۸۰). در منابع، ملاقات‌هایی که برای اعمال فشار بر رسول خدا ﷺ، برگزار می‌شد، چنین گزارش شده است: «چون سران قریش دیدند که پیامبر از آوردن هر کاری که مایه رنج ایشان باشد، واگذار نمی‌کند، مردانی از ایشان نزد ابوطالب آمده و گفتند: ای ابوطالب! پسر برادر تو خدایان ما را دشنام می‌دهد، دین ما را به کاستی نام می‌برد و خرده‌های ما را

سست می‌داند. او را از این کار باز دار. (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۲۶۸)

علاوه بر ملاقات مشرکان با حامیان پیامبر ﷺ، ایشان با تشکیل جلسات متعدد در دارالندوه، به عنوان مهم‌ترین مرکز تصمیم‌گیری سیاسی آن روز، در پی اظهار مخالفت سیاسی خود با نبی اعظم ﷺ و یافتن راهکار در این زمینه بودند. (غفاری، ۱۳۹۳، ص ۱۰۱)

۲.۲. مخالفت‌های فرهنگی

اقدامات فرهنگی مشرکان علیه پیامبر ﷺ در دو بخش قابل بررسی است: اقدامات ایشان در مقابل شخص پیامبر ﷺ و نیز اقداماتی که علیه قرآن، به عنوان معجزه پیامبر، انجام می‌دادند.

از اقدامات مشرکان در برخورد با پیامبر ﷺ می‌توان به استفاده از روش‌های ایدایی و استهزایی اشاره کرد. آنان با انجام چنین اعمالی، در پی فروکاستن شخصیت پیامبر ﷺ و مبارزه با جایگاه فرهنگی ایشان بودند. مسئله استهزا، به عنوان یک فصل مهم در اخبار دوره بعثت، مورد توجه سیره‌نویسان بوده است، به طوری که ابن سعد، ابن اثیر، ابن اسحاق و بلاذری، فهرستی از مستهزئین را در کتب خود آورده‌اند (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۲۷۰). این تمسخرها به حدی گسترده و وسیع بود که خداوند به رسول اکرم ﷺ فرمود: «إِنَّا كَفَيْتَ لَكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ» همانا ما تو را از (شرّ) استهزاکنندگان کفایت کردیم (حجر: ۹۵). همچنین برای تقویت روحیه مسلمانان فرمود: «پیامبران پیش از تو را نیز مسخره می‌کردند». (انعام: ۱۰)

همچنین مشرکان با ایراد اتهام به جادوگر، ساحر و مجنون بودن پیامبر ﷺ، به دنبال انجام عملیات روانی و تخریبی علیه رسول خدا ﷺ بودند. قرآن، به این‌گونه رفتار مشرکان نیز اشاره کرده و در آیات مختلف، آن را بیان نموده است. (زخرف: ۳۰ و قلم: ۵۱)

اقدام فرهنگی دیگر مشرکان، در رابطه با قرآن کریم بود. از آنجاکه قریش دریافت کرده که تأثیر آیات قرآن به لحاظ ویژگی‌های منحصر به فرد آن فراوان است، لذا نهایت تلاش خود را به کار بستند تا مانع اثرگذاری قرآن در بین مردم شوند. آنان در ابتدا سعی کردند با قرآن مقابله به مثل کنند و همانند آن را بیاورند. در این میان، نضر بن حارث، افسانه‌سرای معروف، مأمور این کار شد، اما نتوانست کاری از پیش ببرد (حسنی، ۱۳۸۶، ص ۶۴). مرحله دوم، تحریم استماع قرآن بود. سران قریش در این مرحله تلاش بسیار وسیعی انجام داده

و به همه مردم ابلاغ کردند و حتی جاسوسانی گماردند که هیچ‌کس به آیات قرآن گوش ندهد؛ اما این شیوه نیز چندان مؤثر نیافتاد و حتی گاهی خود سران مشرک، مخفیانه به استماع قرآن می پرداختند. (غفاری، ۱۳۹۳، ص ۱۰۲)

۲.۳. مخالفت‌های اقتصادی

زمانی که مشرکان، پاسخ پیامبر ﷺ، مبنی بر عدم همکاری با آنها را دریافتند، بسیار بر آنها سخت آمده و سوگند خوردند که پیامبر را آشکارا و یا پنهانی به قتل برسانند (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۳۰). ابوطالب که از نیت شوم آنها آگاه شده بود، فرزندان عبدالمطلب را جمع کرد و دستور داد که پیامبر ﷺ را در محل سکونت خود، یعنی «شعب ابی طالب»، نگهداری کرده و نگهبان او در برابر هر سوء قصدی باشند. به دنبال آن بود که فرزندان عبدالمطلب، این پیشنهاد را پذیرفتند. در طرف مقابل، هنگامی که سران قریش دریافتند تمام بنی هاشم، در نگرهبانی از پیامبر ﷺ اتفاق نظر دارند، گرد هم آمده و تصمیم گرفتند تا زمانی که بنی هاشم، پیامبر ﷺ را تسلیم آنان نکرده، با آنها همنشینی و خرید و فروش نکنند. عموم مؤرخان، به محتوای عهدنامه‌ای اشاره کرده‌اند که خودداری از همنشینی، ازدواج و خرید و فروش در آن گنجانده شده است (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۶۳). این پیمان توسط منصور بن عکرمه بن عامر، نگاشته و در کعبه آویخته شد. مهر چهل تن از سران قریش نیز ذیل این پیمان بود (طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۲۴). از دیگر نمونه‌های فشار اقتصادی مشرکان، تصرف اموال باقی مانده مهاجران در مکه بود تا بدین وسیله، مسلمانان را بیش از پیش در تنگناهای اقتصادی قرار دهند (میرشریفی، ۱۳۹۰، ص ۸۰). با این بیان، قطع روابط اقتصادی، نهایت اعمال قدرت آنان برای تحت فشار قراردادن بنی هاشم و به ویژه شخص پیامبر ﷺ بود. (ابن هشام، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۴-۲۱)

۲.۴. مخالفت‌های فیزیکی و نظامی

اگرچه رسول خدا ﷺ به دلیل حمایت بنی هاشم و به ویژه شخص ابوطالب، تقریباً از برخورد فیزیکی مشرکان مصونیت داشتند، با این حال، در اسناد تاریخی، گزارش‌هایی وجود دارد که حتی آن حضرت، گاهی مورد حمله قرار می گرفتند. (جعفریان، ۱۳۸۹،

اولین گزارش درگیری بین مسلمانان، مربوط به درگیری بین ابوسفیان و همراهانش با سعد بن ابی وقاص و عمار یاسر و عبدالله مسعود بود که گزارش آن را ابن اثیر در تاریخ کامل خود آورده است و به قبل از مرحله آشکارشدن دعوت بازمی‌گردد (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۷۵). طبق نقل ابن اثیر و دیگران، اقدامات خشونت‌آمیز مشرکان علیه مسلمانان، از آخرین جلسه سیاسی بین مشرکان و ابوطالب آغاز شد. ابن اثیر در خصوص این جلسه می‌گوید: هنگامی که در قبایل گوناگون، کسانی زیر شکنجه قرار گرفتند، ابوطالب میان قریش آمد و آنها را به حمایت از رسول خدا ﷺ فراخواند. بار دیگر قریش به منزل او آمده و آخرین گفتگو انجام شد؛ اما ایشان به نتیجه مطلوب دست نیافتند (همان، ص ۸۸۲). لذا از این پس، اقدامات جدی‌تری را در برخورد با پیامبر ﷺ آغاز کردند.

تهاجمات گسترده قریش در سال‌های بعد، این‌گونه مخالفت‌ها را بهتر نشان می‌دهد. حضور سپاهیان مکه در بدر، هجوم گسترده آنها به مدینه و استقرار سه هزار مرد جنگی در کنار کوه احد، گردآوری احزاب مختلف و محاصره مدینه در سال پنجم و به‌راه‌انداختن جنگ خندق و نیز نقض پیمان صلح حدیبیه و همراهی با بنی بکر در تهاجم به خزاعیان به‌عنوان هم‌پیمانان دولت مدینه، همه اقداماتی در راستای به‌خطرانداختن امنیت و در نهایت، براندازی دولت نبوی از سوی مشرکان بود. (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۲، ۳۷، ۶۶، ۱۳۴ و ۱۴۹)

برخورد پیامبر ﷺ با مشرکان

پس از ابلاغ وحی و دعوت مشرکان به اسلام، رفتار نبی اعظم ﷺ در برخورد با مخالفت‌های مشرکان، در چند قالب، قابل بررسی است:

۳.۱. رفق و مدارا

رفق یعنی نرمی نمودن با کسی و مدارا هم به معنی نرم‌کردن و ملاحظت نمودن می‌باشد (معین، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۷۰۲). رفق و مدارا در هرگونه رابطه و تعامل انسانی، چه فردی، چه خانوادگی و چه مناسبات یک اجتماع بزرگ انسانی، مهم‌ترین قاعده در سازماندهی و تنظیم درست روابط و تعامل‌هاست. این امر، به صورت یک اصل اجتماعی در زندگی پیامبر اکرم ﷺ و اوصیای آن حضرت، مشهود بوده و مایه قوام

روابط و مناسبات صحیح اجتماعی است. برخورد‌های از سرِ رفق و ملایمت و به دور از درستی و خشونت آن حضرت، سازنده‌ترین عنصر در اصلاح جامعه به شمار می‌رود. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۱۵)

سنتِ قولی و عملی پیامبر نیز گواه بر این است که رفق و رفتار مسالمت‌آمیز، قاعده‌ای اولیه است. هیچ‌گاه پیامبر اسلام ﷺ، آغازگر جنگ نبوده است. آن حضرت و پیروان ایشان، حتی یک جنگ تجاوزکارانه نداشته‌اند و تمام جنگ‌های ایشان، دفاع محض و در پاسخ به تجاوزات و نقض پیمان‌های دشمنان دین بوده است. از نگاه حضرت، مهربانی و سازگاری با مردم، نیمی از ایمان است و نرمی با آنان، نیمی از برکت زندگی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۱۷). رفق، مدارا و گذشت پیامبر اکرم ﷺ به قدری فراگیر بود که با وجود خصومت طولانی قریش با ایشان، حضرت با آنها ملایمت ورزید و از آن همه رفتار کینه‌توزانه و اقدامات خصمانه، گذشت کرد. آن حضرت با همین نرم‌خویی پیامبرانه و روش اسلامی و بر مبنای شناخت درست از انسان و جامعه، زمینه تحول انسان‌ها را فراهم ساخت. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۳۵)

در عصر نبوی، که عصر تأسیس نظام اسلامی و تکوین اعتقادات اسلامی در میان مردم بود، رفتارهای پیامبر ﷺ، بیشتر همراه با مدارا بود، تا مردم بتوانند اصل دین را در جامعه بپذیرند. بدین روی، مخالفت‌ها، استهزاها و تمسخرها و حتی مخالفت‌های عملی، بعضاً با گذشت پیامبر ﷺ همراه بودند. اما زمانی که اقدامات عملی مخالفان از حد می‌گذشت و پیامبر چاره‌ای جز مبارزه عملی نداشت، از مدارا دست می‌کشید. یکی از نمونه‌های مدارای نبی اعظم ﷺ در مورد عمیر بن وهب است. وی به بهانه آزادی پسرش، که در جنگ بدر اسیر شده بود، با شمشیری زهرآلود قصد جان پیامبر ﷺ را داشت. پیامبر به علم غیب، قصد او را آشکار ساخت و او در دم، اسلام آورد. (شرف‌الدین، ۱۳۶۸، ص ۱۶۱)

۳.۲. مجادله با کافران و مشرکان

کافران می‌پنداشتند که دین الهی نیز همانند افسانه‌ها و حکایت‌های پادشاهان و پهلوانان، ساخته و پرداخته خیال است؛ از این رو جسورانه به پیامبر می‌گفتند: «إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ»؛ این جز افسانه‌های پیشینیان نیست (انعام: ۲۵). پیامبر ﷺ در پاسخ نخست به آنان نمی‌گفت که در گمراهی به سر می‌برند، بلکه می‌فرمود:

«قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (به مشرکان) بگو چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد؟ بگو خدا و بی‌تردید ما یا شما بر هدایت یا در گمراهی آشکار هستیم» (سبأ: ۲۴). خداوند متعال، در این آیه و چند آیه پس از آن، روشی منطقی، منصفانه و مؤدبانه برای بحث با مشرکان به پیامبر ﷺ آموزش می‌دهد تا مسلمانان بیاموزند که در برخورد با مخالفان چگونه سخن بگویند تا در دل آنها نفوذ کنند و آنها را به راه حق هدایت نمایند.

البته پس از اتمام حجت و دعوت از روی آگاهی، اگر مخاطبان، حق را نپذیرفتند، حضرت جدال نمی‌کردند و خداوند نیز رسولش را از این نوع مجادله، یعنی مجادله‌ای که پس از روشن شدن حق است، بر حذر داشته است: «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسَلَمْتُ وَجْهِي لِلَّهِ...»؛ پس اگر با تو گفتگوی خصومت‌آمیز کردند (فقط در پاسخشان) بگو من و همه پیروانم، وجود خود را تسلیم خدا کرده‌ایم و به اهل کتاب و بی‌سوادان (مشرک) بگو آیا شما هم تسلیم می‌شوید؟ پس اگر تسلیم شدند قطعاً هدایت یافته‌اند و اگر روی گردانند، بر تو دشوار نیاید، که آنچه بر عهده تو است، فقط ابلاغ (پیام خدا) است و خدا به بندگان بیناست. (آل عمران: ۲۰)

۳.۳. اعراض از مشرکان و به‌انزواکشاندن آنها

واکنش دیگری که پیامبر اکرم ﷺ در برابر مخالفت‌های مشرکان به کار می‌گرفت، طرد و تحریم روابط و برخورد سرد و غیر عاطفی با ایشان بود که در برخی موارد ضروری می‌نماید. سرکوب دشمن، همواره با نبرد و خونریزی ملازمت ندارد و گاه با بی‌اعتنایی یا افشاگری می‌توان از توان دشمن کاست. نبی اعظم ﷺ مادامی که راهکارهای کم‌هزینه کارآمدی داشتند، از این روش‌ها استفاده می‌کردند. این شیوه پیامبر ﷺ، در پاسخ به تکذیب‌ها، زخم زبان‌ها و تحرکات دشمن علیه مسلمانان دیده می‌شود. حضرت با بی‌اعتنایی به رفتار آنها، به ارشاد و تبلیغ خود ادامه داده و از ایشان اعراض می‌کردند (بیزدی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۰-۱۲۳). این رفتار حضرت، مورد تأیید قرآن نیز بوده و خداوند در آیات متعددی، پیامبر ﷺ را به اعراض از مشرکان سفارش می‌فرماید. (انعام: ۶۸)

همچنین حضرت با اعمال برخی روش‌ها، به منزوی شدن مشرکان اهتمام داشتند. ایشان با تحریم دوستی مسلمانان با آنها، تحریم ازدواج با ایشان، نفی ولایت کافر بر مسلمان، گسستن رابطه مشرکان با مسجد الحرام و... موجبات منزوی شدن مشرکان در جامعه را فراهم آوردند (یزدی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۳). این راهکار که بر اساس آموزه‌های قرآنی شکل گرفته بود، به صراحت توانست جایگاه اجتماعی مشرکان را در جامعه خدشه‌دار سازد. خداوند متعال می‌فرماید: مشرکانی که در برابر دعوت‌های توحیدی، موضع خصمانه می‌گیرند، نباید در قلب هیچ‌یک از مؤمنان جایگاهی داشته باشند (مجادله: ۲۲). این گسستن پیوند مسلمانان و مشرکان، در اشکال گوناگون دنبال می‌شد و حتی ازدواج با زن و مرد مشرک، تحریم شد (بقره: ۲۲۱). سلب حق تعمیر مساجد و از جمله مسجد الحرام از مشرکان نیز برای کسانی که سالیان درازی به آن افتخار می‌کردند، بسیار سنگین بود و پایگاه اجتماعی آنان را از بین می‌برد (یزدی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۸). این روش یکی از مؤثرترین روش‌های برخورد پیامبر ﷺ با مشرکان محسوب می‌شد که برای مخالفان، بسیار سخت و شکننده بود.

۳.۴. عدم سازش (مداهنه) با مخالفین

ادهان، به معنای کوتاه آمدن در حق، سازش کردن، همرنگ جماعت شدن، عوام زده شدن، پیرو و همراه جریان هاشدن و تن به باطل دادن است و بی‌گمان در جایی که مداهنه حاکم باشد، حقی برپا نمی‌شود و چیزی به درستی سامان نمی‌یابد. مداهنه در شکل‌های مختلف ظهور می‌یابد و هریک، پیامدهای تباه خود را دارد که راه اصلاحات اجتماعی را سد می‌کند؛ از جمله مداهنه با معصیت و معصیت کاران، با ستم و ستمکاران، با عوام‌زدگی و عوام‌زدگان، با تعدی و تعدی‌کنندگان، با خودکامگی و خودکامگان و جز اینها. بنابراین مدارا در آنجا که حق، پایمال می‌شود و باطل، مسلط می‌گردد، معنا ندارد. پیام‌آوران الهی نیز که سرسلسله‌جنبان هدایت و اصلاحات اساسی بودند، همیشه برای حق قیام کردند و در راه هدایت و نجات بشر، از انبوهی باطل نهراسیدند و با وسوسه‌های پست همراه نشدند و پیرو جو حاکم نگردیدند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۹۶ - ۱۰۰)

کافران و مشرکان گاه به پیامبر ﷺ پیشنهاد می‌کردند که نام بت‌ها را به بدی نبرند، گاه به ایشان پیشنهاد می‌دادند که تهی‌دستان و مؤمنان فقیر را از خود دور کند تا ثروتمندان نفوذی با ایشان هم‌صدا شوند و گاهی پیشنهاد می‌کردند که اجازه بده ما یک سال معبود تو را بپرستیم و یک سال نیز تو معبودان ما را پرستش کن (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۳۹۴). از آن سو، خداوند در موارد متعدد و به بیان‌های مختلف، در کتاب شریفش، پیامبر را به عدم مدهانه فرمان داده است. از جمله می‌فرماید: «فَلَا تُطِيعُ الْمُكْذِبِينَ»؛ «از تکذیب‌کنندگان (قرآن و نبوت) فرمان نبر» (قلم: ۸)؛ «وَلَا تُطِيعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ»؛ «و از هر سوگندخورده زبون و فرومایه فرمان نبر» (قلم: ۱۰) و «فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»؛ «پس کافران را که انتظار دارند از ابلاغ وحی باز ایستی، فرمان مبر و به وسیله این قرآن، با آنان جهاد کن» (فرقان: ۵۲). خدای حکیم، در این آیات و نیز در آیاتی دیگر، به شدت تمام، پیامبرش را از سازش و مدهانه با کفار و مشرکان نهی فرموده است.

۳.۵. پذیرش صلح

یکی از راهکارهای نبی اعظم ﷺ در برخورد با مخالفان، انعقاد پیمان‌نامه و قرارداد صلح بود و تا زمانی که طرف مقابل، نقض پیمان نمی‌کرد، حضرت بر صلح خود باقی می‌ماندند. این رفتار پیامبر ﷺ منشأ قرآنی داشته و خداوند در این باره می‌فرماید: «اگر به صلح تمایل داشتند، تو نیز به آن روی آور و بر خدا توکل کن که او شنونده سخن بندگان و دانا به اندیشه‌های آنان است» (انفال: ۶۱). البته هر زمان که به پیمان‌نامه‌ها وفا نمی‌شد، حضرت به توصیه قرآن، لغو پیمان نموده و برخورد مناسبی با پیمان‌شکنان داشتند (انفال: ۵۶-۵۸). انعقاد صلح حدیبیه با مشرکان مکه، یکی از نمونه‌هایی است که اهتمام نبی اعظم ﷺ به پذیرش صلح و پرهیز از جنگ را به وضوح نشان می‌دهد. حضرت با وجود مخالفت برخی از اصحاب، صلح حدیبیه را پذیرفته و موجبات فتح مکه را فراهم آوردند (طبری، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۱۲۳). این اقدام رسول اکرم ﷺ در حالی شکل گرفت که قریشیان، در عمل، رفتاری خصمانه با مسلمانان در پیش گرفتند؛ اما در برابر، رسول خدا ﷺ از یک سو پیشنهاد کردند که با یکدیگر صلح کنند و از سوی دیگر، رفتاری آمیخته از «مدارا» و «قاطعیت» در پیش گرفتند. بر این اساس، می‌توان در ماجرای حدیبیه،

موضع پیامبر ﷺ را واجد دو ویژگی دانست: یکی، فعالانه (کنشی) بودن، و دیگری، آمیختگی از مدارا و قاطعیت. (منتظری مقدم، ۱۳۸۰، ص ۱۶)

به عبارت دیگر، پیامبر ﷺ در عین حال که می دانستند مشرکان به کمتر از نابودی دولت نبوی راضی نیستند، با این وجود از هر فرصتی برای کاهش خصومت و تنش زدایی بهره می گرفتند و صلح را بر جنگ ترجیح می دادند. نمونه دیگری از صلح طلبی حضرت، از نامه ایشان به ابوسفیان برداشت می شود. اگرچه ابوسفیان در پایان جنگ احد، مسلمانان را تهدید کرده و وعده جنگ تمام عیار را برای سال بعد داد، ولی چون خشکسالی بر مکه حاکم شد، حضرت فرصت را برای ترک مخاصمه و توقف برخورد نظامی مغتنم شمرده و با فرستادن بهترین نوع خرماي مدینه به همراه نامه ای به ابوسفیان، از او درخواست مقداری پوست کرد تا نشان بدهد که دولت نبوی هیچ گاه برای تخاصم، اصالت قائل نشده و آماده کاهش و حتی توقف برخورد نظامی با آنهاست. (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۸۵)

۳.۶. برخورد نظامی

بر اساس منطق قرآن، پیامبر ﷺ هرگز آغازگر برخورد تهاجمی نبودند و با توجه به آنچه گذشت، حتی الامکان از روش های دیگری در برخورد با مشرکان بهره می گرفتند؛ اما در شرایطی که مشرکان، آغازگر جنگ بودند، خداوند نیز به پیامبر ﷺ اجازه جهاد و نبرد نظامی داده است. خداوند متعال در این باره، در یکی از آیات قرآن کریم خطاب به مسلمانان می فرماید: «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»؛ «و با همه مشرکان همان گونه که آنان با همه شما می جنگیدند، بجنگید و بدانید خدا با پرهیزکاران است» (توبه: ۱۲۳). همچنین در آیه ای دیگر آمده است: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»؛ «پس کافران را که انتظار دارند از ابلاغ وحی باز ایستی فرمان مبر و با آنان جهاد کن». (فرقان: ۵۲)

برای نمونه، جنگ بدر، یکی از جنگ های پیامبر ﷺ با مشرکان بود. این جنگ به دنبال مانورهای نظامی پیامبر ﷺ و تهدید خط بازرگانی قریش به شام رخ داد و نخستین جنگ کامل میان مسلمانان و مشرکان بود. در ماه رمضان سال دوم هجرت، پیامبر ﷺ آگاهی یافت که کاروانی از قریش با بار فراوان از کالاهای گوناگون به سرکردگی ابوسفیان،

از سوی شام حرکت کرده است. حضرت تصمیم گرفت شخصاً به سوی آنها حرکت کند. به این منظور، ایشان به همراه ۳۰۵ نفر از یاران، که ۷۴ تن از آنها از مهاجران بودند، با دو اسب و هفتاد شتر، از مدینه بیرون آمد. در واقع پیامبر ﷺ برای حفظ اسلام و دفاع از حقوق حیاتی مسلمانان و خنثی کردن نقشه‌های شوم قریش به پا خاست و سرانجام در منطقه بدر در برابر لشکریان قریش قرار گرفت و مسلمانان با اینکه جمعیتشان یک سوم کفار بود، با نیروی ایمان و یاری خداوند، آنها را شکست دادند (غفاری، ۱۳۹۳، ص ۱۶۵).

در ادامه، مشرکان در سال سوم هجری درصدد برآمدند تا شکست خود در غزوه بدر را تلافی کنند. آنان لشکر بزرگی تدارک دیدند و با سپاه فراوان، به سوی مدینه حرکت کردند. پیامبر خدا ﷺ پس از اطلاع از این حرکت، مسلمانان را برای رویارویی با آنان آماده کرد. واقعی این واقعه را چنین نقل کرده است: چون مشرکانی که در بدر شرکت کرده بودند به مکه بازگشتند، ابوسفیان بن حرب کالاهای کاروانی را که از شام آورده بود در دارالندوه قرار داده بود و به واسطه اینکه صاحبان اموال آن کاروان غایب بودند، کالاهای آن را از جای خود تکان نمی‌داد و آنها را توزیع نمی‌کرد. بزرگان قریش، نزد ابوسفیان رفتند و گفتند: ای ابوسفیان! در مورد این کالاهای آورده و نگه داشته‌ای، تصمیمی بگیر. می‌دانی که اینها اموال و مال التجاره اهل مکه و قریش است و همه آنها با کمال میل می‌خواهند که آن را صرف تجهیز سپاهی به سوی محمد کنی، می‌بینی که پدران و پسران و خویشاوندان ما کشته شده‌اند. ابوسفیان گفت: قریش به این کار راضی هستند؟ گفتند: آری. و این‌گونه، مقدمات جنگ احد را فراهم کردند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۹۹). قریشیان پس از احد، درصدد یارگیری و گشودن جبهه دیگری شدند. این بار ابوسفیان تصمیم گرفت دو گروه دیگر را وارد این بحران کند: گروه اول، عناصر ناراضی مدینه به‌ویژه یهودیان و متحدان جاهلی مکه مانند غطفان که اسد و بنی فزاره و سلیم بودند. گروه دوم، قبایل مشرک عرب بودند که با مدینه اصطکاک سیاسی نداشتند و صرفاً برای به دست آوردن غنایم و غارت و نیز بر اساس توافق‌های عصر جاهلی، به میدان جنگ آمدند. این جنگ که در شوال سال پنجم هجری رخ داد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۴۳ و ابن هشام، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۴)، بارزترین جلوه تحمیل جنگ به پیامبر و آشکارترین نمود همبستگی سه‌جانبه یهودیان، اشرافیت مکه و شیوخ بادیه‌نشین علیه مسلمانان بود.

بنابراین، جنگ احد و خندق نیز شاهی بر این مدعاست که نبی اعظم ﷺ پس از پیمودن راه‌های پیشین، در صورت لزوم و در راستای حفظ کیان اسلام، در مقابل مشرکان کوتاه نیامده و اقدام به مبارزه و نبرد نظامی می‌کردند. اما نکته قابل توجه آن است که حضرت حتی در جریان جنگ نیز از اصول اخلاقی عدول نکرده و به هنگام اعزام سپاهیان خود برای مقابله با تهاجم مشرکان به آنها توصیه می‌کردند که با نام خدا و با توکل بر او مبارزه کنند، مکر نکنند، خیانت نورزند، دشمن را مثله نکنند، هیچ درختی را جز به ناچاری قطع نکنند و سالخورده‌گان و زنان و کودکان را نکشند. (نجفی، ۱۴۳۲، ج ۲۱، ص ۶۷)

۳.۷. گذشت و پرهیز از انتقام جویی

پیامبر اکرم ﷺ هرگز از روی انتقام جویی، با مخالفان مشرک برخورد نکردند و اصل عفو و گذشت را بر انتقام جویی ترجیح می‌دادند. مشرکان مکه تا آنجا که توان داشتند، در راه ساقط کردن دولت مدینه کوشیدند، ولی در نهایت، تمام مکر آنها خنثی شد و پس از نقض پیمان از سوی مشرکان، مسلمانان با عزت و افتخار عازم مکه شدند. ابوسفیان، سردسته مشرکان، در مَرّ الظهران خود را به اردوگاه سپاهیان اسلام رساند و خواستار عفو و گذشت پیامبر ﷺ شد. پیامبر ﷺ که به فکر انتقام جویی نبود، درخواست او را پذیرفت و دستور داد تا ابوسفیان به مکیان اعلام کند که خانه او محل امن بوده و هر که در آن پناه گیرد یا در خانه خود بماند، در امان است. سپس در حالی که یاران خود را از هرگونه رفتار انتقام جویانه برحذر داشت، وارد مکه شد و فرمود: من در مورد شما همان را می‌گویم که برادرم یوسف به هنگام پیروزی بر برادرانش گفت: «لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ» (یوسف: ۹۲). (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۵۲-۲۶۱ و ابن هشام، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۴۶)

به این ترتیب، پیامبر ﷺ اعلام عفو عمومی نمود. ایشان مردمی را مورد عفو قرار دادند که مسلمانان، شدیدترین شکنجه‌ها و آزار و اذیت‌ها را از آنها دیده بودند و به واسطه فشار همین مشرکین، از مکه هجرت کردند و ضربه‌های جانی و مالی فراوانی به مسلمانان زده بودند. به عبارت دیگر، حضرت پس از سیطره بر مشرکان و در موضع قدرت، از برخورد انتقام جویانه پرهیز کرده و با عفو و گذشت، رفتار کردند که این مطلب، ارزش و اهمیت این کار را مضاعف می‌سازد.

نتیجه‌گیری

بازبینی سیره پیامبر اکرم ﷺ در برخورد با مخالفت‌های مشرکان، بیانگر این حقیقت است که حضرت تا زمانی که این مخالفت‌ها، امنیت جانی و مالی مسلمانان را به خطر نمی‌انداخت، با آنها مدارا می‌کردند و از برخورد تهاجمی پرهیز داشتند. اما زمانی که این مخالفان، امنیت مسلمانان را هدف قرار می‌دادند، حضرت با رعایت اصول اخلاقی و انسانی، با شدت در برابر آنها ایستادگی می‌کردند. سیره نبی اعظم ﷺ بر مبنای اصول قرآنی بوده و هرگز از اصول مسلم خود عدول نکردند. هرچند بیان فرایند برخورد با مخالفت‌ها به صورت گام به گام و تفکیک این مراحل، به راحتی ممکن نیست، اما در یک جمع‌بندی کلی می‌توان این فرایند را چنین بیان کرد:

۱. برخورد اولیه رسول اکرم ﷺ با مخالفان، بر اساس رفق و مدارا بود و حضرت در مقابل توهین‌ها و اذیت‌های شخصی به ایشان، غالباً مدارا می‌کردند.
۲. با قوت و قدرت گرفتن نهال نوپای اسلام، حضرت در راستای گسترش دعوت خویش، با مشرکان به مجادله و گفتگو می‌پرداختند و به مخالفت‌های عقیدتی آنها پاسخ می‌دادند.
۳. گاهی لازم بود حضرت از مشرکان اعراض کرده و با بی‌اعتنایی و به‌انزواکشاندن ایشان، پایگاه اجتماعی آنها را سست نمایند.
۴. حضرت، هرگز از اصول کلی اسلام کوتاه نیامدند و در این راستا، هیچ سازش و مداهنه‌ای صورت نگرفت.
۵. در شرایطی که امکان مصالحه و انعقاد پیمان‌نامه وجود داشت، حضرت، صلح را می‌پذیرفتند و خواهان آن بودند.
۶. حضرت تنها برای دفاع از امنیت جانی و مالی مسلمانان، به اقدامات نظامی دست می‌زدند و هرگز آغازگر جنگ نبودند.
۷. ان حضرت، زمانی که در موضع قدرت بوده و شرایط انتقام‌گیری از مشرکان فراهم بود، عفو و گذشت را سرلوحه کار خود قرار دادند. لذا ایشان در مواجهه با مخالفان، همواره از بهترین و مؤثرترین راه‌های تنش‌زدایی استفاده می‌کردند.

تاریخ‌نامه
جمله

سال اول
شماره اول
۱۴۰۰

فرایند برخورد رسول خدا ﷺ با مخالفت‌های مشرکان

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن هشام، ۱۳۹۱ ش، السیره النبویه، ترجمه: هاشم رسولی محلاتی، تهران: کتابچی.
۲. ———، بی تا، السیره النبویه، بیروت: انتشارات دار المعرفه.
۳. ابن سعد، ۱۴۱۸ ق، طبقات الکبری، بیروت: انتشارات دار الکتب العلمیه.
۴. ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، الکامل فی التاریخ، بیروت: انتشارات دار صادر.
۵. احمدی میانجی، علی، ۱۴۱۹ ق، مکاتیب الرسول، قم: انتشارات دار الحدیث.
۶. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۴۱۷ ق، انساب الاشراف، بیروت: انتشارات دار الفکر.
۷. جعفریان، رسول، ۱۳۸۹ ش، سیره رسول خدا ﷺ، قم: دلیل ما.
۸. جمعی از محققان، ۱۳۸۶ ش، سیره سیاسی پیامبر ﷺ، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. حسنی، علی اکبر، ۱۳۸۶ ش، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، تهران: انتشارات پیام نور.
۱۰. خالقی، علی، ۱۳۸۶ ش، شیوه برخورد با مخالفان و منتقدان در دولت نبوی، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۱. خرازی، محسن، ۱۳۸۶ ش، زندگانی چهارده معصوم ﷺ، قم: انتشارات مسجد جمکران.
۱۲. قاضی خانی، حسین، ۱۳۹۵ ش، رسول خدا ﷺ و مدیریت تنش های مدینه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۳ ش، سیره نبوی «منطق عملی» (دفتر دوم: سیره اجتماعی)، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. شرف الدین، محمد، ۱۳۶۸ ش، خلاصه سیرت رسول الله ﷺ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. طبرسی فضل بن حسن، ۱۴۱۷ ق، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: ال البيت.
۱۶. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۹۰ ش، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.
۱۷. غفاری، محمد، ۱۳۹۳ ش، تحلیلی بر سیره سیاسی رسول خدا، تهران: انتشارات ناد.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵ ش، کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. معین، محمد، ۱۳۸۶ ش، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات نامن.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۸ ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

تاریخ نامه
جامع

سال اول
شماره اول
۱۴۰۰

۲۱. منتظری مقدم، حامد، ۱۳۸۰ ش، «صلح و آشتی در عصر پیامبر ﷺ»، مجله معرفت، ش ۴۰، صفحه ۱۶.

۲۲. میرشریفی، علی، ۱۳۹۰ ش، پیام آور رحمت، تهران: انتشارات سمت.

۲۳. نجفی، محمدحسن، ۱۳۴۲ ق، جواهر الکلام، ترجمه: عباس قوچانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۴. واقدی، محمدبن عمر، ۱۴۰۹ ق، المغازی، بیروت: ناشر اعلمی.

۲۵. یزدی، علی محمد، ۱۳۹۳ ش، سیره پیامبر ﷺ در برابر مخالفان از زبان قرآن، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲۶. یعقوبی، احمدبن ابی واضح، ۱۳۶۶ ش، تاریخ یعقوبی، تهران: نشر علمی فرهنگی.

تاریخ نامه
جامعه

سال اول
شماره اول
۱۴۰۰

فرایند برخورد رسول خدا ﷺ با مخالفات های مشرکان